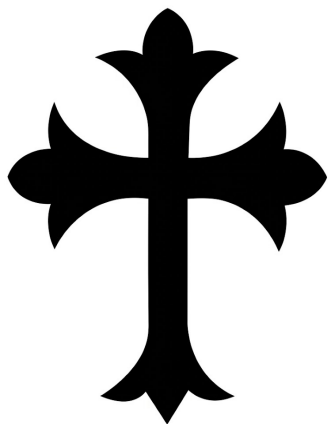




کتاب دعا

ارتدکس شرقی

چاپ شده با برکت
عالیجناب متروپولیتن نیکولاس، اسقف اعظم کلیسای
ارتدکس رومنی، خارج از کشور



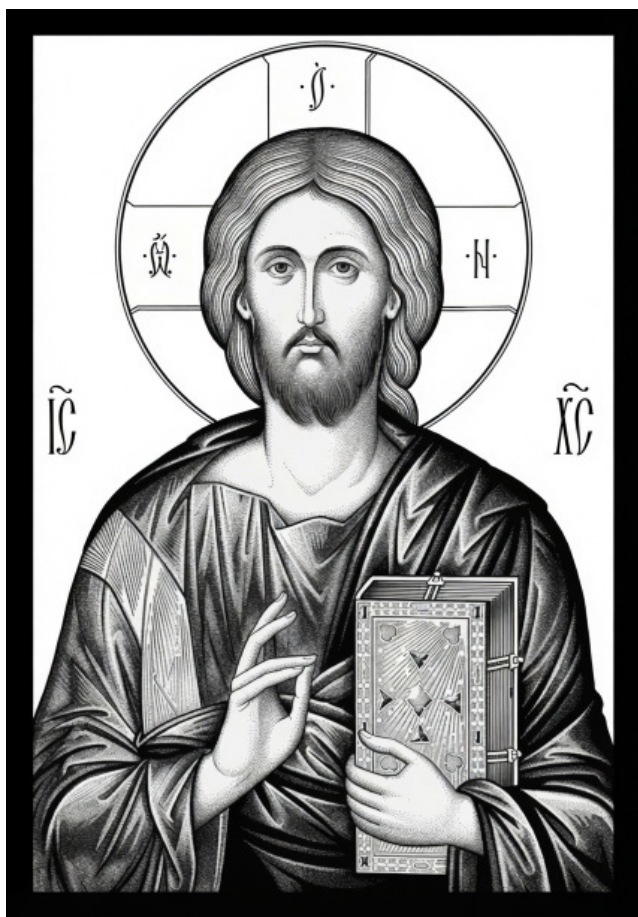
عنوان : کتاب دعا
موضوع: دعاهای مسیحیت ارتدکس شرقی
حق چاپ و تکثیر برای صومعه قدیسان اوپتینا (Holy Elders of Optina Skete)
در ایالت رزول، جورجیا، آمریکا محفوظ می‌باشد.
www.PersianOrthodox.com
انتشارات کتابهای آکادمیک www.acad.ge
چاپ اول - تابستان ۲۰۲۶ تفلیس - گرجستان
(نسخه اصلاح شده چهارم جوردنویل، نیویورک: انتشارات سه‌گانه مقدس، ۲۰۰۵)
شابک (ISBN): ۹۷۸۰۸۸۴۶۵۱۷۵۸
مترجم: مریم ابطحی
طراح: دانیال ابطحی



فهرست

دعای صبح.....	۵
دعاهای روزانه.....	۲۴
دعای پیش از خواب.....	۲۸
کانن التماسی به پروردگارمان عیسی مسیح.....	۴۶
کانن التماسی به تثوتکس مقدس‌ترین.....	۵۸
کانن به فرشته‌ی نگهبان.....	۷۰
آکاتیست به پروردگار ما، عیسی مسیح شیرین‌ترین.....	۸۳
آکاتیست به بانوی مقدس‌ترین ما تثوتکس.....	۱۰۱
دعای پیش از آیین شراکت مقدس.....	۱۱۸
دعای شکرگزاری پس از شراکت مقدس.....	۱۵۳







دعای صبح

پس از برخاستن از خواب، پیش از انجام هر کاری، محترمانه بایستید، خود را در محضر خدای ناظر بر همه چیز بدانید و پس از صلیب کشیدن بگویید:
به نام پدر و پسر و روح مقدس، آمین.

سپس برای لحظاتی صبر کنید تا تمامی احساساتتان آرام گرفته و افکارتان از تمامی امور دنیوی رهایی یابد، حال تعظیم کنید و بگویید:
خداوندا، بر من گناهکار رحم فرما. (سه مرتبه)

دعای آغازین

پروردگارا، عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای مادر پاک‌ترین خود و همه‌ی مقدسین، بر ما رحم فرما.
آمین.

جلال بر تو باد خدای ما، جلال بر تو باد.

ای پادشاه بهشتی، تسلی‌دهنده، ای روح حقیقت، که در همه جا حاضر هستی و همه چیز را از فیض خود پر می‌کنی، گنجینه‌ی چیزهای نیکو و بخشنده‌ی حیات، بیا و در ما ساکن شو، ما را از تمامی آلودگی‌ها، پاک کن و روح ما را نجات ده، ای نیکو.

خداوند مقدس، مقتدر مقدس، جاودان مقدس، بر ما رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای سه‌گانه‌ی مقدس، بر ما رحم فرما، پروردگارا، گناهان ما را پاک کن. ای استاد، خطاهای ما را عفو فرما. ای مقدس، به‌خاطر نامت، ضعف‌ها و ناتوانی‌های ما را ببین و درمان کن.

پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود، نانِ حیاتِ روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها

دور کن و از آن شریر در امان بدار.

تروپاریا برای سه‌گانه‌ی مقدس

از خواب برمی‌خیزیم و در برابر تو به خاک می‌افتیم،
ای نیکو، و سرود فرشتگان را، با صدای بلند برای تو
می‌خوانیم، ای مقتدر: مقدس، مقدس، مقدس هستی
تو، ای خدا، به شفاعت تئوتکس، بر ما رحم فرما.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛
پروردگارا، مرا از خواب بیدار کردی، ذهن و قلبم را روشنایی
بخش و لبانم را باز کن تا برای تو سرود بخوانم، ای
سه‌گانه‌ی مقدس: مقدس، مقدس، مقدس هستی تو،
ای خدا، به شفاعت تئوتکس، بر ما رحم فرما.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.
قاضی ناگهان می‌آید و اعمال هر کس، آشکارا نمایان
می‌شود؛ ولی ما نیمه شب با ترس فریاد می‌زنیم:
مقدس، مقدس، مقدس هستی تو، ای خدا، به شفاعت
تئوتکس، بر ما رحم فرما.

پروردگارا رحم فرما. (دوازده مرتبه)

دعای قدیس باسیل بزرگ به سه‌گانه‌ی مقدس

از خواب که برمی‌خیزم، از تو تشکر می‌کنم، ای سه‌گانه‌ی
مقدس، چون به واسطه‌ی لطف و صبر فراوانت، از من

تنبل گناهکار، ناراحت نشدی و من خطاکار را نابود نکردی، بلکه عشق همیشگی‌ات به انسان را نشان دادی، و وقتی که در ناامیدی به خاک افتاده بودم، مرا بیدار کردی تا صبح را ببینم و قدرتت را جلال دهم، اکنون ذهنم را روشن کن تا به سخنانت فکر کنم، دستورات را بفهمم و خواست تو را انجام دهم، و دهانم را بگشای تا با قلبم اعتراف کنم و سرود پرستش را برای نام تماما مقدست، بخوانم: پدر و پسر و روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

بیایید تا خداوند پادشاه خود را بپرستیم.
بیایید تا در مقابل مسیح، پادشاه و خدایمان، به خاک بیفتیم و او را بپرستیم.
بیایید تا در مقابل خود مسیح، پادشاه و خدایمان، به خاک بیفتیم و او را بپرستیم.

مزامیر ۵۱ دعای توبه

خدایا، به خاطر محبت پادشاه خود، بر من رحم فرما، و از روی گرم بی‌پایانت، گناهان مرا محو ساز. مرا از گناه به کلی شست‌وشو ده و از خطایم پاک ساز. چرا که من، به خطای خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است. من، علیه تو، ای خداوند، بلی، تنها علیه تو گناه کرده‌ام، و این گناه را در پیشگاه

تو انجام داده‌ام، تا عدالت کلامت، آشکار شود و در
 قضاوتت پیروز و بی‌عیب شناخته شوی. من در گناه
 شکل گرفتم و مادرم در گناه مرا به دنیا آورد. تو، حقیقت
 را دوست داری؛ اسرار و حکمت پنهانت را بر من آشکار
 کرده‌ای. بر من زوفا بپاش، تا پاک شوم؛ مرا بشوی، تا
 سفیدتر از برف شوم. بگذار تا صدای شادی و خوشحالی
 را بشنوم؛ تا استخوان‌های شکسته‌ام بار دیگر شاد شود.
 از گناهانم چشم‌پوش و خطاهایم را محو ساز. خدایا،
 قلبی پاک، در من بیافرین و روحی استوار، در من تازه
 کن. مرا از حضور خود مران و روح مقدس خود را از من
 مگیر. شادی نجات را به من بازگردان و روح هدایت‌گرت
 را در من قرار ده. آنگاه احکام تو را به گناهکاران خواهم
 آموخت، تا بی‌ایمانان به‌سوی تو بازگردند. ای خدایی
 که نجات‌دهنده‌ی من هستی، مرا از گناه خونریزی
 نجات ده تا زبانم بار دیگر سرود عدالت تو را بسراید.
 پروردگارا، دهانم را بگشای تا با زبانم، تو را ستایش
 کنم. تو خواهان قربانی نیستی، وگرنه تقدیم می‌کردم.
 قربانی‌های سوختنی، تو را خشنود نمی‌سازد. قربانی
 واقعی برای خدا، روحی شکسته است؛ خدایا، تو قلب
 پشیمان و توبه‌کار را رد نمی‌کنی. خداوندا، بر صهیون
 نظر لطف داشته باش و دیوارهای اورشلیم را دوباره بنا

نما. آنگاه از قربانی‌های حقیقی خشنود خواهی شد، از پیشکش‌ها و هدایای تمام سوخته، و گاوها را بر مذبح تقدیم خواهند کرد.

اعتقاد نامه

من ایمان دارم به یک خدا، پدر قادر مطلق، آفریدگار آسمان و زمین، و همه‌ی چیزهای پیدا و پنهان. و به یک پروردگار عیسی مسیح، پسر خدا، تنها متولد شده، متولد شده از پدر پیش از آغاز زمان، نور از نور، خدای راستین از خدای راستین؛ متولد شده، آفریده نشده است؛ هم‌ذات با پدر، توسط او همه چیز خلق شده است؛ همانکه برای ما انسان‌ها، و برای رستگاریمان، از آسمان فرود آمد، از روح مقدس و مریم باکره جسم گرفت، و انسان شد؛ به‌خاطر ما، در زمان پونتیوس پیلاطس به صلیب کشیده شد، و رنج کشید، و مدفون شد؛ و بر اساس کتب مقدس، در روز سوم دوباره برخاست؛ و به بهشت عروج کرد، و در دست راست پدر نشست؛ و با جلال باز خواهد گشت، تا هم زندگان و هم مردگان را قضاوت کند؛ کسی که سلطنتش بی‌پایان است. و به روح مقدس، پروردگار، زندگی‌بخش؛ که از پدر نشأت گرفته است، همانکه در کنار پدر و پسر ستایش و جلال داده می‌شود؛ کسی

که به وسیله‌ی پیامبران سخن گفت. به یک کلیسای مقدس، جامع و رسولی. به یک غسل تعمید برای آمرزش گناهان اعتراف می‌کنم. من در انتظار رستائیز مردگان، و زندگی پس از مرگ هستم. آمین

دعای اول، از قدیس ماکاریوس بزرگ

خدایا، من گناهکار را پاک فرما، چرا که هیچ‌گاه در پیشگاهت کار خوبی انجام ندادم؛ لیکن مرا از آن شریر رهایی ببخش و خواست خود را در من برقرار کن، تا من دهان بی‌ارزشم را بدون محکوم شدن، برای ستایش نام مقدست باز کنم: پدر و پسر و روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای دوم، از قدیس ماکاریوس بزرگ

ای ناجی، پس از بیدار شدن، سرود نیمه شب را به تو تقدیم می‌کنم، به خاک افتاده و فریاد می‌زنم: مگذار که در خواب مرگبار گناه فرو روم، بلکه بر من رحم فرما، ای کسی که با اراده‌ی خود به صلیب کشیده شدی؛ بشتاب و من غرق در تنبلی را بیدار کن و با دعا و شفاعت نجاتم ده؛ و بعد از خواب شبانه، روزی بدون گناه را در مقابلم قرار ده. ای خداوند مسیح، مرا نجات ده.

دعای سوم، از قدیس ماکاریوس بزرگ

ای استاد، از خواب بر می‌خیزم و شتابان به‌سویت می‌آیم، دوستدار نوع بشر، به لطف و عنایت تو، تلاش می‌کنم تا اعمال تو را انجام دهم و به درگاهت دعا کنم: همیشه و در همه چیز به من کمک کن، مرا از هر چیز دنیایی، گناه آلود و وسوسه‌های آن شریر رهایی ببخش و مرا نجات ده و به‌سوی پادشاهی جاودانت هدایت کن. چرا که تو خالق من هستی، و بخشنده‌ی تمام خوبی‌ها؛ تمام امیدم به توست، و جلال بر تو می‌فرستم، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای چهارم، از قدیس ماکاریوس بزرگ

پروردگارا، با خوبی و مهربانی بی‌پایانت، به من، بنده‌ی خود، عطا کردی تا شبی که گذشت را بدون هیچ حمله‌ای از سوی آن شریر، به صبح برسانم، تو خود، ای استاد، خالق همه چیز، به من عطا فرما که با نور حقیقت تو و قلبی روشن، اراده‌ات را به انجام رسانم، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای پنجم، از قدیس باسیل بزرگ

پروردگار مقتدر، خداوند فرشتگان و موجودات، که در عرش ساکن هستی و بر همه چیز روی زمین نظارت

می‌کنی، ای که قلب و ژرفای وجود را می‌کاوی و اسرار انسان را از پیش می‌دانی، ای نور ازل و ابدی، که در آن هیچ دگرگونی و هاله‌ای از تغییر نیست، ای پادشاه جاودان، تقاضاهایی را که اکنون، به خاطر مهربانی بی‌پایانت، شهامت گفتنش را با لب‌های ناپاک داریم اجابت کن، گناهان آگاهانه و ناآگاهانه‌ی ما در عمل، سخن و فکر را ببخش، جسم و روحمان را از هر آلودگی پاک کن. به ما عطا فرما تا با قلبی مراقب و ذهنی هوشیار، از شب‌های زندگی عبور کنیم، در انتظار آمدن روز مقرر و تابناک تنها پسر متولد شده‌ات، پروردگار، خدا و ناجی خود، عیسی مسیح باشیم؛ روزی که، قاضی همگان، با جلال می‌آید، تا هر کس را بر اساس اعمالش پاداش دهد. باشد که خموده و تنبل نباشیم، بلکه هوشیار و حاضر به خدمت و آماده برای همراهی کردن او به سوی شادی و قصر الهی جلالش، جایی که صدای جشن و پایکوبی همیشه به گوش می‌رسد و شادی کسانی که زیبایی غیرقابل وصف سیمای تو را می‌بینند، توصیف‌ناپذیر است. چرا که تو نور حقیقی هستی و همه را آگاه و تقدیس می‌کنی و همه‌ی مخلوقات تا ابد برای تو سرود می‌خوانند. آمین.

دعای ششم، از قدیس باسیل بزرگ

خدای بزرگ و پروردگار رحیم که کارهایت شگفت، اسرارآمیز، باشکوه، عالی و بی‌حد و مرز است، تو را متبارک می‌خوانیم، چون خواب را به ما هدیه دادی تا خستگیمان جبران شده و جسم رنجورمان به آرامش برسد، از تو ممنونیم که ما را به‌خاطر گناهانمان از بین نبردی، بلکه مثل همیشه مهربانی بی‌پایانت را به انسان نشان دادی و وقتی با ناامیدی خوابیده بودیم ما را بیدار کردی تا شکوه سلطنتت را ستایش کنیم، از این رو، خوبی بی‌حد و مرزت را درخواست می‌کنیم، چشم ادراک ما را روشن کن، ذهنمان را از خواب سنگین سستی بیدار کن و دهانمان را برای نیایش باز کن، تا بتوانیم بی‌وقفه ستایشت کنیم و به درگاهت اعتراف کنیم: که تو خدایی هستی که در همه و به‌وسیله‌ی همه جلال داده می‌شوی، پدر ازلی، در کنار تنها پسر متولد شده‌ات و روح تماماً مقدس، نیکو و جانب‌خست. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای هفتم، به تئوتکس مقدس‌ترین

ای بانوی مقتدر، از فیض تو می‌سرایم و به تو دعا می‌کنم که به ذهنم نیرو دهی، به من بیاموز تا در راه فرمان‌های مسیح قدم بگذارم، قدرتم ده تا برای

نیایش بیدار بمانم و خواب دلسردی را از من دور کن، ای عروس خدا، با دعایت، مرا که در بند گناه محبوس شده‌ام، رهایی ببخش و هر شب و روز از من محافظت کن و مرا از دشمنانی که شکستم می‌دهند دور نگهدار، ای حامل خدا، بخشنده‌ی حیات، من مرده از هوای نفس را دوباره زنده کن، ای حامل نور جاودانی، روح نابینای مرا بینا کن، ای قصر بی‌همتای خدا، مرا خانه‌ی روح الهی قرار ده، ای حامل شفادهنده، هوای نفس همیشگی مرا درمان کن، مرا به سوی توبه هدایت کن، چرا که در توفان زندگی گرفتارم، مرا از آتش ابدی و وسوسه‌های آن شریر و جهنم دور نگهدار، نگذار من که غرق در گناه، سبب شادی آن شریر شوم. ای معصوم‌ترین، به من که از گناهان نسنجیده، پیر شده‌ام زندگی دوباره ببخش، مرا از عذاب دور نگهدار و برایم به درگاه پروردگار همه، دعا کن، لذت بهشت و همنشینی با مقدسین را عطا کن، ای باکره‌ی مقدس، به صدای خدمتگزار ناقابل گوش کن، ای پاک‌ترین، به من سیل اشک عطا کن تا روحم را از ناخالصی‌ها پاک کند، ناله‌های قلبم را بی‌وقفه به تو تقدیم می‌کنم، ای بانوی مقتدر، برایم دعا کن، خدمت خالصانه‌ام را بپذیر و آن را به خداوند مهربان تقدیم کن، ای که بالاتر از فرشتگان هستی، مرا

از پریشانی این دنیا رها کن، ای بارگاه آسمانی، حاملِ نور، فیضِ روح را بر من نازل کن. ای معصوم‌ترین، دست‌ها و لب‌هایم را در ستایش تو می‌گشایم، هرچند که غرق در گناه‌اند. مرا از شرارت‌های نفسانی، رهایی ده و نزد عیسی مسیح که شکوه و پرستش برای اوست، شفاعت کن، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

دعای هشتم، به پروردگار ما عیسی مسیح

ای پروردگار، عیسی مسیح، ای خدای مهربان‌ترین و بخشنده‌ترین، که به‌خاطر مهربانیت، پایین آمدی و جسم گرفتی، تا همه‌ی ما را نجات دهی، بار دیگر، ای ناجی به درگاهت دعا می‌کنم تا مرا با فیضت نجات دهی، زیرا اگر تو مرا به‌خاطر کارهایم نجات دهی، این فیض یا هدیه محسوب نمی‌شود، بلکه تعهد توست، آری! تو در مهربانی، بی‌نظیر و در بخشش، وصف‌ناپذیری، ای مسیح من، تو گفتی که "هر کس ایمان بیاورد همیشه زنده می‌ماند و مرگ را نمی‌بیند". اگر ایمان به تو، من ناامید را نجات می‌دهد، بنگر که ایمان آورده‌ام، مرا نجات ده، چون خالق و خدای من هستی، ای خدای من، بگذار که با ایمانم شناخته شوم، نه اعمالم، چرا که هیچ عملی، مرا تبرئه نخواهد کرد، شاید که ایمانم پاسخگوی اعمالم باشد، آن‌ها را

جبران کند و مرا به شکوه جاودانت برساند. ای کلام، نگذار که آن شریر، خودستایی کند که مرا در چنگ خود گرفته و از دستان تو دور کرده است، چه بخواهم و چه نخواهم، مرا نجات ده، ای مسیح، ناجی من، بشتاب، به پیشم بشتاب، که در آستانه‌ی فروپاشی‌ام. از جنینی خدای من بودی، پروردگارا، به من عطا کن تا تو را چنان دوست داشته باشم که در گذشته، گناه کردن را دوست می‌داشتم، و بدون سستی چنان در درگاهت کار کنم که زمانی برای شیطان فریبکار کار می‌کردم. پروردگار و خدای من، عیسی مسیح، حالا دیگر در تمامی روزهای زندگیم برای تو کار خواهم کرد، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

دعای نهم، به فرشته‌ی نگهبان مقدس

ای فرشته‌ی مقدس، که در کنار روح دردمند و وجود پر از گناه من ایستاده‌ای، من گناهکار را رها نکن و به‌خاطر زیاده‌روی‌هایم از من دور نشو. به آن شریر فریبکار فرصت نده که با تسلط بر جسم فانی من، بر من حاکم شود، دست ضعیف و شکننده‌ام را قدرت ببخش و راه رستگاری را در برابرم قرار ده. ای فرشته‌ی مقدس خداوند، نگهبان و حامی روح و جسم رنجور من، مرا به‌خاطر هر گناهی که در زندگیم با آن تو را آزرדם، ببخش و اگر در شب گذشته گناهی کردم، امروز مراقبم

باش و از وسوسه‌ی دشمن دور نگهدار تا خداوند را با گناه‌م نرنجانم. و برایم به درگاه پروردگار دعا کن که ترس خود را، در من قرار دهد و به من خدمتگزارش نشان ده، چگونه لیاقت لطفش را داشته باشم. آمین.

دعای دهم، به تئوتکس مقدس‌ترین

ای بانوی مقدس‌ترین من، تئوتکس، با دعا‌های مقدس و قدرتمندت، دلسردی، فراموشکاری، نابخردی و بی‌توجهی را از من خدمتگزارِ دردمند و حقیرت، دور کن و افکار پلید، شیرپایه و کفرآمیز را از قلب رنجور و ذهن تاریک‌م پاک کن. آتش هوسِ درونم را خاموش کن، چون ضعیف و رنجورم و مرا از افکار و اعمال ظالمانه دور نگهدار و از شر آن‌ها رها کن، چرا که تمام نسل‌ها، تو را متبارک می‌خوانند و نام مقدست تا ابد ستایش خواهد شد. آمین.

درخواست دعا به قدیس هم‌نام ما

ای قدیس محبوبِ خدا، [نام قدیس]، به درگاه خداوند برایم دعا کن، چرا که مشتاقانه به سمت تو می‌آیم ای یاور و منجی روح من.

سرود برای تئوتکس مقدس‌ترین

شاد باش! ای تئوتکس و باکره! مریم، سرشار از فیض،

پروردگار همراه توست: در میان زنان متبارک هستی و میوه‌ی رَحمت، متبارک است؛ چرا که تو نجات‌بخشِ روح‌های ما را به دنیا آوردی.

تروپارین خطاب به صلیب

پروردگارا، مردمانت را نجات ده و به میراثِ خود برکت ده؛ پیروزی را به مسیحیان ارتدوکس، در برابر دشمنان هدیه کن و با قدرت صلیبت، از جهان مخلوق‌ت محافظت نما.

سپس دعای کوتاهی برای سلامتی و رستگاری پدر روحانی، والدین، خویشاوندان، صاحبان قدرت، ولی‌نعمتان، آشنایان، بیماران یا سوگواران تقدیم می‌کنیم.

دعا برای زندگان

پروردگارا، عیسی مسیح، خدای ما، لطف و مهربانی‌های همیشگی‌ات را که از ازل بوده‌اند، در نظر داشته باش؛ که به موجبشان انسان شدی مصلوب گشتی، برای نجات آنان که براستی به تو ایمان دارند، مُردی و پس از بیدار شدن از مرگ، به بهشت عروج کردی و در دست راستِ خدای پدر نشستی و خواسته‌های فروتنانه‌ی آن‌ها که صدایت می‌زنند را برآورده می‌کنی. تقاضای فروتنانه‌ی خدمتگزارِ ناقابلت را بشنو، که مانند رایحه‌ای معنوی برای تمامی قوم‌ت، تقدیم می‌کنم:

پیش از هر چیز، کلیسای مقدس، جامع و رسولی خود را که با خون ارزشمندت بنا نهادی، به یاد داشته باش و به آن قدرت، وسعت و آرامش ببخش و در برابر دروازه‌های هادس (قلمرو مرگ) از آن محافظت کن. اختلاف بین کلیساهای را از بین ببر، خشم ملت‌ها را فرو نشان و ظهور بدعت‌ها را به سرعت از بین ببر و کافران را به لطف قدرت روح مقدس شکست ده. (تعظیم)

پروردگارا، پاتریاک‌های مقدس، متروپولیتن‌های محترم، اسقف‌های اعظم و اسقف‌ها و تمام کشیش‌ها و راهبین و خدمتگزاران محترم کلیسای ارتدوکس شرقی که برای شبانی گله‌ی اندیشمندت برگزیدی، ببخش و بر آنها رحم فرما و به واسطه‌ی دعاهایشان بر من گناهکار رحم فرما و مرا نجات ده. (تعظیم)

پروردگارا، به پدر روحانی من [نام پدر روحانی] رحم فرما و به واسطه‌ی دعاهای مقدسش، گناهان مرا ببخش. (تعظیم)

پروردگارا، والدین، خواهران و برادران، هم‌خون‌های من، همسایه‌ها و دوستانم [نامشان] را ببخش و بر آنها رحم فرما و نعمت‌های مادی و معنوی هدیه کن. (تعظیم)

پروردگارا، پیران و جوانان، فقرا، یتیمان، بیوه‌گان و آنان

که در بیماری، اندوه، بدبختی و رنج، شرایط سخت و اسارت، زندان‌ها و سیاه‌چال‌ها هستند را ببخش و به آن‌ها رحم فرما، به خصوص آن‌ها که در راه تو و ایمان ارتدوکس توسط مردمان بی‌خدا، خائن و کافر به دام افتاده‌اند را به یاد داشته باش و ببین و به آن‌ها قدرت و آرامش ده و با اقتدارت، آسایش، آزادی و رستگاری را به سرعت بر آن‌ها عطا فرما. (تعظیم)

خداوندا، بر آن‌ها که از من متنفر هستند و در مورد من اشتباه می‌کنند و مرا وسوسه می‌کنند، رحم فرما، مبادا که آن‌ها به خاطر من گناهکار، هلاک شوند. (تعظیم)
آنان را که از ایمان ارتدوکس دور شده‌اند و آنان را که با بدعت‌های نابودکننده کور شده‌اند، با نور آگاهی روشن کن و آن‌ها را در شمار کلیسای مقدس، رسولی و جامع خود حساب کن. (تعظیم)

سپس دعای کوتاهی برای درگذشتگان تقدیم می‌کنیم.

دعا برای درگذشتگان

پروردگارا، کسانی که این زندگی را ترک کرده‌اند، به یاد بیاور، از جمله پادشاهان، ملکه‌ها و شاهزاده‌های ارتدوکس، پاتریاک‌های مقدس، متروپولیتن‌های محترم، اسقف‌های اعظم و اسقف‌های ارتدوکس، تمام کسانی که در جایگاه کشیشی و روحانی کلیسا بوده‌اند

و راهبانی که در صومعه‌ها به تو خدمت کرده‌اند، و به آن‌ها در کنار مقدسین در مسکن ابدیت، آرامش عطا فرما. (تعظیم)

پروردگارا، روح خدمتگزاران درگذشته‌ات، والدین و خویشاوندان [نامشان] را به یاد بیاور و تقصیرهای ارادی و غیرارادی آن‌ها را ببخش، پادشاهی و سهمی از نعمت‌های ابدیت و نیز لذت زندگی بی‌پایان و پربرکت را به آن‌ها عطا فرما. (تعظیم)

پروردگارا، همچنین تمامی پدران و برادران و خواهران ما، و کسانی را که در اینجا آرامیده‌اند و ارتدوکس‌هایی که با امید به رستاخیز و زندگی ابدی این جهان را ترک کرده‌اند را به یاد بیاور و آن‌ها را با قدیسانت همنشین کن. جایی که نور چهره‌ات بر آن‌ها بتابد و همچنین بر ما رحم فرما، چرا که تو مهربان و دوستدار نوع بشر هستی. (تعظیم)

پروردگارا، آموزش گناهان را به تمامی پدران، برادران و خواهرانمان که پیش از ما در ایمان و امید به رستاخیز از این جهان رفته‌اند، عطا فرما، و یادشان را جاودانه ساز. (تعظیم)

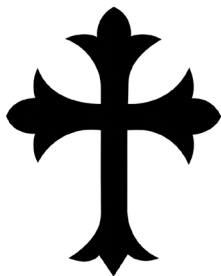
دعای پایانی

شایسته است که تو را ستایش کنیم، ای تئوتکس، همیشه مقدس و بی‌گناه، و مادر خدای ما، والامرتبه‌تر

از کروبیان و فرای قیاس باشکوه‌تر از سرافیان، که بدون
زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تثوتکس راستین،
تو را می‌ستاییم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

پروردگارا، رحم فرما. (سه مرتبه)؛ پروردگارا، برکت ده.
پروردگارا، عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای
مادرِ پاک‌ترینِ خود و همه‌ی پدران مقدس و خداپرست
بر ما رحم فرما. آمین





دعاهای روزانه

دعای پیش از درس

ای پادشاه بهشتی، تسلی دهنده، ای روح حقیقت، که در همه جا حاضر هستی و همه چیز را از فیض خود پر می‌کنی، گنجینه‌ی چیزهای نیکو و بخشنده‌ی حیات، بیا و در ما ساکن شو، ما را از تمامی آلودگی‌ها، پاک کن و روح ما را نجات بده، ای نیکو.

یا:

ای مهربان‌ترین پروردگار! فیض روح مقدس خود را، که نعمت‌ها می‌بخشد و توان روح‌هایمان را تقویت می‌کند، بر ما نازل کن تا با توجه به تعلیمی که به ما داده شده، برای جلال تو، آفریدگارمان، برای آرامش والدینمان، و برای خدمت به کلیسا و میهنمان رشد کنیم.

دعای پس از درس

شایسته است که تو را ستایش کنیم، ای تئوتکس، همیشه مقدس و بی‌گناه، و مادر خدای ما، والامرتبه‌تر از کروبیان و فرای قیاس، باشکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین، تو را می‌ستاییم.

یا:

آفریدگارا، تو را سپاس می‌گوییم که این فیض را به ما ارزانی داشتی، تا در مسیر آموزش گام برداریم. راهنمایان، والدین و استادانمان را، که ما را به‌سوی درکِ نیکویی رهنمون می‌شوند، برکت ده؛ و ما را توان و پایداری بخش تا این مطالعه را ادامه دهیم.

دعای پیش از شروع هر کاری

پروردگارا، برکت ده.

یا:

پروردگارا، عیسی مسیح، تنها پسرِ متولد شده از پدر ازلِ خود، تو با لب‌های پاکت فرمودی: «بی من، هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید.» پروردگارا، پروردگارِ من، با ایمان به سخنان، در برابر نیکویی‌ات به خاک می‌افتم؛ به منِ گناهکار کمک کن تا به‌واسطه‌ی خودِ تو، این

کاری را که می‌خواهم آغاز کنم، به پایان برسانم، به نام پدر و پسر و روح مقدس. آمین.

دعای پس از پایان هر کاری

جلال بر تو، پروردگارا.

یا:

ای مسیح من، تو کمال همه‌ی نیکی‌ها هستی؛ روحم را با شادی و خوشحالی پر کن و مرا نجات ده، زیرا تنها تو سرشار از رحمت هستی.

دعای پیش از غذا

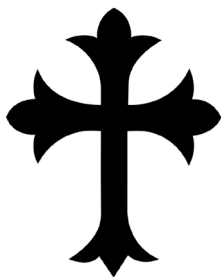
ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود، نانِ حیاتِ روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها دور کن و از آن شریر در امان بدار.

یا:

چشمانِ همگان، با امید به سوی توست و تو خوراکشان را در زمان مناسب، عطا می‌کنی. تو دست خود را می‌گشایی و هر موجود زنده‌ای را با عنایت خود، سیر می‌گردانی.

دعای پس از غذا

ای مسیح خدای ما، تو را سپاس می‌گوییم که ما را با
برکات زمینی خود، سیر کردی. ما را از ملکوت آسمانی
خود نیز، محروم نکن. همان‌گونه که بر شاگردانت وارد
شدی و به آنان آرامش بخشیدی؛ بر ما نیز وارد شو و
ما را نجات ده، ای ناجی.





دعای پیش از خواب

قبل از خواب، محترمانه بایستید، خود را در محضر خدای ناظر بر همه چیز بدانید و پس از صلیب کشیدن بگویید:

به نام پدر و پسر و روح مقدس، آمین.

سپس برای لحظاتی صبر کنید تا تمامی احساساتتان آرام گرفته و افکارتان از تمامی امور دنیوی رهایی یابد، حال تعظیم کنید و بگویید:

خداوندا، بر من گناهکار رحم فرما. (سه مرتبه)

دعای آغازین

پروردگارا، عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای مادر پاک‌ترین خود و پدران مقدس و خداپرست، بر ما رحم فرما. آمین.

جلال بر تو باد خدای ما، جلال بر تو باد.

ای پادشاه بهشتی، تسلی‌دهنده، ای روح حقیقت، که در همه جا حاضر هستی و همه چیز را از فیض خود پر می‌کنی، گنجینه‌ی چیزهای نیکو و بخشنده‌ی حیات،

بیا و در ما ساکن شو، ما را از تمامی آلودگی‌ها، پاک کن و روح ما را نجات بده، ای نیکو. خداوند مقدس، مقتدر مقدس، جاودان مقدس، بر ما رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای سه‌گانه‌ی مقدس، بر ما رحم فرما، پروردگارا، گناهان ما را پاک کن. ای استاد، خطاهای ما را عفو فرما. ای مقدس، به خاطر نامت، ضعف‌ها و ناتوانی‌های ما را ببین و درمان کن.

پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود، نانِ حیاتِ روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها دور کن و از آن شریر در امان بدار.

تروپاریا

بر ما رحم فرما، پروردگارا، بر ما رحم فرما، به جای هرگونه دفاعی، ما گناهکاران این دعا را به تو تقدیم

می‌کنیم ای استاد، بر ما رحم فرما.
جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛
پروردگارا بر ما رحم فرما؛ چرا که ما به تو امید داریم،
از ما خشمگین نشو و گناهان ما را به یاد نیاور؛ بلکه
اکنون، نظر لطف را بر ما بیفکن چرا که تو مهربان
هستی، و ما را از دشمنانمان رهایی ببخش، چرا که
تو خدای ما هستی و ما، قوم تو. همه‌ی ما مخلوق
دستان تو هستیم و نام تو را صدا می‌زنیم.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تئوتکس مقدس، درهای رحمت، بر روی ما باز
می‌شود، چرا که به تو امید بسته‌ایم، نگذار که هلاک
شویم. به واسطه‌ی تو، از ناملایمات رهایی می‌یابیم،
چرا که تو نجات‌بخش نسل مسیحیت هستی.
پروردگارا رحم فرما. (دوازده مرتبه)

دعای اول، از قدیس مکاریوس بزرگ

ای خدای جاودان و پادشاه همه‌ی مخلوقات، که به
من عطا کردی تا به این ساعت برسم، گناهانی را که
امروز در عمل، کلام و اندیشه مرتکب شده‌ام ببخش؛ و
پروردگارا، جان حقیر مرا از هرگونه ناپاکی جسم و روح
پاک کن. پروردگارا، به من عطا فرما، که امشب خوابی
آرام داشته باشم؛ تا با برخاستن از بستر حقیرم، نام

مقدس تو را در تمام ایام عمرم ستایش کنم و دشمنان زمینی و غیرزمینی‌ام را که با من می‌جنگند، شکست دهم. پروردگارا، مرا از افکار بیهوده و هوس‌های شیطانی که نجسم می‌کنند، رهایی ده. زیرا پادشاهی و قدرت و جلال از آن توست: پدر و پسر و روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

دعای دوم، از قدیس آنتیوخوس

فرمانروای همه، کلام پدر، ای عیسی مسیح، تو که کامل هستی: به‌خاطر رحمت بی‌اندازه‌ات، هرگز از من جدا نشو، بلکه همیشه در من که بنده‌ی توام بمان. ای عیسی، شبانِ نیکوی گوسفندان، مرا به فتنه‌ی مار تسلیم مکن، و مرا به اراده‌ی شیطان رها مکن، زیرا که بذر فساد در من وجود دارد. بلکه پروردگارا، ای خدای پرستیدنی، پادشاهِ مقدس، عیسی مسیح، در خواب، مرا با نور خاموش نشدنی‌ات، روح مقدس، که به وسیله‌ی او رسولان خود را تقدیس کردی، محافظت کن. پروردگارا، نجاتِ خود را بر بستر من، که بنده‌ی نالایق توام، عطا فرما. ذهنم را با نورِ درکِ انجیلِ مقدست، روحم را با عشق به صلیبت، قلبم را با پاکِی کلامت، بدنم را با اشتیاقِ بی‌اندازه به تو، آگاه کن. با فروتنیت، اندیشه‌ی مرا در اختیار بگیر و مرا در وقت مناسب، برخیزان تا تو

را جلال دهم. زیرا که پرچلال‌ترین هستی، همراه با پدر ازلیت و روح مقدس‌ترینت تا ابد. آمین.

دعای سوم، به روح مقدس

پروردگارا، پادشاه بهشتی، تسلی‌دهنده، روح حقیقت، شفقت‌نشان داده و بر بنده‌ی گناهکارت رحم فرما و مرا از بی‌لیاقتی‌ام رها ساز، هر گناهی را که امروز به عنوان یک انسان، در پیشگاه تو مرتکب شده‌ام، ببخش. گناهایی که نه تنها انسانی، بلکه گاه، بدتر از رفتار حیوان بوده است، گناهان ارادی یا غیرارادی، دانسته یا نادانسته، چه از روی جوانی، و چه براساس وسوسه‌ی شیطانی، و چه از روی گستاخی و ناامیدی. اگر به نام تو قسم خورده‌ام، یا در اندیشه‌ی خود، به نام تو کفر گفته‌ام، یا کسی را ملامت کرده‌ام، یا در عصبانیت به کسی تهمت زده‌ام، یا کسی را غمگین کرده‌ام، یا از چیزی عصبانی شده‌ام، یا دروغ گفته یا بیهوده خوابیده‌ام، یا اگر گدایی نزد من آمده باشد و من او را تحقیر کرده باشم؛ یا اگر برادرم را اندوهگین کرده باشم، یا نزاع کرده باشم، یا کسی را قضاوت کرده باشم؛ یا اگر متظاهر، یا مغرور، یا عصبانی بوده‌ام؛ اگر در هنگام دعا، ذهنم به وسیله وسوسه‌های این دنیا، یا افکار هرزگی منحرف شده باشد؛ یا اگر زیاده خورده

باشم، یا بیش از حد، مشروب نوشیده باشم، یا بیهوده خندیده باشم؛ اگر افکار پلید داشته‌ام، زیبایی کسی را دیده و دلم لرزیده باشد؛ اگر چیزهای ناشایست گفته باشم، یا گناه برادرم را مسخره کرده باشم در حالی که گناهان خودم بی‌شمار است؛ اگر از دعا غافل شده‌ام، یا گناه دیگری کرده‌ام که یادم نمی‌آید، به‌خاطر همه‌ی این‌ها و بیش از این‌ها که انجام داده‌ام: ای استاد و خالق من، بر من، بنده‌ی ناتوان و نالایق خود، رحم فرما؛ مرا پاک کن، بیامرز و ببخشا، چرا که تو نیکو و دوستدار نوع بشر هستی، تا من که شهوتران، گناهکار و بیچاره هستم، بتوانم بخوابم و آرام بگیرم. و نام مقدس تو را همراه با پدر و تنها پسر متولد شده‌اش، اکنون و همیشه و تا ابد پرستش کنم، سرود بخوانم و جلال دهم. آمین.

دعای چهارم، از قدیس مکاریوس بزرگ

ای بخشنده‌ی بزرگ، پادشاه جاودان، ای پروردگار مهربان، که دوستدار نوع بشر هستی، چه چیزی به تو تقدیم کنم یا به تو بدهم؟ زیرا گرچه در جلب رضایت تو، سستی کرده‌ام، و هیچ کار نیکی انجام نداده‌ام، تو مرا به پایان این روز که گذشت رسانده‌ای، ایمان و نجات روح من را فراهم کردی. بر من گناهکار، که عاری از هر کار نیک هستم، رحم فرما، روح سقوط کرده‌ام را، که به گناهان

بی‌شمار آلوده شده است، تعالی ببخش، و هر فکر بد مربوط به این زندگی دنیایی را از من دور کن. ای که تنها تو بی‌گناهی، گناهانی را که امروز، دانسته یا نادانسته، در گفتار، کردار و اندیشه و با تمام وجودم، در پیشگاه تو انجام داده‌ام، ببخش. خودت مرا با قدرت و اختیار الهی و عشق غیرقابل بیان خود به نوع بشر، از هر پیشامد شرورانه‌ای محافظت و نگهداری کن. خدایا پاک کن، انبوه گناهانم را پاک کن. پروردگارا، از اینکه مرا از دام آن شریر آزاد سازی و روح مشتاق مرا نجات دهی و هنگامی که با جلال می‌آیی، مرا در سایه‌ی نور چهره‌ات قرار دهی، خشنود باش. مرا بدون احساس گناه، به خوابی بی‌رویا بخوابان، افکار پریشان را از بنده‌ی خود بگیر، و همه‌ی اعمال شیطانی را از من دور کن. و چشمانِ دلم را با ادراک، روشن گردان، مبادا به خوابِ مرگ فرو روم. و برای من، فرشته صلح، نگهبان و راهنمای روح و جسمم را بفرست تا مرا از دست دشمنانم نجات دهد. تا از رختخوابم که برخاستم، دعای شکرگزاری به تو تقدیم کنم. آری، پروردگارا، به اعتراف و صدای وجدانِ بنده‌ی گناهکار و درمانده‌ی خود، گوش کن. به من عطا فرما که وقتی برمی‌خیزم، در مسیر سخنان تو، رهنمون شوم و به وسیله‌ی فرشتگانت،

ناامیدی اهریمنی را از من دور ساز، تا نام مقدس تو را،
متبارک خوانم و تئوتکس مریم پاک‌ترین را، که به ما
گناهکاران به عنوان محافظ عطا کردی و دعاهای او را
برای ما می‌پذیری، تجلیل و ستایش کنم. زیرا می‌دانم
که او مصداق عشق تو به نوع بشر است و بی‌وقفه برای
ما دعا می‌کند. با حمایت او و نماد صلیب گرانبهایت
و به خاطر تمام قدیسینت، روح بیچاره‌ی من را حفظ
کن، ای عیسی مسیح، خدای ما، زیرا تو مقدس و تا
ابد باشکوه‌ترین هستی. آمین.

دعای پنجم

پروردگارا، خدای ما، مرا ببخش که امروز، در گفتار، کردار
و اندیشه، گناه کردم، چرا که تو نیکو و دوستدار نوع
بشر هستی. به من خوابی آرام و بی‌دغدغه عطا فرما و
فرشته‌ی نگهبانت را بفرست تا مرا از تمام شریران حفظ
کند، زیرا تو نگهبان روح‌ها و بدن‌های ما هستی. به تو
جلال می‌فرستیم. به پدر و به پسر و به روح مقدس،
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای ششم

پروردگارا، خدای ما که به تو ایمان داریم و نام تو را، بالاتر
از هر نامی می‌خوانیم، هنگامی که به خواب می‌رویم،

آرامش روح و جسم را به ما عطا فرما و ما را از همه‌ی رویاها و لذت‌های تاریک محافظت کن. هجوم تمایلات را متوقف کن و آتش شهوتی را که در جسم برمی‌خیزد، خاموش کن. به ما عطا فرما که در عمل و گفتار، پاکیزه زندگی کنیم تا به زندگی با تقوا دست یابیم و از نعمت‌های موعود تو، محروم نشویم. زیرا تا ابد متبارک هستی تو. آمین.

دعای هفتم، قدیس یوحنا زین دهن

بر اساس ساعت‌های روز و شب

پروردگارا، مرا از نعمت‌های بهشتی خود محروم مکن. پروردگارا، مرا از عذاب ابدی رهایی ببخش. پروردگارا، اگر در ذهن یا اندیشه، در گفتار یا کردار گناه کرده‌ام، مرا ببخش. پروردگارا، مرا از هر نادانی، فراموشی، بزدلی، و سنگدلی رهایی بخش. پروردگارا، مرا از هر وسوسه‌ای نجات ده. پروردگارا، قلب مرا که تمایلات شرورانه آن را تاریک کرده است، روشن کن. پروردگارا، من به عنوان یک انسان گناه کردم، اما تو به عنوان خدای مهربان، با دیدن ناتوانی روحم، بر من رحم فرما. پروردگارا، فیض خود را به یاری من بفرست، تا نام مقدست را جلال دهم. پروردگارا، عیسی مسیح،

نام من را که بنده‌ی تو هستم، در کتابِ زندگان بنویس و پایانی خوش به من عطا فرما. پروردگارا، خدای من، با وجود اینکه هیچ کار خیری در نظر تو انجام نداده‌ام، به فیض خود، آغاز خوبی به من عطا فرما. پروردگارا، شب‌نم لطف خود را بر قلب من بپاش. پروردگارِ زمین و آسمان، مرا که بنده‌ی گناهکار، شرم‌نده و ناپاکِ تو هستم، در پادشاهی خود به یاد بیاور، آمین. پروردگارا، توبه‌ی مرا بپذیر. پروردگارا، مرا رها مکن. پروردگارا، مرا در آزمایش میاور. پروردگارا، به من افکار نیکو عطا فرما. پروردگارا، اشک، یاد مرگ و پشیمانی، به من عطا فرما. پروردگارا، قصد اعتراف به گناهانم را به من عطا فرما. پروردگارا، به من فروتنی، پاکدامنی و اطاعت عطا فرما. پروردگارا، به من صبر، شجاعت و خونسردی عطا فرما. پروردگارا، ریشه‌ی ترس خود را در قلبم بکار. پروردگارا، به من عطا فرما که تو را با تمام روح و افکارم، دوست داشته باشم و در همه چیز به اراده‌ی تو عمل کنم. پروردگارا، مرا از شرِ انسان‌های شرور، شیاطین و شهوات و از هر چیز ناپسند دیگر حفظ کن. پروردگارا، تو می‌دانی که هر چه می‌خواهی انجام می‌دهی. اراده‌ی تو در مورد من گناهکار نیز، انجام شود. چرا که متبارک هستی تو تا ابد. آمین.

دعای هشتم، به پروردگار ما عیسی مسیح

پروردگارا عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای مادرِ بزرگوارت، فرشتگان روحانی، پیامبر و پیشرو و تعمید دهنده‌ات، رسولان برگزیده‌ی خدا، شهدای نورانی و پیروز، پدران مقدس و خداپرست و به شفاعت همه‌ی مقدسین، مرا از شرِ شریران رهایی بخش. آری؛ ای پروردگار و آفریدگار من، که مرگ گناهکار را نمی‌خواهی، بلکه می‌خواهی او بازگردد و زنده بماند، به من بیچاره و نالایق نیز عطا فرما تا تغییر کنم. مرا از دهان مار هولناکی که دهانش را باز کرده تا مرا بلعد و زنده زنده به هادُس (دوزخ) ببرد، نجات ده. آری؛ ای پروردگار من، ای آسایش من، که به‌خاطر نجات من بیچاره، لباسِ بدنِ فانی پوشیدی، مرا از بدبختی بیرون بیاور، و به روحِ بیچاره‌ام آسایش عطا فرما. در قلبم، قرار ده تا اوامر تو را انجام دهم، بدی‌ها را ترک کنم و نعمت‌هایت را بدست آورم. چرا که امیدم به توسل، پروردگارا، تا نجاتم دهی.

دعای نهم، به تئوتکس مقدس‌ترین

مادرِ نیکِ پادشاهِ نیکو، مریم تئوتکس، پاک‌ترین و متبارک‌ترین، رحمتِ پسرت و خدای ما را، بر روح مشتاق من نازل کن. و با شفاعت خود، مرا به کارهای نیک

هدایت کن تا باقی مانده‌ی عمرم را بدون گناه، سپری کنم و به واسطه‌ی تو به بهشت برسم، ای تئوتکس باکره، که تنها تو پاک و متبارک هستی.

دعای دهم، به فرشته‌ی نگهبان مقدس

ای فرشته‌ی مسیح، نگهبان مقدس من، محافظ روح و جسم من، همه‌ی گناهانی که امروز انجام داده‌ام، را ببخش و مرا از شر حمله‌ی دشمنم رهایی ده، تا مبادا خدای خود را با هیچ گناهی خشمگین سازم. برای من، بنده‌ی گناهکار و نالایق، دعا کن، تا شایسته‌ی مهربانی و رحمت سه‌گانه‌ی مقدس و مادر پروردگارم عیسی مسیح و همه‌ی مقدسین باشم. آمین.

کنتاکیون به تئوتکس

ای تئوتکس، پیشوای قهرمان، ما بندگان، جشن پیروزی و شکرگزاری را به عنوان نجات‌یافتگان از رنج‌ها، تقدیم تو می‌کنیم، از آنجا که تو دارای قدرت شکست‌ناپذیر هستی، از هر خطر احتمالی رهاییمان ده، تا بتوانیم نزد تو فریاد بزنیم: شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج! گرمی‌ترین و همیشه باکره، مادر خداوند عیسی، دعا‌های ما را به پسرت و خدای ما تقدیم کن، تا روح‌های ما را، به واسطه‌ی تو نجات دهد. تمام امیدم به توست، مادر

خدا: مرا تحت حمایت خود نگه دار. ای تئوتکسِ باکره،
منِ گناهکار را خوار مکن. به کمک و محافظت تو نیاز
دارم، بر من رحم فرما، زیرا جانِ من، به تو امید دارد.
امید من، پدر است، پناه من، پسر است، حامی من،
روح مقدس است. ای سه‌گانه‌ی مقدس، جلال بر تو.

دعای پایانی

شایسته است که تو را ستایش کنیم، ای تئوتکس،
همیشه مقدس و بی‌گناه، و مادر خدای ما، والامرتبه‌تر
از کروبیان و فرای قیاس، باشکوه‌تر از سرافیان، که
بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس
راستین، تو را می‌ستاییم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

پروردگارا، رحم فرما. (سه مرتبه)

پروردگارا، برکت ده

پروردگارا، عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای
مادرِ پاک‌ترینِ خود و همه‌ی پدرانِ مقدس و خداپرست
و همه‌ی قدیسین، بر ما رحم فرما. آمین

دعای قدیس یوحنا ی دمشق

در حالی که رو به بستر خویش هستی این دعا را بخوانید:

ای استاد، دوستدار نوع بشر، آیا این بستر، تابوت من خواهد شد؟ یا نور روزی دیگر را، بر روح بیچاره‌ی من خواهی تاباند؟ بنگر، تابوت، پیش روی من است؛ بنگر، مرگ، در برابرم قرار گرفته است. پروردگارا، از قضاوت تو و عذاب‌های بی‌پایان می‌ترسم، ولی باز هم، دست از گناه برنمی‌دارم. پروردگار خدای من، تو، مادر پاک‌ترینت، و همه‌ی لشکریان آسمانی، و فرشته‌ی نگهبان مقدس خود را، پیوسته خشمگین می‌سازم. پروردگارا، می‌دانم که شایسته‌ی عشق تو به نوع بشر نیستم، بلکه برعکس، لایق هر محکومیت و عذابی هستم. اما، پروردگارا، چه بخواهم چه نخواهم، مرا نجات ده. چراکه نجات یک مرد صالح چیز بزرگی نیست، و رحم کردن به پاکدامنان، کار فوق‌العاده‌ای نیست، همانا، آنان شایسته‌ی رحمت تو هستند. اما بر من که گناهکارم، معجزه‌ی رحمت خویش را نشان ده؛ و اینگونه، عشق خود به نوع بشر را آشکار کن، مبدا شرارت من، بر نیکی و صف‌ناپذیر و مهربانی رحیم تو، چیره شود؛ و زندگی مرا آن‌طور که خواستِ توسست، سامان ده.

و هنگامی که در شرف دراز کشیدن بر بستر هستی، این را بگو:

چشمانم را روشن کن، ای مسیح خداوند، مبدا هرگز، به خوابِ مرگ فرو روم، مبدا هرگز، دشمنم بگوید: بر

او چیره شدم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛
خدایا، یاری‌رسان روحم باش، زیرا از میان دام‌های
بسیار می‌گذرم؛ مرا از آن‌ها برهان، و نجاتم ده، ای
نیکو، چراکه تو دوستدار نوع بشر هستی.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

بیایید بی‌وقفه، با دل و با زبان، مادرِ ارجمندترین
خداوند، مقدس‌تر از فرشتگانِ مقدس را ستایش
کنیم، و او را تئوتکس بخوانیم، زیرا به راستی، خداوند
مجسم را برای ما به دنیا آورد، و بی‌وقفه برای روح‌های
ما دعا می‌کند.

سپس صلیبِ خود را ببوسید، و با آن بر روی بستر خود از بالا تا پایین و
از سمت چپ به سمت راست بکشید، و دعای صلیب مقدس را بخوانید:
باشد که پروردگار برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند، و
آنان که از او نفرت دارند از پیشگاه او بگریزند. چنان‌که
دود، پراکنده می‌شود، آنان نیز پراکنده شوند؛ چنان‌که
موم، در برابر آتش آب می‌شود، شیاطین نیز از پیش
آنان که خدا را دوست می‌دارند بگریزند، کسانی که بر
خود نشانِ صلیب می‌کشند و با شادی می‌گویند: شاد
باش، ای صلیبِ گرانبها و حیات‌بخشِ پروردگار، چرا که
تو شیاطین را با نیروی پروردگار ما، عیسی مسیح که بر

تو مصلوب شد، می‌رانی، با نیروی او که به هادس رفت
و نیروی ابلیس را زیر پا نهاد، و تو، صلیب گرانبهایش
را، برای راندن دشمنان به ما داد. ای صلیبِ گرانبها و
حیات‌بخشِ پروردگار، همراه با بانوی باک‌رهی مقدس
تئوتکس، و تمام قدیسین مرا یاری ده تا ابد. آمین.

یا:

پروردگارا، مرا با نیروی صلیب گرانبها و حیات‌بخشت،
دربگیر و از هر بدی حفظ کن.

سپس، به جای [درخواست] آموزش [از دیگران] بگویند:

خداوند، گناهان ما را، چه ارادی و چه غیرارادی، در گفتار
و کردار، آگاهانه و بدون آگاهی، در روز و شب، در ذهن
و اندیشه عفو فرما، ببخش و درگذر؛ همه‌ی خطاهای
ما را ببخش، زیرا تو نیکو و دوستدار نوع بشر هستی.

دعا:

پروردگارا، دوستدار نوع بشر، آنان را که از ما کینه دارند
و به ما ستم می‌کنند، ببخش. به آنان که به ما نیکی
می‌کنند، نیکی فرما. درخواستِ نجات و زندگی جاودان
برادران و خویشاوندان ما را، اجابت کن؛ به بیماران
نظر کن و آنان را شفا ده. آنان را که در دریا هستند،
هدایت کن. با مسافران، همسفر شو. به مسیحیان
ارتدوکس یاری کن تا بجنگند. گناهان آنان که به ما

خدمت می‌کنند و مهربانند، را عفو کن. بر آنان که از ما، نالایقان، خواسته‌اند که برایشان دعا کنیم، بر اساسِ رحمتِ بزرگِ خویش، رحم فرما. پروردگارا، پدران و برادران ما را، که پیش از ما درگذشته‌اند، به یاد آر، و به آنان در جایی که نور روی تو بر آنان بتابد، آرامش عطا کن. پروردگارا، برادران ما را که در اسارتند به یاد آر، و آنان را از هر بلا برهان. پروردگارا، آنان را که در کلیساهای مقدس تو میوه می‌دهند و کارهای نیک می‌کنند، به یاد آر، و درخواستِ نجات و زندگیِ جاودان آن‌ها را، اجابت کن. همچنین، پروردگارا، ما بندگانِ حقیر، گناهکار و نالایقِ خویش را به یاد آر، و ذهن‌های ما را با نورِ دانشِ خویش، روشن کن، و به شفاعتِ بانوی پاک‌ترین ما، تئوتکس مریم همیشه باکره و تمام قدیسینت، ما را در راه احکامِ خویش هدایت کن؛ زیرا متبارک هستی تو تا ابد. آمین.

اعتراف روزانه‌ی گناهان:

پروردگارِ من، خداوند و آفریدگارم، که در سه‌گانه‌ی مقدسِ یکتا، در پدر، پسر و روح مقدس، ستایش و پرستش می‌شوی، همه‌ی گناهانم را، که در تمام روزهای زندگی‌ام و در هر ساعت، حال و گذشته، روز و شب، با کردار، گفتار، اندیشه، پرخوری، مستی، خوردنِ پنهان،

گفتگوی بیهوده، نومیدی، تنبلی، لجاجت، نافرمانی،
 تهمت، قضاوت، غفلت، خوددوستی، حرص مال،
 اخاذی، دروغ، نامردی، پولپرستی، حسادت، بددلی،
 خشم، کینه‌توزی، نفرت، رشوه‌خواری؛ و با تمام حواسم:
 بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه؛ و با بقیه‌ی
 گناهانم، گناهانِ روح همراه با جسم، که با آن‌ها تو را،
 خداوند و آفریدگارم، خشمگین کرده‌ام و با همسایه‌ام به
 ناحق رفتار کرده‌ام را، به تو اعتراف می‌کنم. اندوهگین
 بابت این‌ها، گناهکار در برابر تو می‌ایستم، ای خداوندِ
 من، اما قصدِ توبه دارم. فقط، یاری‌ام کن، پروردگارا
 خداوند من، با اشک‌های فروتنانه به تو التماس می‌کنم،
 گناهانِ گذشته‌ام را، از روی شفقت ببخش، و از همه‌ی
 این‌هایی که در حضور تو گفتم، تبریئه‌ام فرما، زیرا تو
 نیکو و دوستدار نوع بشر هستی.

هنگامی که خود را به خواب می‌سپاری، بگو:

پروردگارا، عیسی مسیح خداوند من، رحم را به دستان
 تو می‌سپارم. مرا برکت ده، بر من رحم فرما، و زندگی
 جاودان به من عطا فرما. آمین.





کانن التماسی به پروردگارمان عیسی مسیح

لحن دوم، بند اول

ایرموس: در روزگار باستان، قدرت بی‌کران، تمام لشکرِ فرعون را مغلوب کرد. اما کلامِ تجسد یافته، گناهِ زیان‌بار را نابود ساخت. پروردگار فراتر از تصور، باشکوه است، زیرا او با شکوه، تجلیل شده است.
رفرین: ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

عیسی مسیح شیرین‌ترین، عیسی بردبار، زخم‌های روحم را التیام بخش، ای عیسی، و قلبم را شیرین گردان، ای مهربان‌ترین، به تو تمنا می‌کنم، ای عیسی

ناجی‌ام، تا با رستگاری به دست تو، تو را ستایش کنم.
 ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.
 عیسی مسیح شیرین‌ترین، در توبه را بر من بگشای،
 ای عیسی، دوستدار نوع بشر، و مرا بپذیر، ای عیسی
 ناجی‌ام، چرا که در پیشگاهت به خاک افتاده‌ام و با
 اشتیاق، آمرزش گناهانم را تمنا می‌کنم.
 ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.
 ای عیسی مسیح شیرین‌ترین، ای عیسی، مرا از دست
 بلیعال فریبکار برهان، ای عیسی، و مرا در سمت راست
 جلال خود قرار ده، ای عیسی ناجی‌ام، و مرا از سرنوشت
 آنان که در سمت چپ‌اند، برهان.
 ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
تئوتکین: ای بانو، که خدای ما، عیسی را به دنیا آورده‌ای،
 برای ما خدمتگزاران بی‌ارزش دعا کن، تا به واسطه‌ی
 دعا‌های تو، ای منزّه، ما آلوده‌گان از عذاب‌های یابیم،
 ای بی‌عیب، و از جلال جاودان بهره‌مند گردیم.

بند سوم

ایرموس: با قرار دادن من بر صخره ایمان، زبان مرا بر
 دشمنانم دراز کردی، زیرا که روح من شاد می‌شود وقتی
 می‌خوانم: هیچکس مثل خدای ما مقدس نیست و
 هیچکس جز تو عادل نیست پروردگارا.

ای عیسی شیرین‌ترین ، نجاتمان ده.

ای عیسی من، ای دوستدار نوع بشر، به بنده‌ی خود که با سوز دل تو را می‌خواند گوش فرا ده، و مرا ای عیسی، از محکومیت و عذاب رها کن، ای تنها بردبار عیسی شیرین‌ترین، که رحمت بی‌کران است.

ای عیسی شیرین‌ترین ، نجاتمان ده.

بنده‌ات را بپذیر، ای عیسی من، که با اشک به خاک می‌افتد، ای عیسی من، و من توبه‌کار نجات ده، ای عیسی من، و از جهنم رهایی بخش، ای استاد، عیسی شیرین‌ترین ، که رحمت بی‌کران است.

ای عیسی شیرین‌ترین ، نجاتمان ده.

ای عیسی من، زمانی را که به من دادی، در شهوت هدر دادم، ای عیسی من. مرا طرد مکن، تمنا می‌کنم ای عیسی من، بلکه مرا بخوان، تمنا می‌کنم ای استاد، نجاتم ده، عیسی شیرین‌ترین.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتگین: ای باکره‌ای که عیسی مرا به دنیا آوردی، به او تمنا کن تا مرا از جهنم برهاند. ای که تنها تو، پناه ستمدیدگان هستی، ای پر از فیض الهی، حیات بی‌پایان به من عطا کن، ای تماماً بی‌گناه.

پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای عیسیِ ناجی‌ام، تو آن پسرِ ولخرج را نجات دادی. ای عیسیِ ناجی‌ام، تو آن زنِ بدکاره را پذیرفتی. اکنون بر من رحم فرما، ای عیسیِ پر از رحمت، بر من رحم فرما و نجاتم ده، ای عیسیِ ولی نعمتِ من، چنان‌که بر مَنّسی رحم کردی، ای عیسیِ من، تنها دوستدار نوع بشر.

بند چهارم

ایرموس: از باکره آمدی، نه به عنوان یک سفیر، نه به عنوان یک فرشته، بلکه خودِ پروردگار که جسم گرفته و منِ انسان کامل را نجات دادی. از این رو، به سوی تو فریاد می‌زنم: جلال بر قدرتِ تو، پروردگارا.

ای عیسیِ شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسیِ من، زخم‌های روح را التیام بخش، ای عیسیِ من، تمنا می‌کنم، ای عیسیِ مهربانم، مرا از دستِ بلیعالِ تباه‌کننده‌ی روح برهان، و نجاتم ده.

ای عیسیِ شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

گناه کردم، ای عیسیِ شیرین‌ترینم، ای مهربان، ای عیسیِ من، مرا که به حمایتِ تو پناه می‌برم ای عیسیِ بردبار، نجات ده و پادشاهی‌ات را به من عطا کن.

ای عیسیِ شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

هیچ کس به اندازه‌ی من بیچاره، گناه نکرده است، ای عیسی من؛ اما اکنون به خاک افتاده و تمنا می‌کنم: نجاتم ده، ای عیسی من، و به من زندگی عطا کن، ای عیسی من.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای ستایش‌شده‌ی همگان، که پروردگار عیسی را به دنیا آوردی، به او تمنا کن تا همه‌ی آنانکه تو را سرود می‌گویند و تو را به راستی تئوتکس می‌نامند، از عذاب برهاند.

بند پنجم

ایرموس: ای که برای آنان که در تاریکی آرمیده‌اند، نور و برای ناامیدان، نجات هستی، ای مسیح ناجی‌ام، من سحرگاهان برمی‌خیزم تا به درگاهت دعا کنم، ای پادشاه آرامش. مرا با تابش خود روشن گردان، چراکه جز تو، خدای دیگری نمی‌شناسم.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

تو نور ذهن منی، ای عیسی من، تو نجات روح ناامید منی، ای ناجی من. ای عیسی من، مرا از عذاب و جهنم برهان، در حالی که فریاد می‌زنم: من بیچاره را نجات ده، ای مسیح عیسی من.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

در حالی که در هوس‌های شرم‌آور غرق شده‌ام، ای عیسی من، اکنون فریاد می‌زنم: دست یاری به سویم دراز کن، ای عیسی من، و بیرون بکش مرا که فریاد می‌زنم: من بیچاره را نجات ده، ای مسیح عیسی من.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

من که ذهنی آلوده را با خود حمل می‌کنم، به سوی تو می‌خوانم، مرا از کثیفی گناه پاک کن ای عیسی: و تمنا می‌کنم مرا که از نادانی به ژرفنای شرارت سقوط کرده‌ام، رها ساز و نجات ده، ای ناجی عیسی من.

ای تئوتکسی مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای مادرِ باکره‌ی خداوند، که عیسی را به دنیا آوردی، به او تمنا کن تا همه‌ی راهبان و مسیحیان ارتودکس را نجات دهد، و از جهنم برهاند آنان را که فریاد می‌زنند: جز تو پناهی مطمئن نمی‌شناسیم.

بند ششم

ایرموس: من که در ورطه‌ی گناه می‌چرخیدم، به ورطه‌ی غیرقابلِ درکِ رحمت متوسل شدم: خدایا، مرا از زوال رهایی بخش.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسی مسیح، سرشار از رحمت، مرا که گناهانم را اعتراف می‌کنم بپذیر، ای استاد، و نجاتم ده، ای عیسی،

و مرا از هلاکتِ رهایی بخش، ای عیسی.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسی من، هیچ‌کس دیگری به اندازه‌ی من بیچاره،
ولخرج نبوده، ای عیسی، دوستدار نوع بشر، خودت مرا
نجات ده، ای عیسی.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسی من، با هوس‌هایم از آن زن بدکاره و ولخرج،
منسی و آن خراجگیر، ای عیسی من، و از دزد و اهای
نینوا پیشی گرفته‌ام، ای عیسی.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای تو که عیسی مسیح را به دنیا آورده‌ای،
ای تنها باکره‌ی منزّه و پاکدامن، اکنون من ناپاک را، با
زوفای شفاعت‌هایت پاک کن.

بند هفتم

ایرموس: هنگامی که تمثال طلایی در دشت دورا
پرستش می‌شد، سه فرزند تو، فرمان کفرآمیز را نادیده
گرفتند. و چون به میان آتش افکنده شدند، با شب‌نم،
تر شدند و خواندند: متبارک هستی تو، ای خداوندِ
پدران ما.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای مسیح عیسی، هیچ‌کس بر روی زمین هرگز به

اندازه‌یی که من بیچاره و ولخرج گناه کرده‌ام، گناه نکرد، ای عیسی من. از این رو، به تو فریاد می‌زنم، ای عیسی من، شفقت نشان ده بر منی که می‌سرایم: متبارک هستی تو، ای خداوندِ پدران ما.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای مسیح عیسی، فریاد می‌زنم: مرا با ترس از خود می‌خکوب کن، ای عیسی من، و مرا به لنگرگاه آرام خودت رهنمون شو، ای عیسی رحیم من، تا چون نجات‌یافته‌ای برای تو بسرایم: متبارک هستی تو، ای خداوندِ پدران ما. ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای مسیح عیسی، من پر از هوی و هوس، ده هزار بار به تو وعده‌ی توبه داده‌ام، ای عیسی من، اما من بیچاره، تو را فریب دادم. از این رو، به درگاهت فریاد می‌زنم، ای عیسی من: روحم را که بی‌حس مانده، روشن کن؛ ای مسیح، متبارک هستی تو، ای خداوندِ پدران ما.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای تو که عیسی را به شکلی شگفت‌انگیز و فراتر از طبیعت به دنیا آوردی، ای منزّه، ای باکره، به او تمنا کن تا همه‌ی گناهای را که بر ضد طبیعت خود مرتکب شده‌ام، ببخشد، تا چون نجات‌یافته‌ای فریاد زنم: متبارک هستی تو، که خدا را در جسم به دنیا آوردی.

بند هشتم

ایرموس: ای مخلوقات، پروردگار خداوند را ستایش کنید، آن که با کودکان عبری به کوره‌ی آتش فرود آمد و شعله را به شب‌نم تبدیل کرد، و او را تا ابد به غایت، جلال دهید.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.
ای عیسی من، به تو تمنا می‌کنم: همان‌گونه که زن بدکاره را از گناهان بسیار رها ساختی، ای عیسی من، مرا نیز رهایی بخش، ای مسیح عیسی من، و روح ناپاکم را پاک کن، ای عیسی من.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.
ای عیسی، با تسلیم شدن به لذت‌های بیخردانه، خود نیز بیخرد شده‌ام، ای عیسی من، و من بیچاره برآستی چون حیوانات گشته‌ام، ای ناجی‌ام. از این رو، ای عیسی، مرا از بیخردی رهایی بخش.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.
ای عیسی، به دست دزدان تباه‌کننده‌ی روح افتاده‌ام، جامه‌ی الهی‌باftم را اکنون از تنم درآورده‌اند، ای عیسی من، و من، کبود از زخمها، دراز کشیده‌ام. ای مسیح من، بر من، روغن و شراب بریز.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای مریم تئوتکس، که مسیح، عیسی و خدای من را، به گونه‌ای غیرقابل بیان حمل کردی، همواره به او تمنا کن تا خدمتگزاران و آنان که تو را ستایش می‌کنند را از خطرات نجات دهد، ای باکره‌ای که پیوند زناشویی نداشتی.

بند نهم

ایرموس: ما مؤمنان، خداوند کلام را با سرودها می‌ستاییم؛ او را که از خدا صادر گشته، و با حکمتی وصف‌ناپذیر آمد تا آدم را، پس از سقوط غم‌انگیزش به زوال، به سبب آن خوردن، نو گرداند، و به خاطر ما، به گونه‌ای غیرقابل بیان، از باکره‌ی مقدس جسم گرفت. ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسی من، با تمام کارهای ننگین و ناشایستم، ای عیسی، از منسی و خراجگیر، زن بدکاره و آن ولخرج، ای عیسی رحیم، و نیز از دزد، ای عیسی من، پیشی گرفته‌ام، اما تو پیشدستی کن، ای عیسی من، و نجاتم ده.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده. ای عیسی من، من بیچاره، با هوس‌هایم از همه‌ی کسانی که از زمان آدم، هم پیش از شریعت و هم در شریعت و نیز پس از شریعت و فیض، ای عیسی، گناه کرده‌اند، پیشی گرفته‌ام ای عیسی من؛ ولی در پرتو

قضاوت‌هایت نجاتم ده، ای عیسی من.

ای عیسی شیرین‌ترین، نجاتمان ده.

ای عیسی من، باشد که از جلال غیرقابل‌بیانت جدا نشوم، و نیز سمت چپ، سهم من نشود، ای عیسی شیرین‌ترین؛ بلکه مرا در دست راست با گوسفندانت بنشان و به من آرامش بخش، ای مسیح عیسی من، چرا که تو رحیم هستی.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

تئوتکین: ای تئوتکس، که عیسی را حمل کردی، ای تنها مریم باکره‌ی بی ازدواج، که پیوند زناشویی ندانستی، ای پاکدامن، به او، پسرت و آفریدگار، تمنا کن تا آنان را که به سوی تو می‌شتابند، از وسوسه و خطرات، و آتشی که در پیش است، رهایی بخشد.

دعا به پروردگار ما عیسی مسیح

پروردگارا و استاد، عیسی مسیح خداوند من، که به خاطر عشق و صفناپذیرت به نوع بشر، در پایان اعصار از مریم همیشه باکره جسم گرفتی، تدبیر نجات‌بخش و توجهت به من بندهات را، ستایش می‌کنم ای استاد. تو را سپاس می‌گویم، زیرا از طریق تو پدر را شناختم؛ تو را که به واسطهات، روح مقدس به جهان آمد، متبارک می‌خوانم؛ به مادر پاکت که

خادمِ راز خوفناکِ تجسّدِ تو شد، تعظیم می‌کنم؛ گروه
فرشتگانِ همسُرا را، که خدمتکاران و سرایندگانِ جلال
تو هستند، ستایش می‌کنم؛ قدیس یوحنا ی پیشرو
را، که تو را تعمید داد، ای پروردگار، متبارک می‌خوانم؛
همچنین به پیامبرانی که تو را بشارت دادند، احترام
می‌گذارم، رسولان مقدس تو را جلال می‌دهم؛ شهیدان
را گرامی می‌دارم، کشیشان تو را جلال می‌دهم؛ قدیسان
تو را احترام می‌گذارم و همه پارسایان تو را ستایش
می‌کنم. این گروه بی‌شمار و وصف‌ناپذیرِ الهی را
من، بنده‌ات، در دعا، ای خداوند همواره مهربان، به
تو تقدیم می‌کنم تا، بخشایش گناهانم را درخواست
کنم؛ بخواششی که تو به شفاعت همه قدیسینت و
به ویژه به خاطر مهربانی مقدس خودت به من عطا
می‌کنی، زیرا تو تا ابد متبارک هستی. آمین.





کائنات التماسی به تئوتکس مقدس ترین

لحن چهارم

تروپاریون: بیایید ما گناهکاران و بیچاره‌گان، اکنون با اشتیاق تمام به سوی تئوتکس بشتابیم و به خاک بیفتیم و با توبه از اعماق روحمان ندا دهیم: ای بانو، به یاری‌مان بشتاب و بر ما رحم فرما؛ شتاب کن که ما در انبوهی از تقصیرها، گم گشته‌ایم. خدمت‌گزاران خود را با دستان خالی بازنگردان، چرا که تنها امید ما تویی. (دو مرتبه)
جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای تثوتکس، ما هرچند ناشایست هستیم، هرگز از سخن گفتن درباره‌ی قدرت‌های تو باز نخواهیم ایستاد. زیرا اگر تو برای شفاعت، در دعا بر نمی‌خاستی، چه کسی ما را از این همه خطرات رهایی می‌بخشید؟ چه کسی ما را تا به امروز آزاد نگاه می‌داشت؟ ای بانو، هرگز تو را رها نخواهیم کرد، زیرا تو همواره خدمت‌گزاران خود را از تمامی بلایا نجات می‌دهی.

کانن لحن هشتم:

بند اول

ایرموس: با گذر از آب همچون خشکی، و با رهایی از شرِ مصریان، بنی‌اسرائیلیان، با صدای بلند فریاد برآوردند: بیایید اکنون برای خداوند و ناجی خود سرود بخوانیم. **رفرین:** ای تثوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

من که از وسوسه‌های بسیار، به تنگ آمده‌ام، به سوی تو پناه می‌آورم و خواهانِ نجات هستم. ای مادرِ کلام و ای باکره، مرا از آزمون‌های سخت و رنج‌ها رهایی بخش. ای تثوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

طغیانِ شهوت مرا پریشان می‌سازد و روحم را از ناامیدی بزرگ لبریز می‌کند. ای دوشیزه، به واسطه‌ی صلحِ پسرِ تو و خدا، آن را آرام گردان، ای تماماً بی‌عیب.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.
ای باکره، از تو که ناجی و خداوند را به دنیا آوردی، تمنا
می‌کنم که مرا از بلایا رهایی بخشی. زیرا اکنون که
برای پناه گرفتن به سوی تو می‌شتابم، هم روح و هم
خرد خویش را، به سوی تو برمی‌افرازم.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

در جسم و روح بیمار هستم، مرا شایسته‌ی دیدار الهی
و مراقبت خویش گردان، ای کسی که تنها تو، مادر
خداوند هستی؛ زیرا تو نیکو و مادر آن نیکویی.

بند سوم

ایرموس: پروردگارا، تو سازنده‌ی طاق آسمان‌ها و
بناکننده‌ی کلیسا هستی؛ عشق خود را در من استوار
گردان، ای غایت آرزو، ای تکیه‌گاه مومنان، ای تنها
دوستدار نوع بشر.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
ای باکره و مادر خداوند، تو را برگزیدم تا محافظ و
شفاعت زندگی‌ام باشی. ای سرچشمه‌ی برکات و ای
پشتیبان مومنان، مرا به سوی بندرگاه خویش هدایت
کن، ای تنها ستوده شده.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
ای باکره، به تو تمنا می‌کنم که آشوب روحم و توفان

اندوهم را بزدایی؛ زیرا تو ای عروسِ خداوند، مسیح، شاهزاده‌ی صلح را به دنیا آورده‌ای، ای تنها بی‌آلایش. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

از آنجا که تو، او را که نیکوکار و منشا نیکی است، به دنیا آوردی، از گنجینه‌ی مهر عاشقانه‌ی خویش بر همگان فروبار؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی، چون مسیح را برگرفتی، همان که در قدرت مقتدر است؛ زیرا تو از سوی خداوند متبارک هستی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

من با بیماری‌های سهمگین و شهوت‌های بیمارگونه، شکنجه می‌شوم: ای باکره، یاری‌ام کن؛ زیرا می‌دانم که تو گنجینه‌ی بی‌پایان شفا‌ی تزلزل‌ناپذیر هستی، ای تمام‌بی‌عیب.

پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

سرود نشسته، لحن دوم: ای مدافع پرشور، ای دژ شکست‌ناپذیر، ای چشمه‌ی رحمت و پناهگاه جهان، مشتاقانه به سوی تو فریاد می‌زنیم: ای بانو تئوتکس، شتاب کن و ما را از تمامی خطرات نجات ده؛ زیرا تو، تنها حامی فوری ما هستی.

بند چهارم

ایرموس: پروردگارا، من دربارهی راز تدبیر الهی تو، شنیدم و به کارهای تو پی بردم و خداوندی تو را جلال می‌دهم.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
تلاطم شهوت‌هایم و توفان گناهانم را آرام گردان، ای کسی که پروردگار و هدایت‌گر را به دنیا آوردی، ای عروس خدا.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
از عمق شفقت خود، بر من که به تو تمنا می‌کنم، عطا فرما؛ زیرا تو مهربان و ناجی تمامی کسانی را که برایت سرود می‌خوانند، به دنیا آوردی.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده.
ای بی‌آلایش، در حالی که از عطایای تو بهره‌مند می‌شویم، سرود سپاسگزاری برایت می‌سراییم، چرا که می‌دانیم تو مادر خداوند هستی.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.
در حالی که بر بستر درد و ناتوانی‌ام افتاده‌ام، یاری‌ام کن، ای تئوتکس که دوستدار نیکی هستی و تنها تو، همیشه باکره‌ای.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

با داشتن تو به عنوان تکیه‌گاه و امیدمان، و به عنوان دژ استوارِ نجاتمان، از هرگونه ناملایماتِ رهایی می‌یابیم، ای ستوده شده.

بند پنجم

ایرموس: پروردگارا، ما را با فرمان‌های خود روشن گردان و با بازوانِ بلندِ خویش، صلح خود را بر ما عطا فرما، ای دوستدار نوع بشر.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

ای پاک، با بخشیدن شادیِ زوال‌ناپذیرت به من، قلبم را از شادمانیِ لبریز کن، ای کسی که علتِ شادمانی را به دنیا آوردی.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده.

ما را از خطرهایِ رهایی بخش، ای تئوتکسِ پاک، تو که نجاتِ ابدی و آن صلحی را که از هر درکی فراتر است، به دنیا آوردی.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

ای عروسِ خدا، تاریکیِ گناهانم را با پرتوِ درخششِ خویش بزدای، زیرا تو نورِ الهی و ازلی را به دنیا آوردی. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

آن هنگام که مرا شایسته‌ی دیدارِ خویش گرداندی، ای پاک، ناتوانیِ روحم را شفا بخش، و با شفاعت‌هایت

به من تندرستی عطا کن.

بند ششم

ایرموس: دعای خویش را به درگاه پروردگار فرو می‌بارم و اندوهم را برای او بازگو می‌کنم؛ زیرا روحم از بدی‌ها لبریز گشته و زندگی‌ام به هادس نزدیک شده است، و همچون یونس دعا خواهم کرد: خداوندا، مرا از زوال برخیزان.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. او طبعیتِ مرا که در چنگال زوال و مرگ بود، از میان مرگ و زوال نجات داد؛ زیرا خود را به مرگ سپرد. از این رو، ای باکره، نزد او که پروردگار و پسر توست شفاعت کن تا مرا از شرِ دشمنان برهاند.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، تو را به عنوان محافظِ زندگی‌ام و استوارترین دژ می‌شناسم؛ هجومِ وسوسه‌ها را پراکنده ساز و آزارِ اهریمنی را دور کن؛ بی‌وقفه به درگاهت دعا می‌کنم: مرا از زوال شهوت‌ها رهایی بخش.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس. ای دوشیزه، ما تو را به عنوان دیوارِ پناه، مایه‌ی نجاتِ کاملِ روح‌هایمان و تسکین رنج‌ها یافته‌ایم و همواره در نورِ تو، شادی می‌کنیم. ای بانوی فرمانروا، اکنون نیز

ما را از شهوت‌ها و خطرهای نجات ده.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

اکنون در بستر بیماری افتاده‌ام و هیچ شفایی برای جسمم نیست؛ اما به درگاه تو ای نیکو، که خداوند و ناجی جهان و شفادهنده ناتوانی‌ها را به دنیا آوردی، دعا می‌کنم: مرا از زوال بیماری برخیزان.

کنتاکیون، لحن ششم: ای حامی مسیحیان که هرگز شرمند نمی‌شوی، ای که شفاعت در پیشگاه آفریدگار هرگز رد نمی‌شود، صدای ملتمسانی‌های ما گناهکاران را، نشنیده مگیر. بلکه ای نیکوکار، بی‌درنگ، به ما که بایمان به‌سوی تو فریاد می‌زنیم، کمک کن. بشتاب برای شفاعت و رساندن تمنای ما. ای تئوتکس، ای که همیشه از آنانی که تو را گرامی می‌دارند محافظت می‌کنی.

استیکرون، همان لحن: ای بانوی مقدس‌ترین، مرا به حمایت انسانی مسپار، بلکه تمنای خدمت‌گزارت را بپذیر؛ زیرا اندوه مرا به بند کشیده است و نمی‌توانم تیرهای اهریمن را تاب بیاورم؛ من بیچاره، نه پناهگاهی دارم و نه جایی برای گریختن؛ همواره در گریزم و هیچ تسلائی جز تو ندارم، ای بانوی فرمانروای آفرینش، امید و حامی مومنان؛ از تمنای من روی مگردان و آنچه را که برایم سودمند است به انجام رسان.

بند هفتم

ایرموس: فرزندانِ اعصارِ کهن که از یهودیه به بابل رفته بودند، با ایمانِ خود به سه‌گانه‌ی مقدس، شعله‌های کوره را پایمال کردند و سرودند: ای خدای پدران ما، متبارک هستی تو.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای ناجی، تو که اراده کردی نجاتِ ما را به کمال برسانی، در رحمِ باکره، ساکن شدی و او را به عنوان شفاعت کننده، به جهان نشان دادی؛ ای خدایِ پدران ما، متبارک هستی تو.

ای تئوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای مادرِ پاک، به آن بخشنده‌ی رحمت، که به دنیا آوردی، تمنا کن تا از تقصیرها و آلودگی‌های روح برهاند کسانی را که با ایمان فریاد می‌زنند: ای خدای پدران ما، متبارک هستی تو.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس. او که تو را به دنیا آورد، گنجینه‌ی نجات و چشمه‌ی زوال‌ناپذیری است؛ تو نشان دادی که او برج امن و درب توبه است، برای آنان که بانگ می‌زنند: ای خدای پدران ما، متبارک هستی تو. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تثوتکس، ناتوانی جسم و بیماری روح کسانی که با عشق، به حمایت تو نزدیک می‌شوند را شفا ده، ای باکره، تو که برای ما مسیحِ ناجی را به دنیا آوردی.

بند هشتم

ایرموس: پادشاه بهشت را که لشکریان فرشتگان برای او سرود می‌خوانند، را ستایش کنید و تا ابد به غایت جلال دهید.

ای تثوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، کسانی را که به یاری تو نیاز دارند و تو را ستایش می‌کنند و تا ابد جلال می‌دهند، خوار شمار.

ای تثوتکسِ مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، تو ناتوانیِ روحم و دردهای جسمم را شفا می‌دهی، تا تو را ای پاک، تا به ابد جلال دهم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس. ای باکره، تو ثروتی از شفا را به کسانی که با ایمان برایت سرود می‌خوانند و فرزندِ وصف‌ناپذیرت را جلال می‌دهند، عطا می‌کنی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین. ای باکره، تو هجوم و سوسه‌ها و حملاتِ شهوت‌ها را دور می‌کنی؛ از این رو ما تو را تا ابد می‌ستاییم.

بند نهم

ایرموس: ما که به واسطه‌ی تو نجات یافته‌ایم، به راستی اعتراف می‌کنیم که تو تئوتکس هستی، ای باکره‌ی پاک؛ تو را همراه با لشکریان بی‌جسم تعظیم می‌کنیم.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، از سیلابِ اشک‌هایم روی مگردان، تو که مسیح را به دنیا آوردی، همان که هر اشکی را از هر چهره‌ای پاک می‌کند.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، قلبم را از شادی لبریز کن، تو که کمالِ شادی را دریافت کردی و اندوهِ گناه را فراری دادی.

ای تئوتکس مقدس‌ترین، نجاتمان ده. ای باکره، برای کسانی که به سوی تو می‌گریزند، بندرگاه و محافظ، دیواری استوار، پناهگاه و سرپناه، و شادمانی باش.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس. ای باکره، کسانی را که پارسایانه اعتراف می‌کنند که تو تئوتکس هستی، با پرتوهای نورت روشن گردان و تمامی تاریکیِ جهل را بزدای. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

تئوتکیون: در جایگاه رنج و ناتوانی فروافتاده‌ام؛ ای باکره،
مرا شفا بخش و بیماری‌ام را به تندرستی بدل کن.

دعا به تئوتکس مقدس‌ترین:

ای ملکه و بانوی متبارک‌ترین من، ای تئوتکس امید من،
حامي یتیمان، شفیع غریبان، شادی غمگینان، محافظ
ستمیدگان: تو بدبختی مرا می‌بینی، تو رنج مرا می‌بینی؛
یاری‌ام کن زیرا ناتوانم؛ مرا قوت بخش زیرا غریبم.
تو لغزش مرا می‌دانی: آن را چنان که خواهی ببخش،
زیرا من هیچ یاری‌دهنده‌ی دیگری جز تو ندارم، هیچ
شفاعت‌کننده‌ی دیگر و هیچ تسلی‌دهنده‌ی نیکی جز تو
ندارم، ای مادر خداوند. مرا تا ابد محافظت و پاسداری
فرما. آمین.





کانبه فرشتهي نگهبان

لحن ششم

تروپاریون:

ای فرشتهي خداوند، ای نگهبانِ مقدس من، زندگی‌ام را در ترسِ مسیح خداوند حفظ کن؛ خردم را در راهِ راست استوار گردان و روحم را با عشقِ آسمانی مجروح ساز، تا با حمایتِ تو، رحمتی بزرگ از مسیح خداوند به دست آورم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

تئوتکیون: ای بانوی مقدس، مادرِ مسیح خدای ما، تو به گونه‌ای وصف‌ناپذیر آفریدگارِ همگان را بر گرفتی؛ همراه با فرشتهي نگهبانِ من، همواره به نیکی او تمنا کن تا روحم را که در چنگالِ شهوت‌هاست، نجات دهد و آمرزشِ گناهان را بر من عطا فرماید.

کانن، لحن هشتم:

بند اول

ایرموس: بیایید برای پروردگار سرود بخوانیم، او که قوم خود را از دریای سرخ عبور داد، زیرا تنها او به شکوه، جلال یافته است.

رفرین: پروردگارا عیسی مسیح خدای من، بر من رحم فرما.

به عیسی: ای ناجی، مرا که خدمت‌گزار تو هستم شایسته گردان تا به گونه‌ای درخور، سرودی بسرایم و آن فرشته‌ی بی‌جسم، راهنما و نگهبانم را ستایش کنم. ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

تنها، در نادانی و تنبلی افتاده‌ام، ای راهنما و نگهبان من، مرا که در حال نابودی‌ام ترک مکن. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

به تو تمنا می‌کنم، با دعای خویش خردم را به سوی انجام فرمان‌های خداوند هدایت کن، تا از خداوند آمرزش گناهان را دریافت کنم، و به من بیاموز تا از تمامی شرارت‌ها بیزار باشم.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای باکره، همراه با فرشته‌ی نگهبان من، برای من که

خدمت‌گزارت هستم به درگاه آن بخشنده دعا کن و
به من بیاموز تا فرمان‌های پسرِ تو و آفریدگارم را به
کمال برسانم.

بند سوم

ایرموس: تو تکیه‌گاهِ کسانی هستی که به سوی تو
می‌گریزند، پروردگارا؛ تو نورِ کسانی هستی که در
تاریکی‌اند، و روحِ من برای تو سرود می‌خواند.
ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

تمامی افکار و روحم را به تو سپرده‌ام، ای نگهبانِ من؛
مرا از تمامی حملاتِ دشمن رهایی بخش.
ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

دشمن مرا پریشان می‌سازد و زیر پا لگد می‌کند، و
همواره مرا ترغیب می‌کند که اراده‌ی او را انجام دهم؛
اما تو ای راهنمایِ من، مرا که در حال نابودی‌ام ترک
مکن.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

به من عطا کن تا با سپاسگزاری و اشتیاق، سرودی برای
آفریدگار و خدای خویش، و برای تو ای فرشته‌ی نگهبانِ
نیکویِ من بسرایم؛ ای ناجیِ من، مرا از دشمنانی که

به من بدی می‌کنند نجات ده.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.
ای بی‌آلایش، زخم‌های بسیار دردناکِ روحم را شفا
بخش و دشمنانی را که همواره با من می‌جنگند دور کن.
پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

سرود نشسته، لحن دوم:

از اعماقِ عشقِ روحِ خویش، به درگاهت فریاد برمی‌آورم،
ای نگهبانِ روحم، ای فرشته‌ی تماما مقدسِ من! همواره
مرا از دام آن شریر محافظت و پاسداری کن، و مرا به
سوی زندگیِ آسمانی هدایت فرما، و به من آموزش ده
و روشنم گردان و استوارم ساز.
جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

تئوتکیون: ای تئوتکسِ بی‌ازدواج، ای پاک‌ترین که بدون
نطفه، استادِ همگان را به دنیا آوردی، همراه با فرشته‌ی
نگهبانِ من به او تمنا کن تا مرا از تمامی سرگشتگی‌ها
رهایی بخشد، و به روحم پشیمانی و نور، و پاکی از
گناهان عطا فرماید، زیرا تنها تو در یاری رساندن شتابانی.

بند چهارم

ایرموس: پروردگارا، من درباره‌ی رازِ تدبیر الهی تو شنیدم

و به کارهای تو پی بردم و خداوندی تو را جلال می‌دهم.
ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبانِ من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

به درگاه خداوند، آن دوستدار نوع بشر دعا کن و مرا
ترک مکن، ای نگهبانِ من، بلکه همواره زندگی‌ام را در
صلح نگاه دار و نجاتِ شکست‌ناپذیر را به من عطا فرما.
ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبانِ من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

ای فرشته، من تو را از سوی خداوند به عنوان مدافع و
نگهبانِ زندگی‌ام دریافت کردم. ای مقدس، به تو تمنا
می‌کنم مرا از تمامی خطرهای آزاد کن.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.
ای نگهبانِ من، آلودگی مرا با قداستِ خویش پاک
کن، و باشد که با دعاهای تو از سمتِ چپ دور شوم
و در جلال شریک گردم.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای پاک‌ترین، سردرگمی از شرّی که مرا دربر گرفته، بر
من هجوم می‌آورد، اما فوراً مرا از آن رهایی بخش، زیرا
تنها به سوی تو می‌گریزم.

بند پنجم

ایرموس: در سپیده‌دم بیدار شده، به درگاه تو فریاد

می‌زنیم: پروردگارا، نجاتمان ده؛ زیرا تو خدای مایی و
جز تو دیگری را نمی‌شناسیم.
ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

ای نگهبان مقدس من، به عنوان کسی که در پیشگاه
خداوند جسارت داری، به او تمنا کن تا مرا از بدی‌هایی
که رنجم می‌دهند، رهایی بخشد.

ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

ای نور تابان، روحم را با درخشش روشن گردان، ای
راهنما و نگهبان من که از سوی خداوند به من داده
شده‌ای، ای فرشته.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.
ای فرشته‌ی خداوند، مرا که از بار سنگین گناه به خواب
رفته‌ام، هشیار نگاه دار، و با تمنای خویش مرا برخیزان
تا او را جلال دهم.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.
ای مریم، بانوی تثوتکس بی‌ازدواج، ای امید مومنان،
طغیان دشمن را فرو نشان و آنان را که برایت سرود
می‌خوانند شادمان گردان.

بند ششم

ایرموس: ای مسیح خدای ما که سرشار از رحم هستی، به من جامه‌ای از نور عطا کن، تو که خود را با نور همچون جامه‌ای می‌پوشانی.

ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

ای فرشته‌ی مقدس که از سوی خداوند به عنوان نگهبان نیکو من داده شده‌ای، به تو تمنا می‌کنم مرا از هر وسوسه‌ای آزاد کنی و از اندوه نجاتم دهی.

ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

ای نیکو، خردم را روشن گردان و مرا روشن ساز، ای فرشته‌ی مقدس، به تو تمنا می‌کنم و به من بیاموز که همواره سودمندانه بیندیشم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

ای نگهبان من، آشفتگی کنونی را از قلبم بزدای و مرا تقویت کن تا در نیکی هشیار باشم، و مرا به گونه‌ای معجزه‌آسا به سوی آرامش زندگی هدایت کن.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تئوتکس، کلام خداوند در تو ساکن شد و تو را همچون نردبان آسمانی به انسان‌ها نشان داد؛ زیرا

به واسطه‌ی تو بود که آن متعال به سوی ما فرود آمد.

کونتاکیون، لحن چهارم:

ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، بر من شفقت فرما و منِ آلوده را ترک مکن، بلکه با نورِ دست‌نیافتنی روشن گردان و شایسته‌ی پادشاهی بهشت گردان.

ایکوس: ای شفیعِ مقدس و ای سرودخوانِ هم‌نوا با لشکریانِ بی‌جسمِ خداوند، روحم را که از وسوسه‌های بسیار خوار گشته، شایسته‌ی جلالِ وصف‌ناپذیر گردان. بر من رحم فرما و مرا حفظ کن، و روحم را با افکارِ نیک، روشن ساز تا با جلالِ تو غنی شوم، ای فرشته‌ی من؛ و دشمنانی را که برایم بدی می‌خواهند فرو نشان و مرا شایسته‌ی پادشاهی بهشت گردان.

بند هفتم

ایرموس: فرزندانِ اعصارِ کهن که از یهودیه به بابل رفته بودند، با ایمانِ خود به سه‌گانه‌ی مقدس، شعله‌های کوره را پایمال کردند و سرودند: ای خدای پدران ما، متبارک هستی تو.

ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

بر من رحم فرما و به خداوند تمنا کن، ای فرشته‌ی

پروردگار؛ زیرا من تو را به عنوان مدافعی برای تمامی
زندگی‌ام دارم، راهنما و نگهبانی که تا ابد از سوی خداوند
به من عطا شده‌ای.

ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

ای فرشته‌ی مقدس، روحِ بیچاره‌ی مرا که از سوی
خداوند بی‌آلایش به تو سپرده شده، رها مکن تا در
میان راه به دستِ راهزنان کشته شود، بلکه آن را به
راهِ توبه هدایت کن.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

تمامی روحم به واسطه‌ی افکار و اعمالِ شرارت‌باری که
بر خود روا داشته‌ام خوار شده است، اما ای راهنمای
من شتاب کن و با افکارِ نیک به من شفا، عطا فرما،
تا همواره به راهِ راست متمایل باشم.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای حکمتِ مجسمِ آن متعال، به خاطرِ تئوتکس، از
حکمت و قدرتِ الهی لبریز گردان تمامی کسانی را که
با ایمان فریاد می‌زنند: ای خدایِ پدرانِ ما، متبارک
هستی تو.

بند هشتم

ایرموس: پادشاه بهشت را که لشکریانِ فرشتگان برای

او سرود می‌خوانند، ستایش کنید و تا ابد به غایت جلال دهید.

ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

ای فرشته‌ی نیکو که از سوی خداوند فرستاده شده‌ای، مرا که خدمت‌گزارت هستم در زندگی‌ام حمایت کن و تا ابد ترک مکن.

ای فرشته‌ی مقدسِ پروردگار، نگهبانِ من، برای من به درگاه خداوند دعا کن.

ای متبارک‌ترین، برای تو سرود می‌خوانم، ای فرشته‌ی نیکو، راهنما و نگهبانِ روحم تا ابد. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.

در روز قضاوت تمامی انسان‌ها، آنگاه که تمامی اعمال، چه نیک و چه بد، با آتش آزموده می‌شوند، برای من محافظ و دژ باش.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تئوتکس همیشه باکره، برای من خدمت‌گزارت، یاور و آرامش باش، و مرا از حمایت خویش بی‌بهره مگذار.

بند نهم

ایرموس: ما که به واسطه‌ی تو نجات یافته‌ایم، به راستی اعتراف می‌کنیم که تو تئوتکس هستی، ای باکره‌ی پاک؛

به تو همراه با لشکریان بی‌جسم، تعظیم می‌کنیم.
رفرین: پروردگارا عیسی مسیح خدای من، بر من رحم
فرما.

بر من رحم فرما، ای تنها ناجی من، زیرا تو رحیم و
مهربانی، و مرا در زمره‌ی پارسایان قرار ده.
ای فرشته‌ی مقدس پروردگار، نگهبان من، برای من به
درگاه خداوند دعا کن.

ای فرشته‌ی پروردگار، به من عطا کن تا همواره به
آنچه که سودمند است بیندیشم و آن را انجام دهم،
تا بی‌آلایش و در ناتوانی، نیرومند باشم.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس.
به عنوان کسی که در پیشگاه پادشاه آسمانی جسارت
داری، همراه با سایر بی‌جسمان، به او تمنا کن تا بر
من بیچاره رحم فرماید.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای باکره، تو که در پیشگاه آن کسی که از تو تجسد یافت
بسیار جسوری، مرا از بندها رهایی بخش و به واسطه‌ی
شفاعت‌هایت، بر من آمرزش و نجات عطا فرما.

دعا به فرشته‌ی نگهبان

ای فرشته‌ی مقدس، ای نگهبان و حامی نیکو من! با
قلبی شکسته و روحی دردمند در پیشگاهت ایستاده‌ام

و تمنا می‌کنم: به من، خدمت‌گزارِ گناه‌کارت (نام) گوش
فرا ده؛ با ناله‌ای بلند و گریه‌ای تلخ فریاد می‌زنم: گناه و
شرارتِ مرا به یاد می‌آور، که با آن‌ها من بیچاره هر روز
و هر ساعت تو را خشمگین ساخته‌ام و خویشتن را در
پیشگاهِ پروردگارِ آفریدگارمان ناپسند گردانیده‌ام؛ به من
مهر و عطوفت نشان ده و مرا که آلوده هستم، حتی تا
پایان ترک مکن. مرا از خوابِ گناه بیدار کن و به واسطه‌ی
شفاعت‌هایت توانم ده تا زمانِ باقی‌مانده‌ی زندگی‌ام را
بدون ناپاکی سپری کنم و میوه‌هایی شایسته‌ی توبه
به بار آورم؛ و بیش از هر چیز مرا از سقوط‌های مرگبار
در گناه حفظ کن، مبادا که در ناامیدی هلاک گردم و
دشمنم از نابودی‌ام شادمان شود.

من به راستی می‌دانم و با دهانم اعتراف می‌کنم که
هیچ دوست و شفیع، محافظ و مبارزِ دیگری همچون
تو نیست، ای فرشته‌ی مقدس؛ زیرا تو با ایستادن در
برابرِ تختِ پروردگار، برای من که بی‌ثمر و گناه‌کارترین
همگان هستم شفاعت می‌کنی، مبادا آن نیکوترین،
روحم را در روزِ ناامیدی و در روزِ بدکرداری بگیرد. بنابراین،
از طلبِ رحمت از پروردگار و خدایِ مهربان‌ترینم باز نایست،
تا او تقصیرهای مرا که در طول زندگی‌ام در عمل، سخن
و تمامی حواسم مرتکب شده‌ام ببخشد، و بر پایه‌ی

قضاوت‌هایی که خود می‌داند، مرا نجات دهد؛ تا مرا در اینجا مطابق با فیضِ وصف‌ناپذیرش تادیب کند، اما در آنجا مطابق با عدالتِ محضش در معرضِ محاکمه و آزمایش قرار ندهد؛ تا مرا شایسته گرداند که توبه کنم و با ندامت، به گونه‌ای درخور، شراکتِ مقدس را دریافت کنم؛ زیرا بیش از هر چیز برای این تمنا می‌کنم و با تمام قلبم چنین عطایی را خواستارم.

و در ساعتِ هولناکِ مرگ، از من دور مباش ای نگهبانِ نیکو، من، و اهریمنانِ تاریکی را که قدرتِ ترساندنِ روحِ لرزانم را دارند دور کن؛ مرا از دامِ آن‌ها محافظت فرما، تا با حمایتِ تو، آنگاه که از جایگاه‌های بازرسیِ آسمانی عبور خواهیم کرد، به بهشتِ مطلوب دست یابم، جایی که گروه‌های قدیسین و لشکریانِ آسمانی بی‌وقفه نامِ تماماً محترم و با عظمتِ خداوندِ جلال‌یافته در سه‌گانه‌ی مقدس را می‌ستایند: پدر و پسر و روح مقدس، که شایسته‌ی احترام و پرستش است، تا ابد. آمین.





آگاتیست به پروردگار ما، عیسی (مسیح) شیرین ترین

کنتاکیون اول: ای رهبرِ پیروز و پروردگار، ای فاتحِ هادس،
منِ مخلوق و بندهات، سرودِ ستایش به تو تقدیم
می‌کنم، زیرا مرا از مرگِ ابدی نجات دادی. از آنجا که
مهربانی تو بی‌پایان است، مرا از همه‌ی خطراتِ پیش‌رو،
رهایی بخش تا به تو فریاد برآورم:
عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما.

ایکوس اول: ای آفریننده‌ی فرشتگان و پروردگارِ لشکریان
آسمانی، همان‌گونه که در گذشته، گوش و زبانِ کر و
لال را گشودی، اکنون نیز ذهن و زبانِ حیرانِ مرا، برای

ستایش نام تماما مقدست، بگشای، تا به تو فریاد
برآورم:

عیسی، شگفت‌انگیزترین، مایه‌ی شگفتی فرشتگان!

عیسی، توانمندترین، رهایی‌بخش نیاکان!

عیسی، شیرین‌ترین، شادی‌پرداز قوم!

عیسی، پرشکوه‌ترین، دژ پادشاهان!

عیسی، محبوب‌ترین، تحقق‌کلام پیامبران!

عیسی، معجزه‌آساترین، نیروی شهیدان!

عیسی، آرام‌ترین، شادی‌راهبان!

عیسی، مهربان‌ترین، شیرینی‌کشیشان!

عیسی، رحیم‌ترین، پرهیز‌روزه‌داران!

عیسی، عاشقانه‌ترین، شادمانی‌قدیسان!

عیسی، ارجمندترین، پاکدامنی‌باکره‌گان!

عیسی، جاودانه، نجات‌گناهکاران!

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون دوم: هنگامی که بیوه‌ای را، در حال گریه‌ی

تلخ دیدی، پروردگارا، از روی شفقت به او رحم کردی

و پسرش را که به سوی تدفین برده می‌شد، از مرگ

زنده کردی. به همین‌سان، ای دوستدار نوع بشر، بر

من رحم فرما و روحم را که با گناهان مرده است، زنده

کن، در حالی که فریاد برمی‌آورم: هلولویا!

ایکوس دوم: فیلیپ، که در پی فهمیدنِ «نافهمیدنی» بود، پرسید: «پروردگارا، پدر را به ما نشان ده»، و تو به او پاسخ دادی: «این همه مدت با شما بوده‌ام و هنوز ندانسته‌اید که من، در پدر هستم و پدر، در من است؟» به همین‌سان، ای نافهمیدنی، با ترس به تو فریاد برمی‌آورم:

عیسی، خدای جاودان!

عیسی، پادشاهِ قادرِ مطلق!

عیسی، استادِ بردبار!

عیسی، ناجیِ بسیارِ رحیم!

عیسی، نگهبانِ مهربان!

عیسی، گناهانم را پاک کن!

عیسی، ناپاکی‌ام را بشوی!

عیسی، بی‌عدالتی‌ام را ببخش!

عیسی، امیدم، مرا ترک مکن!

عیسی، یاورم، مرا طرد مکن!

عیسی، آفریننده‌ام، مرا فراموش مکن!

عیسی، شبانم، مرا نابود مکن!

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون سوم: ای عیسی، تو رسولانِ خود را، که در اورشلیم مانده بودند، با نیروی آسمانی پושاندی، مرا

نیز که از همه‌ی کارهای نیک، عریان شده‌ام، با گرمای
روح مقدس خود بیوشان و به من عطا کن که با عشق،
به تو سرود بخوانم: هلولیا!

ایکوس سوم: براساسِ رحمتِ بی‌کرانت، ای عیسی،
خراجگیران، گناهکاران و بی‌ایمانان را فراخواندی. اکنون
مرا نیز، که مانند آنها هستم، خوار مشمار، بلکه این
سرود را چون مژّی گرانبها، بپذیر:

عیسی، قدرتِ شکست‌ناپذیر!

عیسی، رحمتِ بی‌کران!

عیسی، زیباییِ درخشان!

عیسی، عشقِ ناگفتنی!

عیسی، پسرِ خدای زنده!

عیسی، بر منِ گناهکار رحم فرما!

عیسی، مرا که در ناپاکی زاده شده‌ام، بشنو!

عیسی، مرا که با گناه متولد شده‌ام، پاک کن!

عیسی، مرا که نالایقم، تعلیم ده!

عیسی، تاریکی‌ام را روشن کن!

عیسی، مرا که ناپاکم، تطهیر کن!

عیسی، مرا که ولخرجم، هدایت کن!

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون چهارم: پطرس، که در طوفانِ درونی افکارِ

تردیدآمیز، در حال غرق شدن بود، چون جسم تو را، ای عیسی، بر روی آب‌ها در حال راه رفتن دید، اقرار کرد که تو، خدای حقیقی هستی؛ و چون دستِ نجات را گرفت، فریاد برآورد: هلولیا!

ایکوس چهارم: هنگامی که مردِ کور، شنید که تو، پروردگارا، از راه می‌گذری، فریاد زد: «عیسی، پسرِ داوود، بر من رحم فرما!» و تو او را فراخواندی و چشمانش را گشودی. به همین‌سان، چشمانِ روحانیِ قلبم را، با عشق خود روشن کن، در حالی که به تو فریاد می‌زنم و می‌گویم:

عیسی، آفریننده‌ی آسمانیان!

عیسی، رهایی‌بخشِ زمینیان!

عیسی، فاتحِ نیروهای هادس!

عیسی، زینت‌بخشِ هر مخلوق!

عیسی، تسلی‌بخشِ روحم!

عیسی، روشن‌کننده‌ی ذهنم!

عیسی، شادیِ قلبم!

عیسی، سلامتِ بدنم!

عیسی، ناجیِ من، مرا نجات ده!

عیسی، نورِ من، مرا روشن کن!

عیسی، مرا از همه‌ی عذاب‌ها رهایی ده!

عیسی، مرا با وجود نالایق بودنم، نجات ده!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون پنجم: همان‌گونه که در گذشته، ما را با
 خونِ الهیِ جاری‌ات، از نفرینِ شریعتِ رهایی دادی،
 ای عیسی، به همین‌سان ما را از دام‌هایی که مار، از
 طریقِ شهواتِ جسم، پیشنهادِ هوس‌انگیز و ناامیدیِ
 شیرانه، در آن گرفتارمان کرده، رهایی ده، در حالی که
 به تو فریاد می‌زنیم: هلولویا!
ایکوس پنجم: کودکانِ عبری که آفریننده را در شکل
 انسانی دیدند و دانستند که او استاد است، برای خشنود
 کردن او با شاخه‌ها شتافتند و فریاد زدند: «هوسانا!»
 اما ما به تو سرود تقدیم می‌کنیم و می‌گوییم:
 عیسی، خدای حقیقی!
 عیسی، پسرِ داوود!
 عیسی، پادشاهِ پرشکوه!
 عیسی، بره‌ی بی‌گناه!
 عیسی، شبانِ شگفت‌انگیز!
 عیسی، نگهبانِ کودک‌ام!
 عیسی، پرورنده‌ی جوانی‌ام!
 عیسی، مایه‌ی فخرِ پیری‌ام!
 عیسی، امیدم در مرگ!

عیسی، زندگی‌ام پس از مرگ!
 عیسی، تسلی‌ام در روزِ قضاوت!
 عیسی، آرزوی من، مرا شرمنده مکن!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون ششم: ای عیسی، در تحققِ سخنان و پیامِ
 پیامبرانِ خداپرست، بر زمین آمدی، و تو که بیکران
 هستی، با انسان‌ها ساکن شدی و ضعف‌های ما را بر
 خود گرفتی؛ با زخم‌های تو شفا یافتیم و آموختیم که
 بخوانیم: هلولیا!
ایکوس ششم: نورِ حقیقتِ تو، بر جهان تابید و فریبِ
 اهریمنی، دفع شد؛ زیرا بت‌ها، ای ناجی ما، که
 نتوانستند قدرت تو را تحمل کنند، فرو ریختند. اما ما
 که نجات یافته‌ایم، به تو فریاد برمی‌آوریم:
 عیسی، حقیقت، نابودکننده‌ی دروغ!
 عیسی، نور، فراتر از همه‌ی درخشش‌ها!
 عیسی، پادشاه، برتر از همه‌ی قدرتها!
 عیسی، خداوند، ثابت در رحمت!
 عیسی، نانِ حیات، مرا که گرسنه‌ام سیر کن!
 عیسی، سرچشمه‌ی دانش، مرا که تشنه‌ام سیراب کن!
 عیسی، جامه‌ی شادمانی، مرا که فانی‌ام بپوشان!
 عیسی، پناهگاهِ شادی، مرا که ناشایستم بپوشان!

عیسی، بخشنده به درخواست‌کنندگان، اندوه برای
گناهانم را به من عطا کن!

عیسی، یابنده‌ی جویندگان، روحم را بیاب!
عیسی، گشاینده‌ی در، برای کوبندگان، قلبِ بیچاره‌ام
را بگشای!

عیسی، رهایی‌بخشِ گناهکاران، خطاهایم را محو کن!
عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

گنتاکیون هفتم: برای آشکار کردنِ رازی که از ازل پنهان
بود، ای عیسی، مانند گوسفندی، به سوی ذبح و مانند
بره‌ای، نزد پشم‌چینان برده شدی. اما به عنوان خدا،
از مرگ برخاستی و با شکوه، به آسمان صعود کردی،
و همراه خود بالا بردی ما را که فریاد می‌زنیم: هلولویا!
ایکوس هفتم: خالق، موجودی شگفت‌انگیز به ما
نمایاند، که از باکره، بدون بذر تجسد یافت، از قبر،
بدون شکستن مُهر برخاست، و با جسم، در حالی که
درها بسته بودند، وارد اتاق رسولان شد. از این رو،
شگفت زده، می‌خوانیم:

عیسی، کلامِ بی‌کران!

عیسی، کلامِ ناشناختنی!

عیسی، قدرتِ نافهمیدنی!

عیسی، حکمتِ وصف‌ناشدنی!

عیسی، الوهیتِ ناگفتنی!
 عیسی، سلطنتِ بی‌مرز!
 عیسی، پادشاهی شکست‌ناپذیر!
 عیسی، حاکمیتِ بی‌پایان!
 عیسی، نیروی برتر!
 عیسی، قدرتِ جاودانه!
 عیسی، آفریننده‌ام، بر من رحم فرما!
 عیسی، ناجیم، مرا نجات ده!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون هشتم: با دیدن خدا، که بطرز شگفت‌انگیزی
 تجسد یافته است، بیایید از جهانِ باطل دوری کنیم و
 ذهنِ خود را، بر امور الهی متمرکز کنیم؛ زیرا خدا به
 زمین آمد تا به سوی آسمان بالا ببرد ما را که به او فریاد
 برمی‌آوریم: هلولویا!
ایکوس هشتم: آن بی‌کران، در حالی که فروتر از همه
 چیز شد، هرگز از جایگاه بالا جدا نشد، هنگامی که به
 اراده‌ی خود، برای ما رنج کشید، با مرگش، مرگِ ما را،
 به مرگ سپرد، و با رستاخیز خود، حیات را عطا کرد به
 کسانی که می‌خوانند:
 عیسی، شیرینیِ قلب!
 عیسی، قدرتِ بدن!

عیسی، درخششِ روح!
 عیسی، تیزیِ ذهن!
 عیسی، شادیِ وجدان!
 عیسی، امیدِ شناخته‌شده!
 عیسی، یادِ پیش از ازل!
 عیسی، ستایشِ والا!
 عیسی، شکوهِ متعالیِ من!
 عیسی، آرزویم، مرا طرد مکن!
 عیسی، شبانم، مرا جستجو کن!
 عیسی، ناجیم، مرا نجات ده!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون نهم: همه‌ی فرشتگانِ بهشتی، بی‌وقفه، نامِ
 تماماً مقدس تو را، ای عیسی، جلال می‌دهند و فریاد
 می‌زنند: «مقدس، مقدس، مقدس!» و ما گناهکاران
 بر روی زمین با لب‌های خاکی فریاد می‌زنیم: هلولویا!
ایکوس نهم: خطیب‌ترین سخنوران را در برابر تو، ای
 عیسیِ ناجیِ ما، مانند ماهیانِ بی‌صدا گشته‌اند؛ زیرا
 نمی‌دانند چگونه بگویند، تو انسان کامل هستی، اما
 خدای تغییرناپذیر باقی می‌مانی؛ لیکن ما در شگفتیِ
 این راز، با ایمان فریاد می‌زنیم:
 عیسی، خدای پیش از ازل!

عیسی، پادشاهِ پادشاهان!
 عیسی، استادِ حاکمان!
 عیسی، قاضیِ زندگان و مردگان!
 عیسی، امیدِ ناامیدان!
 عیسی، تسلیِ سوگواران!
 عیسی، جلالِ تهیدستان!
 عیسی، به خاطر اعمالم، مرا محکوم مکن!
 عیسی، بر اساس رحمتِ خود، مرا پاک کن!
 عیسی، ناامیدی را از من دور کن!
 عیسی، افکارِ قلبم را روشن کن!
 عیسی، به من، یادِ مرگ عطا کن!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون دهم: ای طلوعِ مشرق، با آرزویِ نجات جهان،
 طبیعت گناه‌آلود ما را، بر خود گرفتی و تا حد مرگ،
 فروتن شدی؛ از این رو، نام تو بالاتر از هر نامی، ارجمند
 شده، و از همه‌ی قبایل آسمانی و زمینی می‌شنوی:
 هلولیا!

ایکوس دهم: ای پادشاهِ جاودان، تسلی‌بخش، مسیح
 حقیقی! ما را از هر لکه‌ای پاک کن، همان‌گونه که ده
 جذامی را پاک کردی؛ و ما را شفا ده، همان‌گونه که روح
 حریصِ زکی خراجگیر را شفا دادی، تا با پشیمانی به تو

فریاد برآوریم و بلند بگوییم:
 عیسی، گنجینه‌ی زوال‌ناپذیر!
 عیسی، ثروتِ پایان‌ناپذیر!
 عیسی، غذای غنی!
 عیسی، نوشیدنی بی‌پایان!
 عیسی، جامه‌ی مستمندان!
 عیسی، پشتیبانِ بیوه‌گان!
 عیسی، مدافعِ یتیمان!
 عیسی، یاری‌دهنده‌ی کارگران!
 عیسی، راهنمای غریبان!
 عیسی، هدایتگرِ مسافران!
 عیسی، آرام‌کننده‌ی طوفان‌ها!
 عیسی، خداوند، مرا که افتاده‌ام برخیزان!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون یازدهم: گرچه نالایق هستم، اما سرودهای
 عاشقانه به تو تقدیم می‌کنم، و مانند زن کنعانی، به تو
 فریاد برمی‌آورم: «ای عیسی، بر من رحم فرما!» زیرا نه
 دخترم، بلکه جسم من است، که به شدت با شهوات
 تسخیر شده و در خشم می‌سوزد. پس شفا به من عطا
 کن، که به تو فریاد برمی‌آورم: هلولیا!
ایکوس یازدهم: پلوس که پیش‌تر تو را، ای چراغِ

نور بخش در تاریکیِ جهل، آزار داده بود، به قدرتِ صدای
روشنگرِ الهی، گوش سپرد و شتابِ تحولِ روح را دریافت؛
نورِ روحِ تاریک مرا نیز روشن کن، در حالی که فریاد
برمی‌آورم:

عیسی، پادشاهِ نیرومندم!

عیسی، خدایِ قدرتمندم!

عیسی، پروردگارِ جاودانم!

عیسی، آفریننده‌ی پرشکوهم!

عیسی، راهنمایِ نیکوکارم!

عیسی، شبانِ مهربانم!

عیسی، استادِ رحیم!

عیسی، ناجیِ مهربانم!

عیسی، حواسم را که با شهواتِ تاریک شده‌اند، روشن
کن!

عیسی، بدنم را که با گناهانِ زخمی شده، شفا ده!

عیسی، ذهنم را از افکارِ باطل پاک کن!

عیسی، قلبم را از امیالِ شریrane حفظ کن!

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون دوازدهم: فیض خود را به من عطا کن، ای

عیسی، بخشاینده‌ی همه‌ی بدهی‌ها و مرا که توبه

می‌کنم بپذیر، همان‌گونه که پطرس را، که تو را انکار کرد،

پذیرفتی، و مرا که سرافکنده‌ام فرابخوان، همان‌گونه
 که در گذشته، پلوس را، که تو را آزار داد، فراخواندی و
 مرا بشنو که به تو فریاد برمی‌آورم: هلولیا!
ایکوس دوازدهم: تجسدِ تو را ستایش می‌کنیم، تو را
 می‌ستاییم، و همچون توما ایمان داریم که تو پروردگار
 و خدایی، که با پدر نشسته‌ای و برای قضاوت زندگان
 و مردگان می‌آیی. پس به من عطا کن، که در دست
 راست تو بایستم، من که اکنون فریاد برمی‌آورم:
 عیسی، پادشاهِ پیش از ازل، بر من رحم فرما!
 عیسی، گلِ خوشبو، مرا معطر کن!
 عیسی، گرمای محبوب، مرا مشتاق کن!
 عیسی، معبدِ جاودان، مرا پناه ده!
 عیسی، جامه‌ی نور، مرا زینت بخش!
 عیسی، مرواریدِ گرانبها، مرا روشن کن!
 عیسی، سنگِ قیمتی، مرا نورانی کن!
 عیسی، خورشیدِ عدالت، بر من بتاب!
 عیسی، نورِ مقدس، مرا درخشان کن!
 عیسی، از بیماری روح و جسم، مرا رهایی ده!
 عیسی، از دستانِ دشمن، مرا آزاد کن!
 عیسی، از آتشِ خاموش‌نشدنی و دیگر عذاب‌های ابدی
 مرا نجات ده!

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!
کنتاکیون سیزدهم: ای عیسی شیرین‌ترین و رحیم‌ترین!
 اکنون این دعای کوچکی را بپذیر، همان‌گونه که
 دو سکه‌ی بیوه را پذیرفتی، و میراث خود را از همه‌ی
 دشمنان، چه مرئی و چه نامرئی، از تهاجمِ بیگانگان، از
 بیماری و قحطی، از همه‌ی بلاها و زخم‌های مرگبار حفظ
 کن، و از عذاب آینده نجات ده، همه‌ی کسانی را که به
 تو فریاد می‌زنند: هلولیا! هلولیا! هلولیا!
ایکوس اول (تکرار): ای آفریننده‌ی فرشتگان و پروردگارِ
 لشکریان آسمانی، همان‌گونه که در گذشته، گوش و
 زبانِ کر و لال را گشودی، اکنون نیز ذهن و زبانِ حیران
 مرا، برای ستایش نامِ تماماً مقدست، بگشای، تا به تو
 فریاد برآورم:

عیسی، شگفت‌انگیزترین، مایه‌ی شگفتیِ فرشتگان!
 عیسی، توانمندترین، رهایی‌بخشِ نیاکان!
 عیسی، شیرین‌ترین، شادی‌پردازِ قوم!
 عیسی، پرشکوه‌ترین، دژِ پادشاهان!
 عیسی، محبوب‌ترین، تحققِ کلامِ پیامبران!
 عیسی، معجزه‌آساترین، نیروی شهیدان!
 عیسی، آرام‌ترین، شادی‌راهبان!
 عیسی، مهربان‌ترین، شیرینی‌کشیشان!

عیسی، رحیم‌ترین، پرهیز روزه‌داران!
 عیسی، عاشقانه‌ترین، شادمانیِ قدیسان!
 عیسی، ارجمندترین، پاکدامنیِ باکره‌گان!
 عیسی، جاودانه، نجاتِ گناهکاران!
 عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما!

کنتاکیون اول (تکرار): ای رهبرِ پیروز و پروردگار، ای فاتحِ هادس، منِ مخلوق و بنده‌ات، سرودِ ستایش به تو تقدیم می‌کنم، زیرا مرا از مرگِ ابدی نجات دادی. از آنجا که مهربانیِ تو بی‌پایان است، مرا از همه‌ی خطراتِ پیش‌رو، رهایی بخش تا به تو فریاد برآورم:

عیسی، پسرِ خدا، بر من رحم فرما.
 دعا به پروردگارِ ما، عیسیای مسیح

پروردگارا، تنها نیکوکار، که بدی‌ها را به یاد نمی‌آوری، گناهانم را به تو اعتراف می‌کنم، در برابر تو به خاک می‌افتم، گرچه نالایقم، فریاد برمی‌آورم: «گناه کردم، پروردگارا، گناه کردم، و به دلیل کثرتِ گناهانم شایسته نیستم که به بلندای بهشت بنگرم». اما، ای پروردگارم، پروردگارا، به من، اشک‌های پشیمانی عطا کن، تو که تنها نیکو و رحیمی، تا با آنها به تو التماس کنم، که مرا از همه‌ی گناهانم، پیش از پایان، پاک کنی؛ زیرا مکانی که پس از جدایی از این جسم، باید از آن عبور کنم،

ترسناک و وحشتناک است، و انبوهی از شیاطین تاریک و بی‌رحم در انتظار من هستند، و هیچ‌کس نیست که به یاری‌ام بیاید یا مرا رهایی بخشد؛ از این رو، در برابر نیکویی تو به خاک می‌افتم: مرا به دستان کسانی که بر من ستم می‌کنند، مسپار و مگذار دشمنانم بر من پیروز شوند، ای پروردگارِ نیکو، و مگذار بگویند: «تو به دست ما افتاده‌ای و به ما سپرده شده‌ای». پروردگارا، رحمت‌هایت را فراموش مکن، و براساس گناهانم با من رفتار مکن، و رویت را از من برنگردان؛ بلکه، پروردگارا، مرا با رحمت و شفقت تأدیب کن، و مگذار دشمنم بر من شادی کند، و همه‌ی کارهای او را نابود کن. و به من راهی پاک به سوی خود عطا کن، ای پروردگارِ نیکو، زیرا، گرچه گناه کرده‌ام، به هیچ پزشک دیگری پناه نبرده‌ام، و دستانم را به سوی خدای بیگانه دراز نکرده‌ام. بنابراین، تضرعم را رد مکن، بلکه بخاطر نیکویی خود به من گوش کن، و قلبم را در ترس از خود استوار کن؛ و پروردگارا، فیض خود را، مانند آتشی که افکار ناپاک درونم را می‌سوزاند، بر من عطا کن. زیرا تو، پروردگارا، نوری برتر از همه‌ی نورها، شادی‌ای برتر از همه‌ی شادی‌ها، آرامشی برتر از همه‌ی آرامش‌ها، حیات حقیقی، و نجاتی هستی که تا ابد باقی می‌ماند.

تئوتکیون: شایسته است که تو را ستایش کنیم، ای تئوتکس، همیشه مقدس و بی گناه، و مادر خدای ما، والا مرتبه‌تر از کروب‌ها و فرای قیاس، با شکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین، تو را می‌ستاییم. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

پروردگارا، رحم فرما. (سه مرتبه)
پروردگارا، برکت ده.

پروردگارا، عیسی مسیح، پسر خدا، به واسطه‌ی دعای مادر پاک خود و همه‌ی پدران مقدس و خداپرست بر ما رحم فرما. آمین





آگاتیسست

به بانوی مقدس ترین ما تئوتکس

کنتاکیون اول: ای تئوتکس، پیشوای قهرمان، ما بندگان، جشن پیروزی و شکرگزاری را به عنوان نجات‌یافتگان از رنجها، تقدیم تو می‌کنیم، از آنجا که تو دارای قدرت شکست‌ناپذیر هستی از هر خطر احتمالی رهاییمان بخش، تا بتوانیم نزد تو فریاد بزنیم: شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

ایکوس اول: فرشته‌ی مقرب از آسمان فرستاده شد تا به تئوتکس بگوید: شاد باش! و چون تو را، ای پروردگار، دید که جسم میگیری، شگفت‌زده شد و با صدای غیبی

خود ایستاده و به او چنین بانگ برآورد:
 شاد باش، ای که از تو شادی خواهد درخشید!
 شاد باش، ای که از تو نفرین پایان خواهد یافت!
 شاد باش، ای فراخوان آدمِ سقوط کرده!
 شاد باش، ای رستگاریِ اشک‌های حوا!
 شاد باش، ای بلندای دست‌نیافتنی برای اندیشه‌های
 انسانی!
 شاد باش، ای ژرفای راز آلود حتی برای چشمان
 فرشتگان!
 شاد باش، که تو، تخت پادشاه هستی!
 شاد باش، ای در برگیرنده آنکه همه چیز را در برمیگیرد!
 شاد باش، ای ستاره‌ای که پدیدار شدن خورشید را
 سبب می‌شوی!
 شاد باش، ای رَحِم تجسد الهی!
 شاد باش، ای که از تو آفرینش نو می‌شود!
 شاد باش، ای که که بواسطه تو آفریدگار را پرستش
 می‌کنیم!
 شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!
کنتاکیون دوم: او که میدانست پاکدامن است، بی پروا
 به جبرئیل گفت: پذیرش این کلام شگفت تو برای روحم
 دشوار است. چگونه از تولدی بی‌بذر سخن می‌گویی؟

سپس بانگ برآورد: هاللویا!

ایکوس دوم: باکره در پی دانستن دانشی فراتر از دانستنی، به خدمتگزار آسمانی بانگ برآورد: بگو، چگونه پسری از رحم پاکدامن، متولد می‌شود؟ آنگاه او با ترس سخن گفت و چنین بانگ برآورد: شاد باش، ای که به اراده‌ی ناگفتنی خدا آگاهی!

شاد باش، ای اطمینان‌بخشِ آنان که در سکوت دعا می‌کنند!

شاد باش، ای آغاز معجزات مسیح!

شاد باش، ای تاج احکام او!

شاد باش، ای نردبان آسمانی که خداوند از آن فرو آمد!

شاد باش، ای پلی که ما را از زمین به آسمان می‌رساند!

شاد باش، ای شگفتیِ فرشتگان که آوازه‌اش همه‌جا پیچیده شده است!

شاد باش، ای زخم بر شیاطین، که در دوردست نالان هستند!

شاد باش، ای که به‌گونه‌ای رازآلود نور را به دنیا آوردی!

شاد باش، ای که راز خود را بر هیچ‌کس آشکار نکردی!

شاد باش، ای که از دانش حکیمان فراتر رفتی!

شاد باش، ای که ذهن‌های مؤمنان را روشن ساختی!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون سوم: سپس قدرت متعال بر باکره سایه
 افکند تا بارور شود، و رحم بارورش را همچون چمنزاری
 گوارا بر آنان که در پی درو کردن نجات هستند، نمایاند
 پس آنان فریاد برآوردند: هاللویا!
ایکوس سوم: باکره که خدا را در رحم خود پذیرفته بود،
 نزد الیزابت شتافت، و جنین الیزابت بناگاه حضور او
 را فهمید، شادمان شد، و با تکانهای شادمانه چون
 سرودها، به تئوتکس، بانگ برآورد:
 شاد باش، ای شاخه‌ی جوانه‌ی بی‌خزان!
 شاد باش، ای باغ میوه‌ی جاودان!
 شاد باش، ای زحمتکشی که برای دوستدار نوع بشر
 زحمت میکشی!
 شاد باش، ای که باغبان زندگی ما را دنیا آوردی!
 شاد باش، ای کشتزاری که رحمت فراوان به بار می‌آوری!
 شاد باش، ای محراب گنجینه‌ی بخشایش!
 شاد باش، ای که باغ لذت را شکوفا می‌سازی!
 شاد باش، ای که برای جان‌ها، پناهگاهی محیا می‌کنی!
 شاد باش، ای عود شفاعت‌های مقبول!
 شاد باش، ای کفاره‌ی همه جهان!
 شاد باش، ای ارده‌ی نیکوی خدا برای خاکیان!
 شاد باش، ای جسارت خاکیان در پیشگاه خدا!

شاد باش، ای عروس بی ازدواج!
کنتاکیون چهارم: یوسف پاکدامن، در طوفانی از افکار
تردیدآمیز، گرفتار شد. از آنجا که میدانست همسری
نداری، به وصلتی پنهانی گمان برد، ای بی گناه. اما
چون دانست که آبستنی تو از روح مقدس است، گفت:
هاللویا!

ایکوس چهارم: هنگامی که فرشتگان سرود می خواندند،
شبانان از آمدن مسیح در جسم باخبر شدند، و به سوی
شبان دویدند، او را چون بره ای بی گناه دیدند که در
رحم مریم رشد کرده بود، و با سرود خواندن برای بانو،
بانگ برآوردند:

شاد باش، ای مادر بره و شبان!
شاد باش، ای آغلِ گوسفندان متفکر!
شاد باش، ای عذاب دشمنان نامرئی!
شاد باش، ای گشاینده ی دروازه های بهشت!
شاد باش، که آسمانیان نیز با زمینیان شادمان اند!
شاد باش، که زمینیان با آسمانیان هم سرود می شوند!
شاد باش، ای زبان بی وقفه ی رسولان!
شاد باش، ای شهامت راسخ رنج کشیدگان!
شاد باش، ای تکیه گاه استوار ایمان!
شاد باش، ای نشان تابناک فیض!

شاد باش، ای که از تو هادس تهی گشت!
 شاد باش، ای که از تو ما به ردای جلال آراسته شدیم!
 شاد باش، ای عروس بی ازدواج!
کنتاکیون پنجم: مغان، با مشاهده‌ی ستاره‌ای که با
 قدرت الهی حرکت میکرد، درخشش آن را دنبال کردند؛
 آن را چون چراغی در دست گرفته، و با آن پادشاه قدرتمند
 را جستند؛ و چون به آن دست‌نیافتنی رسیدند، شادمان
 گشتند و به سوی او بانگ برآوردند: هلولیا!
ایکوس پنجم: فرزندان کلدانیان او را که با دست خود
 بشر را ساخت در دستان باکره دیدند. و چون دانستند
 که او استاد است، گرچه شکل بنده‌ای به خود گرفت،
 با هدایا شتابان به خدمت او آمدند و بر آن بانوی
 متبارک بانگ برآوردند:
 شاد باش، ای مادر ستاره‌ی بی‌غروب!
 شاد باش، ای سپیده‌دم روز رازآلود!
 شاد باش، ای که کوره‌ی گمراهی را خاموش کردی!
 شاد باش، ای که نوایمانان به سه‌گانه‌ی مقدس را
 بصیرت دادی!
 شاد باش، ای که ستمگر ظالم را از قدرت خلع کردی!
 شاد باش، ای که پروردگار مسیح، دوستدار بشر، را به
 ما نشان دادی!

شاد باش، ای که از پرستش بت‌ها رهایی می‌بخشی!
شاد باش، ای که ما را از مرداب اعمال گناه‌آلود می‌رهانی!
شاد باش، ای که پرستش آتش را خاموش کردی!
شاد باش، ای که از شعله‌های شهوت نجات می‌دهی!
شاد باش، ای راهنمای مؤمنان به سوی پاکدامنی!
شاد باش، ای شادمانی تمام نسل‌ها!
شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون ششم: مغان که، پیام‌آورانِ خداپرست شدند،
به بابل بازگشتند تا پیشگویی‌ها در مورد تو به انجام
رسد، و با موعظه کردنِ تو به همگان به عنوان مسیح،
ترک کردند هیروдіس را، که چون پرنده‌ی آوازخوانی بود
که نمی‌دانست چگونه آواز بخواند: هاللویا!

ایکوس ششم: با درخشش نور حقیقت در مصر، تاریکی
باطل را از بین بردی؛ ای ناجی، زیرا بت‌های مصر، که
نتوانستند در برابر قدرت تو مقاومت کنند، فرو ریختند؛
و کسانی که از بند آنها رها شدند، به سوی تثوتکس
بانگ برآوردند:

شاد باش، ای برافرازنده انسان‌ها!
شاد باش، ای سرنگون کننده اهریمنان!
شاد باش، ای که سلطه‌ی گمراهی را پایمال کردی!
شاد باش، ای که فریبِ بت‌ها را برملا ساختی!

شاد باش، ای دریایی که فرعونِ ذهن را غرق کردی!
شاد باش، ای صخره‌ای که تشنگان حیات را سیراب
می‌کنی!

شاد باش، ای ستون آتش که آنانی که در تاریکی
هستند را راهنمایی می‌کنی!

شاد باش، ای پناه جهان فراتر از ابر!

شاد باش، ای رزق جایگزین منا!

شاد باش، ای واسطه‌ی شادی الهی!

شاد باش، ای سرزمین موعود!

شاد باش، ای که از تو شیر و عسل جاری است!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون هفتم: وقتی شمعون در آستانه ترک این
جهانِ باطل بود، تو را به‌عنوان یک نوزاد نزد او آوردند،
اما او تو را به عنوان خدای کامل نیز شناخت؛ از این‌رو،
شگفت‌زده از حکمتِ توصیفِ ناپذیرِ تو، بانگ برآورد:
هاللویا!

ایکوس هفتم: خالق، آنگاه که بر ما، مخلوقاتش،
ظاهر شد، خلقت تازه‌ای را به ما نشان داد، چرا که او
از رحمی بی‌دانه جوانه زد و آن را همان‌گونه پاکدامن
نگه داشت تا ما، با دیدن این معجزه، برای او آواز
بخوانیم و بانگ برآوریم:

شاد باش، ای شکوفه‌ی بی‌خزان!
 شاد باش، ای تاج خویشتن‌داری!
 شاد باش، ای که از تو سرچشمه‌ی رستاخیز می‌تراود!
 شاد باش، ای که زندگی فرشتگان را نمایان می‌کنی!
 شاد باش، ای درخت میوه‌ی درخشان که مؤمنان از آن
 تغذیه می‌شوند!
 شاد باش، ای درخت سایه‌دار نیکو که بسیاری در پناه
 آنند!
 شاد باش، ای که رهایی‌بخش اسیران را، در رحم خود
 داشتی!
 شاد باش، ای که راهنمای گمراهان را به دنیا آوردی!
 شاد باش، ای التماس در پیشگاه قاضی عادل!
 شاد باش، ای آمرزش گناهان بسیار!
 شاد باش، ای جامه‌ی جسارت، برای برهنه‌گان!
 شاد باش، ای محبتی که بر هر تمنایی چیره می‌شوی!
 شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!
کنتاکیون هشتم: با دیدن تولدی شگفت، بیایید خود
 را از جهان جدا کنیم و ذهن‌هایمان را به سوی آسمان
 ببریم؛ چرا که خدای بلندمرتبه به‌عنوان انسانی فروتن
 بر زمین پدیدار شد، زیرا میخواست به آسمان برسد،
 آنانی را که به سوی او بانگ می‌زنند: هاللویا!

ایکوس هشتم: کلام توصیف ناپذیر، بر زمین به
تمامیت حضور یافت، در حالی که به هیچ وجه از
آسمان جدا نبود؛ چرا که این یک فرود الهی بود و نه
تغییر مکان، و تولد او از باکره‌ای مومن بود که این
چیزها را شنید:

شاد باش، ای حامل، خدای نامحدود!

شاد باش، ای درگاه راز مهم!

شاد باش، ای خبری که برای بی‌ایمانان باورناپذیر است!

شاد باش، ای افتخار بی‌تردید مؤمنان!

شاد باش، ای ازابه‌ی مقدس که بالاتر از کروبیان

نشسته‌ای!

شاد باش، ای معبد پرشکوه که بالاتر از سرافیم هستی!

شاد باش، ای که متقابل‌ها را پیوند دادی!

شاد باش، ای که باکرگی و مادرانگی را پیوند دادی!

شاد باش، ای که از تو گناه آمرزیده شد!

شاد باش، ای که از تو بهشت گشوده شد!

شاد باش، ای کلید پادشاهی مسیح!

شاد باش، ای امید نعمت‌های جاودان!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون نهم: همه‌ی فرشتگان از عمل شگرف تجسد

تو، شگفت‌زده شدند؛ چرا که خدای دست‌نیافتنی را،

چون انسانی دست‌یافتنی برای همه، دیدند، که با ما می‌زیست و می‌شنید: هاللویا!

ایکوس نهم: ای تئوتکس، سخنورترین سخنوران را می‌بینیم، که در برابر تو، چون ماهیان، خاموش‌اند. چرا که درفهم چگونگی باکره ماندن تو، با وجود بدنیا آوردن فرزند، مبهوت و درمانده‌اند. اما ما، شگفت‌زده از این راز، با ایمان بانگ برمی‌آوریم:

شاد باش، ای ظرف حکمت خدا!

شاد باش، ای گنجینه‌ی تدبیر او!

شاد باش، ای که فیلسوفان را ابله نشان می‌دهی!

شاد باش، ای که دانشمندان را بی‌منطق جلوه می‌دهی!

شاد باش، چرا که نکته‌سنگان زیرک احمق شده‌اند!

شاد باش، که نویسندگان اسطوره‌ها محو شده‌اند!

شاد باش، ای که تارهای آتنی‌ها را دریدی!

شاد باش، ای که تورهای ماهیگیران را پر کردی!

شاد باش، ای که ما را از ژرفای نادانی بیرون می‌کشی!

شاد باش، ای که بسیاری را با دانش روشن می‌کنی!

شاد باش، ای کشتی برای آنان که در پی نجات‌اند!

شاد باش، ای لنگرگاه برای دریانوردان دریای زندگی!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون دهم: آفریدگار، با اشتیاق برای نجات، طبق

وعدده اش بر زمین آمد؛ و او که به عنوان خدا، شبان
است، برای ما به صورت انسان ظاهر شد؛ زیرا همسان،
همسان را می خواند؛ لیک در جایگاه خدا می شنود:
هاللویا!

ایکوس دهم: ای تئوتکس باکره، تو دژی هستی برای
باکره ها و همه کسانی که به سوی تو می گریزند؛ چرا که
آفریننده ی آسمان و زمین، تو را آماده کرد، ای پاک ترین،
در رحم تو ساکن شد و به همگان آموخت که به سوی
تو بانگ برآورند:

شاد باش، ای ستون باکره گی!

شاد باش، ای دروازه ی نجات!

شاد باش، ای پیشوای شکل گیری ذهنی!

شاد باش، ای بخشنده ی نعمت الهی!

شاد باش، که شرم زادگان را حیات دوباره بخشیدی!

شاد باش، که محرومان از خرد را، حکمت بخشیدی!

شاد باش، ای که تباه کننده ی ذهن ها را ناکام گذاشتی!

شاد باش، ای که بذرافشان پاکی را به دنیا آوردی!

شاد باش، ای حجله ی زناشویی بی بذر!

شاد باش، ای که مؤمنان را به پروردگار پیوند می دهی!

شاد باش، ای پرورنده ی نیکوی باکره گان!

شاد باش، ای آراینده ی جان های پاک برای عروسی!

شاد باش، ای عروس بی ازدواج!
کنتاکیون یازدهم: هر سرودی که کوشد تا گسترهی
رحمت‌های تو را دربرگیرد، ناکام میماند؛ چرا که حتی
اگر به تو، ای پادشاه مقدس، به اندازه شن‌ها، سرود
تقدیم کنیم، باز هم کاری نکرده‌ایم که در خور و شایسته
آنچه به ما بخشیده‌ای باشد. ما که به سوی تو بانگ بر
می‌آوریم: هاللویا!

ایکوس یازدهم: ما باکره‌ی مقدس را می‌بینیم، چراغی
فروزان، که بر آنان که در تاریکی هستند، آشکار می‌شود؛
او با افروختن نور معنوی، همه را به سوی معرفت الهی
راهنمایی می‌کند، ذهن‌ها را با پرتویش روشن می‌کند،
و با این فریادهای ستایش، گرمی داشته می‌شود:
شاد باش، ای پرتوی خورشید معنوی!

شاد باش، ای تابش نور بی‌غروب!
شاد باش، ای صاعقه‌ای که روح‌هایمان را روشن می‌کنی!
شاد باش، ای رعد که دشمنانمان را هراسان می‌سازی!
شاد باش، که مسبب نور درخشان سحرگاه شدی!
شاد باش، که رودخانه پرچوش را جاری ساختی!
شاد باش، ای که تصویر چشمه را ترسیم کردی!
شاد باش، ای که لکه‌ی گناه را محو کردی!
شاد باش، ای شوینده‌ای که وجدان را پاک می‌شویی!

شاد باش، ای جامی که شادی را برمی‌کشی!
 شاد باش، ای رایحه‌ی عطر شیرین مسیح!
 شاد باش، ای مایه‌ی شادی رازآلود!
 شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!
کنتاکیون دوازدهم: وقتی آمرزنده بشریت خواست
 بدهی‌های کهن را پاک کند، به اراده‌ی خود در میان
 آنان که از فیض او دور افتاده بودند، ساکن شد؛ و سند
 گناهانشان را پاره کرد و بانگ آنها را شنید: هاللویا!
ایکوس دوازدهم: ای تئوتکس، در حالی که به فرزندت
 سرود می‌خوانیم، تو را به‌عنوان معبدی زنده، ستایش
 می‌کنیم، چرا که پروردگاری که همه‌چیز را در دست
 دارد در رحم تو ساکن شد، و تو را تقدیس کرد و تجلیل
 نمود و به همه آموخت که به تو بانگ برآورند:
 شاد باش، ای خیمه‌ی خداوند کلام!
 شاد باش، ای قدیس فراتر از همه‌ی قدیسان!
 شاد باش، ای صندوقی که توسط روح مزین شد!
 شاد باش، ای گنجینه‌ی بی‌پایان هستی!
 شاد باش، ای تاج گرانبهای پادشاهان پارسا!
 شاد باش، ای افتخار ارجمند کشیشان پرهیزگار!
 شاد باش، ای دژ استوار کلیسا!
 شاد باش، ای دیوار تسخیرناپذیر پادشاهی!

شاد باش، ای که از تو پیروزی‌ها به دست می‌آیند!

شاد باش، ای که از تو دشمنان سقوط میکنند!

شاد باش، ای شفا دهنده‌ی جسم من!

شاد باش، ای ناجی روح من!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!

کنتاکیون سیزدهم: ای مادر متبارک که کلام را به دنیا

آوردی، مقدس‌ترین قدیسان، اکنون پیشکش ما را بپذیر

و ما را از همه بدبختی‌ها رهایی بخش، و از عذاب آینده

نجات ده، آنانی را که به تو بانگ بر می‌آورند: هاللویا!

(سه مرتبه)

ایکوس اول (تکرار): فرشته‌ی مقرب از آسمان فرستاده

شد تا به تثوتکس بگوید: شاد باش! و چون تو را، ای

پروردگار، دید که جسم میگیری، شگفت‌زده شد و با

صدای غیبی خود ایستاده و به او چنین بانگ برآورد:

شاد باش، ای که از تو شادی خواهد درخشید!

شاد باش، ای که از تو نفرین پایان خواهد یافت!

شاد باش، ای فراخوان آدم سقوط کرده!

شاد باش، ای رستگاری اشک‌های حوا!

شاد باش، ای بلندای دست‌نیافتنی برای اندیشه‌های

انسانی!

شاد باش، ای ژرفای راز آلود حتی برای چشمان فرشتگان!

شاد باش، که تو، تخت پادشاه هستی!
شاد باش، ای در برگیرنده آنکه همه چیز را در برمیگیرد!
شاد باش، ای ستاره‌ای که پدیدار شدن خورشید را
سبب می‌شوی!

شاد باش، ای رَحِم تجسد الهی!
شاد باش، ای که از تو آفرینش نو می‌شود!
شاد باش، ای که که بواسطه تو آفریدگار را پرستش
می‌کنیم!

شاد باش، ای عروس بی‌ازدواج!
کنتاکیون اول (تکرار): ای تئوتکس، پیشوای قهرمان،
ما بندگان، جشن پیروزی و شکرگزاری را به عنوان
نجات‌یافتگان از رنجها، تقدیم تو می‌کنیم، از آنجا که تو
دارای قدرت شکست‌ناپذیر هستی از هر خطر احتمالی
رهایمان بخش، تا بتوانیم نزد تو فریاد بزنیم: شاد
باش، ای عروس بی‌ازدواج!

تئوتکیون: ای بانو و سرور مقدس، تئوتکس! تو از همه‌ی
فرشتگان و فرشتگان بلندمرتبه، والاتری و از همه‌ی
آفرینش، ارجمندتری، یاور ستم‌دیدگان، امید‌نامیدان،
شفیع فقیران، تسلاّی اندوهگینان، روزی‌دهنده‌ی
گرسنگان، پوشش‌برهنگان، شفّاگر بیماران، نجات
گناهکاران، و یاور و پناه همه‌ی مسیحیان هستی.

ای بانو و سرور مقدس، تئوتکس باکره! بواسطه‌ی رحمت خود، پاتریاکهای مقدس ارتدوکس، متروپولیتن‌های مقدس، اسقف‌های اعظم و اسقف‌ها، و همه رده‌های کشیشی و رهبانی، رهبران نظامی، رهبران مدنی، و نیروهای مسلح دوستدار مسیح، و خیرخواهان، و همه‌ی مسیحیان ارتدوکس را نجات ده و بر آنان رحم فرما و با پوشش گرانبهایت محافظت کن، و ای بانو، از مسیح خدای ما، که بی‌بذر از تو جسم گرفت، بخواه تا ما را با قدرت والای خود در برابر دشمنانمان، چه مرئی و چه نامرئی، حفظ کند.

ای بانو و سرور مقدس، تئوتکس مهربان! ما را از ژرفای گناه بیرون آر، و از قحطی، ویرانی، زلزله و سیل، آتش و شمشیر، هجوم بیگانگان و جنگ داخلی، مرگ ناگهانی، وزش بادهای زیانبار و بیماری‌های مرگبار و از همه شرارت‌ها رهایی بخش. به بندگان، همه‌ی مسیحیان ارتدوکس، صلح و سلامتی عطا کن، ذهنها و چشمان قلبشان را به سوی نجات روشن کن؛ و به ما، بندگان گناه‌کارت، پادشاهی فرزندت، مسیح خدای ما، را عطا فرما؛ چرا که سلطنت او، همراه با پدر ازلی و روح مقدس و نیکو و حیات‌بخش او، متبارک و پرشکوه است، اکنون، همیشه و تا ابد. آمین.





دعای پیش از آیین شراکت مقدس

این دعا را شب یا صبح، پیش از مراسم لیتورگی می‌خوانیم.

دعای آغازین

پروردگارا، عیسی مسیح، خدای ما، به واسطه‌ی دعا‌های
پدرانِ مقدس‌مان، بر ما رحم فرما. آمین.
جلال بر تو باد خدای ما، جلال بر تو باد.
ای پادشاهِ بهشتی، تسلی‌دهنده، ای روحِ حقیقت، که
در همه جا حاضر هستی و همه چیز را از فیض خود
پر می‌کنی، گنجینه‌ی چیزهای نیکو و بخشنده‌ی حیات،
بیا و در ما ساکن شو، ما را از تمامی آلودگی‌ها، پاک
کن و روح ما را نجات ده، ای نیکو.
خداوندِ مقدس، مقتدرِ مقدس، جاودانِ مقدس، بر
ما رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین

ای سه‌گانه‌ی مقدس، بر ما رحم فرما، پروردگارا، گناهان
ما را پاک کن. ای استاد، خطاهای ما را عفو فرما. ای
مقدس، به‌خاطر نامت، ضعف‌ها و ناتوانی‌های ما را
ببین و درمان کن.

پروردگارا رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی
تو بیاید، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است، بر
زمین نیز انجام شود، نانِ حیاتِ روزانه‌ی ما را امروز به
ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما
تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها دور
کن و از آن شریر در امان بدار.

پروردگارا، رحم فرما. (دوازده مرتبه).

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

بیاید تا خداوند، پادشاه خود را بپرستیم.

بیاید تا در مقابل مسیح، پادشاه و خدایمان، به خاک
بفغیم و او را بپرستیم.

بیایید تا در مقابل خودِ مسیح، پادشاه و خدایمان، به خاک بیفتیم و او را بپرستیم.

مزامیر ۲۳

پروردگار، شبانِ من است؛ مرا کمبودی نخواهد بود. او مرا در مراتع سرسبز، سکنی می‌دهد؛ و به‌سوی آب‌های آرام هدایت می‌کند. او روحم را تازه می‌سازد؛ به‌خاطرِ نام خود، مرا به راه راست هدایت می‌نماید. آری، هرچند در وادی سایه‌ی مرگ راه روم، از بدی نخواهم ترسید؛ زیرا تو با منی؛ عصا و چوب دستی‌ات مرا حمایت می‌کند. در حضور دشمنانم، سفره‌ای برایم می‌گسترانی؛ سرم را با روغن، مسح می‌کنی؛ جام مرا لبریز می‌گردانی. چه نیکو است! رحمتت، تمام عمر در پیِ من بوده؛ و تا ابد در خانه‌ی پروردگار، ساکن خواهم بود.

مزامیر ۲۴

زمین و تمامی آنچه در آن است، از آن پروردگار است؛ جهان و ساکنانش. زیرا او آن‌ها را بر دریاها بنا نهاد و بر رودها استوار ساخت. کیست که به کوه پروردگار برآید؟ و کیست که در جایگاه مقدس او بایستد؟ آن که دستانش بی‌گناه و دلش بی‌آلایش است؛ که روحش را به باطل نسپرده و به دروغ سوگند نخورده است. او

برکت را، از پروردگار دریافت خواهد کرد و رحمت را، از خدای ناجی‌اش. این است نسل کسانی که پروردگار را می‌جویند، و رویِ خدای یعقوب را طلب می‌کنند. ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید؛ ای درهای جاودان، افراشته شوید؛ تا پادشاهِ جلال درآید. این پادشاهِ جلال کیست؟ پروردگارِ توانا و مقتدر؛ پروردگارِ مقتدر در نبرد. ای دروازه‌ها، سرهای خود را برافرازید؛ ای درهای جاودان، افراشته شوید؛ تا پادشاهِ جلال درآید. این پادشاهِ جلال کیست؟ پروردگارِ لشکرها، اوست پادشاهِ جلال!

مزامیر ۱۱۶

باور داشتم، پس سخن گفتم؛ من بسیار خوار شده بودم. در پریشانیِ خود گفتم: همه‌ی آدمیان دروغگو هستند. برای تمامِ نیکویی‌هایی که بر من روا داشته است، چه چیزی می‌توانم به پروردگار تقدیم کنم؟ جامِ نجات را بر خواهم داشت، و نامِ پروردگار را خواهم خواند. نذرهایم را به پروردگار، در حضورِ تمامیِ قومش، ادا خواهم کرد. در نظر پروردگار، مرگِ پرهیزکاران گران‌بهاست. پروردگارا، من بنده‌ی تو هستم؛ بنده‌ی تو و فرزندِ کنیز تو، تو مرا از بندهایم رها کردی. قربانیِ سپاسگزاری، به تو تقدیم خواهم کرد، و نامِ پروردگار را خواهم خواند. نذرهایم را به پروردگار، در حضورِ تمامیِ

قومش، ادا خواهم کرد. در صحن‌های خانه‌ی پروردگار،
در میان تو، ای اورشلیم!

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
و تا ابد. آمین.

هلولویا! هلولویا! هلولویا! جلال بر تو، ای خدا. (سه مرتبه)
پروردگارا، رحم فرما. (سه مرتبه)

تروپاریا (لحن هشتم)

پروردگارا، که از باکره متولد شده‌ای، از گناهان من
چشم‌پوش، و قلبم را پاک کن و آن را معبدی برای
بدن و خونِ پاکِ خود قرار ده. مبادا از حضور تو طرد
شوم، ای کسی که رحمت بی‌اندازه است.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛
چگونه می‌توانم جرأت کنم، با اینکه شایسته نیستم،
در مقدساتِ تو شریک شوم، زیرا اگر جرأت کنم و با
شایستگان، به حضورت بیایم، جامه‌ام مرا رسوا می‌کند،
چرا که ردای جشن نیست و من باعثِ سرزنش شدنِ
روحِ گناهکار خود خواهم شد. پروردگارا، آلودگی را از
روحِ من، پاک کن، و مرا نجات ده، چراکه تو دوستدار
نوع بشر هستی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تئوتکس، گناهان من، بسیار زیاد است. به امید

نجات، به‌سوی تو می‌شتابم ای پاک‌ترین. روح ناتوان
من را ببین، و به پسرت و خدای ما دعا کن، که اعمال
بد مرا ببخشد، ای که تنها تو، متبارک هستی.

(در زمان روزه‌ی بزرگ، در طول هفته دعای زیر، به جای تروپاریای بالا
خوانده می‌شود اما در شنبه و یکشنبه بصورت معمول تروپاریا را می‌خوانیم)
پس از اینکه شاگردان سربلند، به‌واسطه‌ی شستنِ
پاهایشان، تعلیم گرفتند، یهودای بی‌خدا، در عشقِ به
نقره، گرفتار و تاریک شد و تو را، ای قاضیِ عادل، به
دست قاضیان بی‌قانون سپرد. هان؛ ای عاشقِ پول،
که سرانجام برای نجات از آن، خود را حلق‌آویز کردی.
از آن روح سیری‌ناپذیر که جرات چنین کارهایی را علیه
استاد داشت فرار کن.
پروردگارا، ای کسی که با همه، نیکو بودی، جلال بر
تو باد.

مزامیر ۵۱ دعای توبه

خدایا، به‌خاطر محبّت پایدار خود، بر من رحم فرما، و از
روی گَرَم بی‌پایانت، گناهان مرا محو ساز. مرا از گناهم
به کَلّی شست‌وشو ده و از خطایم پاک ساز. چرا که من،
به خطای خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر
من است. من، علیه تو، ای خداوند، بلی، تنها علیه تو
گناه کرده‌ام، و این گناه را در پیشگاه تو انجام داده‌ام،

تا عدالتِ کلامت، آشکار شود و در قضاوتت پیروز و بی‌عیب شناخته شوی. من در گناه شکل گرفتم و مادرم در گناه مرا به دنیا آورد. تو، حقیقت را دوست داری؛ اسرار و حکمتِ پنهانت را بر من آشکار کرده‌ای. بر من زوفا بپاش، تا پاک شوم؛ مرا بشوی، تا سفیدتر از برف شوم. بگذار تا صدای شادی و خوشحالی را بشنوم؛ تا استخوان‌های شکسته‌ام بار دیگر شاد شود. از گناهانم چشم بپوش و خطاهایم را محو ساز. خدایا، قلبی پاک، در من بیافرین و روحی استوار، در من تازه کن. مرا از حضور خود مران و روح مقدس خود را از من بگیر. شادی نجات را به من بازگردان و روح هدایت‌گرت را در من قرار ده. آنگاه احکام تو را به گناهکاران خواهم آموخت، تا بی‌ایمانان به‌سوی تو بازگردند. ای خدایی که نجات‌دهنده‌ی من هستی، مرا از گناه خونریزی نجات ده تا زبانم بار دیگر سرودِ عدالت تو را بسراید. پروردگارا، دهانم را بگشای تا با زبانم، تو را ستایش کنم. تو خواهان قربانی نیستی، وگرنه تقدیم می‌کردم. قربانی‌های سوختنی، تو را خشنود نمی‌سازد. قربانی واقعی برای خدا، روحی شکسته است؛ خدایا، تو قلب پشیمان و توبه‌کار را رد نمی‌کنی. خداوندا، بر صهیون نظر لطف داشته باش و دیوارهای اورشلیم را دوباره

بنا نما. آنگاه از قربانی‌های حقیقی خشنود خواهی شد،
از پیشکش‌ها و هدایای تمام سوخته، و گاوها را بر
مذبح تقدیم خواهند کرد.

کانن شراکت مقدس (لحن دوم)

بند اول

ایرموس: ای مردم بیایید، برای خدای خود مسیح، سرود مناجات بخوانیم،
کسی که دریا را شکافت و قومی را که از اسارت مصر بیرون آورده بود، از
میان آن عبور داد. زیرا او جلال یافته است.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی
استوار، در درونم تازه کن.

ای پروردگارِ مهربان، باشد که بدنِ مقدس تو، برای من
نانِ زندگی جاودان و خونِ گران‌بهای تو، شفا برای انواع
بیماری‌های من باشد.

رفرین: مرا از حضورِ خود، دور مکن و روح مقدس خود
را، از من مگیر.

ای مسیح، منِ نالایق، که به اعمال ناشایست آلوده
شده‌ام، لیاقت ندارم که در بدن پاک‌ترین تو و خونِ
الهی که تو به من عطا می‌کنی، شریک شوم.
جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
وتا ابد. آمین.

ای عروسِ آمرزیده‌ی خدا، خاکِ نیکو که بدون کشت،

خوشه‌ی گندم را، برای نجات دنیا رویانده‌ای، به من
عطا کن که با خوردنش نجات یابم.

بند سوم

ایرموس: با قرار دادنِ من بر صخره‌ی ایمان، زبان مرا بر دشمنانم دراز
کردی، زیرا که روحِ من شاد می‌شود وقتی می‌سرایم: هیچ‌کس، مثل
خدای ما مقدس نیست و هیچ‌کس، جز تو عادل نیست پروردگارا.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی
استوار، در درونم تازه کن.

ای مسیح، به من قطره‌های اشک عطا کن، که قلب
آلوده‌ام را پاک کند، تا پاک و با وجدانی آسوده، با
ایمان و ترس بیایم و در مراسم اشتراک هدایای الهی
تو، شرکت کنم ای استاد.

رفرین: مرا از حضورِ خود، دور مکن و روح مقدس خود
را، از من بگیر.

ای دوستدار نوعِ بشر، باشد که بدن پاک‌ترین و خونِ
الهی تو برای آمرزش گناهان، برای یکی شدن با روح
مقدس، برای زندگیِ جاودان و برای رها شدن از هواهای
نفسانی و غم‌ها نصیب من شود.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
وتا ابد. آمین.

ای سفره‌ی مقدسِ «نانِ حیات»، که به واسطه‌ی

رحمتش، از بلندا فرود آمد و به دنیا روح تازه‌ای بخشید،
به من نالایق هم مجال این که با ترس از این نان بخورم
و زنده بمانم را عطا فرما.

بند چهارم

ایرموس: تو از یک باکره آمدی، نه به‌عنوان سفیر، و نیز نه به‌عنوان یک
فرشته، بلکه خود پروردگار، که جسم گرفته و من انسان کامل را، نجات
دادی. از این رو به‌سوی تو فریاد می‌زنم: جلال بر قدرت تو، پروردگارا.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی
استوار، در درونم تازه کن.

ای بخشنده‌ترین، ای کسی که به‌خاطر ما جسم گرفتی،
تو اراده کردی که مانند گوسفندی برای گناهان نوع بشر
کشته شوی، از این رو، التماس می‌کنم گناهان من را
نیز پاک کنی.

رفرین: مرا از حضور خود، دور مکن و روح مقدس خود
را، از من بگیر.

پروردگارا، زخم‌های روحم را شفا ده، تمام وجودم را
تقدیس کن، عطا فرما تا من نالایق در شام الهی
اسرارآمیز تو، شرکت کنم ای استاد.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه
وتا ابد. آمین.

ای بانو، به کسی که از رَحِم تو آمده است، برای من

نیز، شفاعت کن و مرا که بنده‌ی توام، بی‌آلایش و بی‌گناه نگاه دار، تا با به‌دست آوردن مروارید معنویت، تقدیس شوم.

بند پنجم

ایرموس: پروردگارا، بخشنده‌ی نور و آفریننده‌ی قرون، ما را با نور احکامت هدایت کن، زیرا ما خدای دیگری را غیر از تو نمی‌شناسیم.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی استوار، در درونم تازه کن.

ای مسیح، بگذار برای خدمتگزار گناهکارت، همان شود که پیشگویی کردی و آنچه که وعده دادی تحقق یابد: زیرا اینک بدن الهی تو را می‌خورم و خون الهی تو را می‌نوشم.

رفرین: مرا از حضور خود، دور مکن و روح مقدس خود را، از من بگیر.

ای کلام خدا و ای خدا، باشد که زغال روشن بدن تو، من که در تاریکی هستم را روشن، و خون تو، روح آلوده‌ی من را پاک کند.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد، آمین.

ای مریم، مادر خدا، خیمه‌ی گران‌بهای رایحه‌ی خوش، با دعایت مرا به ظرفی برگزیده تبدیل کن، تا بتوانم

در رازِ مقدسِ پسرِ شریکِ شوم.

بند ششم

ایرموس: من که در ورطه‌ی گناه می‌چرخیدم، به‌ورطه‌ی غیرقابل درک رحمت، متوسل شدم: خدایا مرا از زوال رهایی ببخش.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی استوار، در درونم تازه کن.

ای ناجی، ذهن، روح، قلب و جسم مرا تقدیس کن و ای استاد، مرا بدون ملامت کردن، نجات ده تا در اسرارِ هراسناک تو شرکت کنم.

رفرین: مرا از حضورِ خود، دور مکن و روح مقدس خود را، از من بگیر.

با شرکت در اسرار مقدست، مرا از شهوت رهایی ببخش، فیض خود را به یاری‌ام بفرست و به زندگی‌ام قدرت ببخش، ای مسیح. جلال بر پدر و پسر و روح مقدس، اکنون، همیشه و تا ابد. آمین.

کلام مقدس خدا و ای خدا، به‌واسطه‌ی دعا‌های مادر مقدست، تمام وجودم را تقدیس کن، چرا که اکنون برای دریافتِ اسرار الهی تو آمده‌ام.

پروردگارا رحم فرما (۳ مرتبه).

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

کونتاکیون (لحن دوم)

ای مسیح، من را که درمانده‌ام، برای دریافت نانی که بدن توست و خون مقدست و شرکت در پاک‌ترین و هراسناک‌ترین اسرار، نالایق ندان، ای استاد. نگذار این‌ها برای قضاوت من، بلکه برای زندگی جاودانه و همیشگیم باشند.

بند هفتم

ایرموس: فرزندان دانا، به تمثال طلایی خدمت نکردند، بلکه با پای خود، به‌میان آتش رفتند و خدای مشرکان را دشنام دادند. در حالی که در میان شعله‌ها فریاد می‌زدند، فرشتگان آن‌ها را با شبنم، تر کردند: همانا دعای لبنانان شنیده شده است.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی استوار، در درونم تازه کن.

ای مسیح، باشد که شرکت در اسرار جاودانه‌ی تو، که منشأ برکات است، برای من نور، زندگی، آرامش و عامل پیشرفت و رشد در فضایل الهی شود، ای تنها نیکو، باشد که تو را جلال دهم.

رفرین: مرا از حضور خود، دور مکن و روح مقدس خود را، از من بگیر.

اینک لرزان با عشق و احترام به اسرار جاودانه و الهی تو نزدیک می‌شوم، ای دوستدار نوع بشر، تا از

هوس‌ها، دشمنان، نیاز و هر اندوهی رهایی یابم. عطا کن تا برایت سرود پرستش بخوانم: متبارک هستی تو، پروردگار، خدای پدران ما.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای کسی که پر از فیضی، و کسی که فراتر از فهم ما، مسیحِ ناجی را، به دنیا آوردی، من که بنده‌ی ناپاک تو هستم، به تو التماس می‌کنم ای منزّه: اکنون که به پاک‌ترین اسرار نزدیک می‌شوم مرا از تمام آلودگی‌های جسم و روح پاک کن.

بند هشتم

ایرموس: ای مخلوقات، آن خدایی را به‌عنوان پروردگار ستایش کنید و تا ابد تعالی بخشید، که نزد کودکان عبری در کوره‌ی آتشین فرود آمد و شعله را به شبنم تبدیل کرد.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی استوار، در درونم تازه کن.

ای مسیح، ای خدا و ناجی من، به من ناامید نیز عطا کن تا در اسرار مقدس آسمانی و ترسناکت و در شام الهی اسرارآمیزت شرکت کنم.

رفرین: مرا از حضور خود، دور مکن و روح مقدس خود را، از من بگیر.

ای نیکو، با پناه بردن به محبت عاشقانه‌ی تو، با ترس فریاد می‌زنم: ای ناجی، در من ساکن شو، و من در تو، چنان‌که خود گفته‌ای. بنگر که با امید به رحمت تو، بدن تو را می‌خورم و خون تو را می‌نوشم. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

هنگام گرفتن آتش، از ترس بر خود می‌لرزم، مبدا مانند موم و علف از بین بروم. ای راز هراسناک! ای محبت عاشقانه‌ی خدا! چگونه می‌شود من که چیزی جز گِل نیستم، در آیین دریافت خون و بدن الهی شرکت کنم و زوال‌ناپذیر شوم؟

بند نهم

ایرموس: ای پسر از پدر ازلی، خدا و پروردگار، که با جسم گرفتن از یک باکره، بر ما ظاهر شدی تا آنان را که در تاریکی هستند آگاه کنی و آنان که پراکنده هستند را گردآوری. به همین دلیل، تئوتوکس همواره ستوده را، ارج می‌نهیم.

رفرین: خدایا در وجودم، قلبی پاک بیافرین و روحی استوار، در درونم تازه کن.

بچش و ببین که این مسیح است! پروردگار برای نجات ما، در روزگار گذشته، شبیه ما شد و یک‌بار خود را به‌عنوان قربانی به پدرش تقدیم کرد، و پیوسته قربانی

می‌شود، تا آنانی که در او شریک میشوند را، تقدیس نماید.

رفرین: مرا از حضور خود، دور مکن و روح مقدس خود را، از من مگیر.

ای بخشنده‌ی رحمت، باشد که روح و جسم من تقدیس شود ای استاد، باشد که آگاه شوم، باشد که نجات یابم، باشد که با شراکت در اسرار مقدس تو، منزلگاه تو شوم، تو همراه با پدر و روح مقدس، در من ساکن شوید. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛

ای ناجی من، باشد که بدن و خون گران‌بهاترین تو، برای من همانند آتش و نور باشد، تا منشأ گناه را از بین ببرد و خارهای هوس را بسوزاند و تمامی مرا آگاه سازد تا خداوندی تو را بپرستم. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

خدا از خون پاک تو جسم گرفت. به همین دلیل همه‌ی نسل‌ها برای تو سرود پرستش می‌خوانند ای بانو، و روح‌های بهشتی، تو را جلال می‌دهند، زیرا به واسطه‌ی تو، او را که بر همه‌چیز حاکم است، در حالی که طبیعت بشری بر تن کرده است، دیده‌اند.

شایسته است که تو را ستایش کنیم، ای تثوتکس، همیشه مقدس و بی‌گناه، و مادر خدای ما، والا مرتبه‌تر

از کروبیان و فرای قیاس، با شکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین، تو را می‌ستاییم.

خداوندِ مقدس، مقتدرِ مقدس، جاودانِ مقدس، بر ما رحم فرما. (سه مرتبه)

ای سه‌گانه‌ی مقدس، بر ما رحم فرما، پروردگارا، گناهان ما را پاک کن. ای استاد، خطاهای ما را عفو فرما. ای قدوس، به‌خاطرِ نامت، ضعف‌ها و ناتوانی‌های ما را ببین و درمان کن.

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیاید، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود، نانِ حیاتِ روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها دور کن و از آن شریر در امان بدار.

تروپاریا (لحن ششم)

بر ما رحم فرما، پروردگارا، بر ما رحم فرما. به‌جای هرگونه دفاعی، ما گناهکاران این دعا را به تو تقدیم می‌کنیم ای استاد، بر ما رحم فرما.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛ پروردگارا، بر ما رحم فرما، چرا که ما به تو امید داریم،

از ما خشمگین نشو و گناهان ما را به یاد نیاور؛ بلکه
نظر لطف را بر ما بیفکن، چراکه تو، مهربان هستی.
ما را از دشمنانمان رهایی ببخش، چراکه تو، خدای ما
هستی و ما قوم تو. همه‌ی ما مخلوق دستان تو هستیم
و نام تو را صدا می‌زنیم.
اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

ای تئوتکس متبارک، درهای رحمت بر روی ما باز می‌شود،
چرا که به تو امید بسته‌ایم، نگذار که هلاک شویم.
به واسطه‌ی تو، از ناملایمات رهایی می‌یابیم، چرا که
تو نجات‌بخش نسل مسیحیان هستی.

پروردگارا، رحم فرما. (چهل مرتبه) سجده و تعظیم
ای انسان، اگر می‌خواهی بدن استاد را بخوری،
با ترس نزدیک شو، مبادا بسوزی. زیرا که آتش است.
و هنگامی که خون الهی را در آیین شراکت می‌نوشی،
نخست با آنانی که تو را آزاده‌اند آشتی کن،
سپس برای خوردن آن خوراک اسرارآمیز حاضر شو.

بعد از آشتی کردن و پیش از شراکت در قربانی پرهیبت بدن حیات‌بخش
استاد، با ترس دعا‌های زیر را بخوانید:

دعای قدیس باسیل بزرگ (دعای اول)

ای استاد پروردگار عیسی مسیح، خدای ما، سرچشمه‌ی
حیات و جاودانگی، آفریننده‌ی همه‌ی چیزهای پیدا و

پنهان، پسر هم‌ازلی و هم‌بی‌ابتدا با پدر بی‌ابتدا، که به‌خاطر خوبی بیکرانِ خود، در روزهای واپسین، جامه تن بر خود پوشاندی، برای ما ناسپاسان و گناهکاران، مصلوب گشتی، دفن شدی و با خون خود، طبیعت ما را، که با گناه فاسد شده بود تازه کردی: ای پادشاه جاودان، خودت، توبه‌ی منِ گناهکار را بپذیر و گوش‌های خود را به روی من باز کن و سخنان من را بشنو. چرا که من در برابر آسمان و در پیشگاهِ تو گناه کرده‌ام و من شایستگیِ نگاه کردن به بلندای جلالت را ندارم. چرا که من، با سرپیچی کردن از دستورات و اطاعت نکردن از احکامت، ذات نیکوی تو را رنجانده‌ام. ولی پروردگارا، تویی که انتقام‌جو نیستی، بلکه صبور و بسیار بخشنده هستی، مرا رها نکردی تا با گناهانم از بین بروم و همیشه منتظر بازگشت کامل من هستی. زیرا که تو، ای دوستدار نوع بشر، با زبان پیامبرت گفته‌ای: "من مرگ گناهکار را نمی‌خواهم، بلکه می‌خواهم او برگردد و زنده بماند." زیرا ای استاد، تو نمی‌خواهی مخلوق دستان خود را از بین ببری و نیز از هلاکت انسان‌ها خشنود نمی‌شوی، بلکه می‌خواهی همه نجات یابند و به دانش حقیقت برسند. به همین دلیل، حتی من، که در زمین و آسمان نالایق هستم و در این زندگی موقت، تمام

وجودم را تسلیم گناه کرده‌ام و خود را به برده‌ی شهوت تبدیل کرده‌ام و تصویر تو را مخدوش نموده‌ام، اما از آنجا که مخلوق و آفریده‌ی تو هستم، هرچند حقیرم، از نجات خود ناامید نیستم و جرأت می‌کنم به محبت عاشقانه و بی‌اندازه‌ی تو نزدیک شوم. پس حتی من را نیز بپذیر، ای پروردگارا، ای دوستدار بشر، چنان‌که زن گناهکار، دزد، خراجگیر و پسر ولخرج را پذیرفتی، بارهای سنگین گناهانم را بردار، ای کسی که گناهان دنیا را پاک می‌کنی و دردهای انسان را درمان می‌نمایی. ای کسی که خستگان و یوغ‌سنگینان را به‌سوی خود فراخوانده‌ای و به آن‌ها آرامش عطا کردی، کسی که نیامده تا پارسایان، بلکه گناهکاران را به توبه فراخوانی. و مرا از هرگونه آلودگی جسم و روح پاک کن و به من پیاموز که در ترس از تو به پرهیزگاری برسم و با شهادت خالصانه‌ی وجدان خود، سهمی از مقدسات تو را دریافت کنم تا بتوانم با خون و بدن مقدس تو یکی شوم و تو همراه با پدر و روح مقدست، در من ساکن و ماندگار شوید. آری؛ پروردگار عیسی مسیح، خدای من، مبادا که شراکت در اسرار پاک و حیات‌بخش تو، برای قضاوت من استفاده شود و نگذار به‌خاطر نالایق بودن من، باعث ضعف در روح و جسم من شود؛ بلکه به من عطا فرما که تا آخرین

نفس، سهمی از مقدسات تو را بدون سرزنش شدن، دریافت کنم، برای یکی شدن با روح مقدس و به عنوان توشه‌ی زندگی ابدی و برای یک دفاع قابل قبول در دادگاه هراسناک تو. که من نیز همچون برگزیدگان تو، شریکِ نعمت‌های زوال‌ناپذیر تو شوم، پروردگارا، نعمت‌هایی که تو برای دوستدارانت آماده کرده‌ای، همان کسانی که به وسیله‌ی آن‌ها تا ابد جلال داده می‌شوی. آمین.

دعای قدیس یوحنا زین‌دهان (دعای دوم)

پروردگار خدای من، می‌دانم که شایسته و لایق نیستم که به زیر سقفِ معبد روح من درآیی، چرا که تهی و خرابه است و در من، مکان مناسبی برای آرامیدن تو نمی‌باشد ولی، همان‌طور که برای نجات ما، از اوج پایین آمدی اکنون نیز خود را به اندازه‌ی حقارت من کوچک کن؛ و همان‌گونه که رضایت دادی در غار و آخور حیوانات زبان‌بسته بخوابی، رضایت بده که در آخورِ روحِ تاریک من نیز بخوابی و در بدن آلوده‌ام وارد شوی. و همان‌طور که رد نکردی که وارد خانه‌ی شمعون جذامی شوی و با گناهکاران شام بخوری، لطفاً بپذیر که به خانه‌ی روح حقیر، جذامی و گناهکار من نیز وارد شوی. همان‌طور که آن زن بدکاره، که مثل من گناهکار

بود را، وقتی آمد و تو را لمس کرد طرد نکردی، با من گناهکار نیز، زمانی که به تو نزدیک می‌شوم و تو را لمس می‌کنم مهربان باش. همان‌طور که از لبان آلوده و ناپاک زنی که تو را بوسید احساس بی‌زاری نکردی، از لب‌های آلوده و دهان ناپاک و نفرت‌انگیز من و زبان چرکین و متعفن من نیز، بی‌زار نباش. بلکه بگذار، زغال روشن جسم مقدس‌ترین و خون‌گران‌بهای تو برای تقدیس و آگاه کردن و سلامتی روح حقیر و جسم من باشد، و نیز برای سبک کردن بار گناهانِ بسیارم، برای محافظت از عملکرد شیرین، برای ترک کردن و دوری از عادات گناه‌آلود و شیرینانه‌ی من، برای مرگ شهوت‌ها، برای عمل به دستورات تو، برای بهره‌بردن از فیض الهی تو، برای ورود به پادشاهی تو. ای خداوند مسیح، چرا که از روی حقارت به تو نزدیک نمی‌شوم، بلکه به‌عنوان کسی که به خوبی غیرقابل توصیف تو ایمان دارد، مبادا با دور ماندن از شراکت تو برای مدت طولانی، طعمه‌ی گرگ معنوی شوم. بنابراین، التماس می‌کنم به تو ای استاد، ای که تنها تو، مقدس هستی: روح و جسمم، فکر و قلبم، شکم و اعضای درونی‌ام را تقدیس کن و مرا به طور کامل تازه کن. و ترس خود را در تمام اعضای من قرار ده و تقدیس خود را از من جداناپذیر کن، و برایم محافظ و راهنما باش

و زندگی مرا به سوی آرامش هدایت نما، و به واسطه‌ی شفاعت و دعای مادر پاک‌ترین تو، خدمتگزاران غیرمادی و سپاهیان بی‌آلایشات و تمام قدیسینی که در طول اعصار مایه‌ی خشنودی تو بوده‌اند، عطا کن که من نیز با مقدسین تو، در سمت راست تو بایستم. آمین.

دعای دیگر از قدیس سیمون متافراست

(دعای سوم)

ای پروردگاری که تنها تو، پاک و بدون گناه هستی، کسی که به واسطه‌ی عشق غیرقابل توصیف برای نوع بشر، تمامی ذات ما را از خون پاک و باکره‌ی آن که تو را به گونه‌ای مافوق طبیعی و از طریق نزول روح مقدس و خواستِ نیکِ پدرِ ازلِی به دنیا آورد، به خود گرفتی؛ ای عیسی مسیح، ای حکمت خدا و آرامش و قدرت، تو که با پذیرش طبیعت ما، رسالت نجات و حیات بخشیدن را با صلیب، میخ‌ها، نیزه و مرگ بر خود گرفتی: امیال نابودکننده‌ی روح مرا، از بین ببر. ای که با تدفین خویش، پادشاهی هادس را به اسارت کشیدی؛ اندیشه‌های پلید مرا با افکار نیکو دفن کن و روح‌های شرور را نابود ساز. ای که با رستاخیز حیات بخش خود در روز سوم، نیای سقوط کرده‌ی ما را

برخیزاندی؛ مرا نیز که در گناه لغزیده‌ام برخیزان و راه‌های توبه را پیش رویم بگذار. ای که با عروج پرجلال خود، جسمی را که به تن کرده بودی، خداوندگونه ساختی و مفتخر کردی که در دست راست پدر بنشیند؛ به من نیز همچون نجات‌یافتگان دیگر، عطا کن تا با شرکت در اسرار مقدست، در دست راست تو جای گیرم. ای که با نزول روح خود، آن تسلی‌بخش، شاگردان مقدست را ظرف‌هایی شایسته ساختی؛ به من هم نشان بده که چگونه ظرفی برای آمدن او باشم. ای کسی که دوباره می‌آیی تا جهان را با عدالت قضاوت کنی، لطفاً به من نیز اجازه بده تا همراه با همه‌ی قدیسین، بر فراز ابرها با تو دیدار کنم، ای قاضی و آفریننده‌ی من؛ که بتوانم بی‌پایان تو را جلال دهم و ستایش کنم، همراه با پدر ازلی خود و روح مقدس و نیکو و حیات‌بخشت، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای قدیس داماسکن الهی (دعای چهارم)

ای استاد پروردگار عیسی مسیح خدای ما؛ ای کسی که تنها تو اختیار بخشیدن گناهان انسان را داری: ای نیکو و دوستدار نوع بشر، تمام گناهان آگاهانه و ناآگاهانه‌ی مرا نادیده بگیر و عطا فرما، تا بدون محکومیت در اسرار الهی، باشکوه، بی‌عیب و حیات‌بخش تو شرکت کنم.

نه به عنوان یک مسئولیت یا به عنوان تنبیه و نه برای اینکه گناهانم زیاد شده است، بلکه برای پاکسازی و تقدیس، و به عنوان تعهدی برای زندگی و پادشاهی که در راه است و برای پناه و کمک، برای تباهی دشمنان و برای محو کردن عصیان‌های بسیارم. چرا که تو خدای رحمت و شفقت و عشق به نوع بشر هستی و به تو جلال می‌فرستیم و به پدر و روح مقدس. اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای قدیس باسیل بزرگ (دعای پنجم)

پروردگارا، می‌دانم که بدون داشتن لیاقت، در بدن بی‌نقص و خون‌گران‌بهای تو شریک می‌شوم و من گناهکار هستم، و با بازنشاختن بدن و خون تو، محکومیت خویش را می‌خورم و می‌نوشم، مسیح خدای من، اما با دلگرمی به رحمت تو، به تو نزدیک می‌شوم، که گفته‌ای: "آن که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، در من ساکن می‌شود و من در او". بنابراین بر من رحم فرما، پروردگارا و من گناهکار را سرزنش نکن، بلکه بر اساس رحمت با من رفتار کن؛ و عطا کن که مقدسات تو برای شفا، پاکسازی، آگاهی، محافظت، نجات و تقدیس روح و جسم من باشد و برای دور کردن شهوات و اعمال شریر و فعالیت‌های ذهنی

شریر، بر اعضای من و برای عشق و اعتماد به تو و برای اصلاح زندگی، برای استواری، برای افزایش تقوا و تکامل، برای انجام دستورات تو، برای یکی شدن با روح مقدس، همچون توشه‌ای برای زندگی ابدی و برای دفاعی قابل قبول، در دادگاه هراسناک تو و نه برای قضاوت یا محکومیت.

دعای قدیس سیمون متخصص الهیات مدرن (دعای ششم)

از لبان آلوده، از قلب تاریک، از زبان ناپاک، از روح سرکشگر من، بپذیر التماس دعای مرا، ای مسیح من! و مرا تحقیر نکن، نه کلام من، نه راه من و نه بی‌شرمی مرا. ای مسیح من، اجازه بده چیزی که آرزوی من است را جسورانه بگویم. که حتی به من بیاموز که چه باید انجام دهم و چه باید بگویم. خدا، استاد و مسیح من، بیشتر از زن گناهکاری که وقتی فهمید کجا اقامت داری، عطر خوشبو خرید و آمد جسورانه پاهای تو را شست، گناهکارم. همان‌طور که او را زمانی که با قلب خود به تو نزدیک شد طرد نکردی، ای کلام خدا، از من نیز بپزار مباش، بلکه اجازه بده پاهای تو را در آغوش بگیرم و بوسم و جسارت کنم تا با سیل اشک‌هایم به‌عنوان عطری گران‌بها آن‌ها را بشویم. من را با اشک‌هایم بشور

و مرا با آن‌ها پاک کن، ای کلام؛ خطاهای مرا ببخش و به من آمرزش عطا فرما. هرچند انبوه شرارت‌های مرا می‌دانی و همچنین زخم‌های مرا می‌شناسی و جراحات‌های مرا دیده‌ای، ولی از سوی دیگر ایمان مرا نیز دیده‌ای و خلوص نیت مرا مشاهده نمودی و ناله‌های مرا شنیده‌ای. هیچ‌چیز از تو پنهان نیست، خدای من، خالق من، ناجی من، نه قطره‌ای اشک و نه حتی قسمتی از قطره. کارهای من که حتی هنوز به انجام نرسیده است را، چشمان تو می‌بیند، و در کتاب تو، کارهایی که هنوز به اتمام نرسیده است نیز، نوشته شده است. حقارت مرا ببین، رنج و محنت مرا ببین که چقدر زیاد است و تمام گناهانم را از من بگیر، ای خدای همه‌چیز؛ تا با قلبی پاک، فکری لریزان و روحی توبه‌کار، در اسرار بی‌عیب و مقدس‌ترین تو، که هر که از آن با قلبی پاک بخورد و بنوشد، زنده و با تو یکی می‌شود، شرکت کنم. چرا که تو استاد من گفته‌ای: "هر کس که جسم مرا بخورد و خون مرا بنوشد، در من ساکن می‌شود و من در او". حقیقت است هر کلمه‌ی استاد و خدای من، چرا که هر کس در فیض الهی و خداگونه شدن، شرکت کند دیگر تنها نیست، بلکه با توست، مسیح من، نور سه‌گانه‌ی خورشید که جهان را

روشن می‌کنی، و من تنها و بدون تو نخواهم ماند، ای بخشنده‌ی حیات، نفسِ من، زندگیِ من، شادیِ من، نجاتِ جهان، همان‌گونه که می‌بینی با اشک‌ها و با روحی توبه‌کار به تو نزدیک می‌شوم. ای خون‌بهای گناهان من، از تو می‌خواهم که مرا بپذیری، تا بتوانم بدون محکومیت، در اسرار حیات‌بخش و بی‌عیب تو شرکت کنم، که تو با من سه‌بار-بیچاره بمانی، همان‌طور که خود گفته‌ای، مبادا فریبکار، مرا دور از رحمت تو بیابد، حيله‌گرانه مرا تصاحب کند و مرا گمراه سازد، و مرا از کلمات الهی تو دور کند. به همین دلیل، در برابر تو به خاک می‌افتم و از صمیم قلب به تو گریه می‌کنم: همان‌طور که پسر ولخرج و زن گناهکار را که به تو نزدیک شد، پذیرفتی، پس من ولخرج و بی‌بند و بار را نیز بپذیر، ای مهربان. با روحی توبه‌کار اکنون به‌سوی تو می‌آیم. ای ناجی، می‌دانم که هیچ‌کس دیگر در برابر تو به اندازه‌ی من گناه نکرده است، و کارهایی که من انجام داده‌ام را انجام نداده است. ولی همچنین این را می‌دانم، که نه اندازه‌ی خطاهای من و نه انبوه گناهانم، از رنج بی‌کران خدای من و عشق بیش از اندازه‌اش به نوع بشر، بیشتر نخواهد بود. همانا، با رحمت دلسوزانه، کسانی که مشتاقانه توبه می‌کنند، را پاک و منزه می‌کنی

تا بی‌دریغ در نور و وجود الهی تو، شریک شوند و هرچند برای عقل انسان و حتی فرشتگان عجیب است، با آن‌ها مانند دوستان واقعییت گفتگو می‌کنی. این چیزها مرا جسور کرده است، این چیزها به من بال داده است، ای مسیح. و منی که همچون علف هستم، با دلگرمی به بخشش تو، شادان و لرزان، در دریافت آتش شرکت می‌کنم. و معجزه‌ای عجیب! تر می‌شوم و با آتش از بین نمی‌روم. همان‌طور که بوته در روزگاران قدیم سوخت، بدون اینکه از بین برود. اکنون با ذهنی شاکر و قلبی سپاسگزار و با شکرگزاری در تمام اعضای بدنم و روحم تو را می‌پرستم و ستایش می‌کنم و جلال می‌دهم ای خدای من، چرا که متبارک هستی تو، اکنون و همیشه و تا ابد.

دعای دیگر از قدیس یوحنا زین‌دهان (دعای هفتم)

ای خدا، رها کن، بیامرز و ببخش خطاهای مرا که در پیشگاه تو گناه کرده‌ام، چه در کلام، عمل یا ذهن، ارادی یا غیرارادی، آگاهانه یا ناآگاهانه، تمام آن‌ها را ببخش، چرا که تو نیکو و دوستدار نوع بشر هستی. و به شفاعتِ مادر پاک‌ترینت، خدمتگزاران دانا، لشکریان مقدس و

قدیسینت، که در تمام اعصار تو را خوشنود کرده‌اند،
پذیر که بدون محکومیت، بدن بی‌عیب و مقدس و خون
گران‌بهای تو را، برای درمانِ روح و جسم و برای پاکسازیِ
افکار شرورانه‌ام، دریافت کنم. چرا که پادشاهی و قدرت
و جلال برای توست؛ همراه با پدر و روح مقدس، اکنون
و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای قدیس یوحنا یزین‌دهان (دعای هشتم)

ای استاد و پروردگار، من شایسته نیستم که تو به زیر
سقف روح من وارد شوی، ولی چون اراده‌ی تو، به‌عنوان
دوستدار نوع بشر، بر این است که در من وارد شوی، جرات
می‌کنم که به تو نزدیک شوم. تو فرمان می‌دهی: درهایی
که تو خلق کرده‌ای را باز کنم، تا بتوانی با عشقت به نوع
بشر وارد شوی، که این، ذاتِ توست، وارد شوی و افکار
تاریک مرا روشن کنی. من باور دارم که تو این کار را انجام
می‌دهی، چرا که تو زن گناهکار را، وقتی با اشک‌هایش
به‌سوی تو آمد، از خود دور نکردی؛ و خراجگیر را که توبه
کرد، از خود نراندی؛ و دزدی که به پادشاهی تو اعتراف کرد
را، طرد نکردی؛ و آزاردهنده‌ی توبه‌کار را، به حال خود رها
نکردی بلکه، همه‌ی آن‌هایی که با توبه نزد تو برگشتند
را، در شمار دوستان خود قرار دادی، ای کسی که تنها تو
متبارک هستی، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای قدیس یوحنا زین‌دهان (دعای نهم)

پروردگارا عیسی مسیح خدای من، رها کن، بیامرز، پاک کن و ببخشای من را که خدمتگزار گناهکار، ناشایست و بی‌ثمر تو هستم و گناهان، خطاها و لغزش‌های مرا که در برابر تو از جوانی تا این روز و این ساعت، آگاهانه یا ناآگاهانه، در کلام، عمل، فکر یا تصورات، در عادات یا تمام احساس‌های خود انجام داده‌ام را عفو فرما. و به واسطه‌ی شفاعت‌های آنکه بدون نطفه تو را به دنیا آورد، مریم پاک‌ترین و همیشه‌باکره، تنها امیدی که مأیوس نمی‌کند و میانجی و ناجی من، عطا فرما تا بدون محکومیت، در اسرار بی‌عیب، جاودان، حیات‌بخش و بی‌نقص تو، برای بخشش گناهان و برای زندگی جاودان، برای تقدس و آگاهی، قدرت، شفا و سلامت روح و جسم، و برای تباهی و ویرانی کامل استدلال‌ها و نیت‌ها و قضاوت‌های شریرانه‌ی من و فانتزی‌های شبانه‌ی روح‌های تاریک و شریر، شرکت کنم، چرا که پادشاهی و قدرت و جلال و افتخار و ستایش برای توست همراه با پدر و روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین.

دعای دیگر از قدیس یوحنا دمشقی (دعای دهم)

من در برابر درب‌های معبد تو می‌ایستم، با این حال هنوز افکار شیطانی را کنار نگذاشته‌ام. ولی تو ای خداوند

مسیح، کسی که خراجگیر را تبرئه کردی و بر آن زن کنعانی، رحم کردی و درهای بهشت را بر روی دزد باز کردی، برای من هم درهای اعماق عشقت به نوع بشر را باز کن، و من را بپذیر وقتی که می‌آیم و تو را لمس می‌کنم، همان‌طور که زن گناهکار و آن زن که مشکل خونریزی داشت را، پذیرفتی. یکی با لمس کردن بند لباس تو، به‌آسانی شفا یافت و دیگری با شست‌وشوی پاهای پاک تو، گناهانش آمرزیده شد. و نگذار من بینوا، که جرات می‌کنم بدن کامل تو را دریافت کنم، با آتش از بین بروم، بلکه به‌واسطه‌ی شفاعت او که بدون نطفه تو را به دنیا آورد و به‌واسطه‌ی لشکریان آسمانی، من را نیز بپذیر، همان‌گونه که آن‌ها را پذیرفتی و حواس معنوی من را آگاهی ببخش، اشتباهات گناه‌آلود مرا بسوزان. چرا که متبارک هستی تو، تا ابد. آمین.

دعای دیگری از قدیس یوحنا ز زرین‌دهان (دعای یازدهم)

من ایمان دارم پروردگارا و اعتراف می‌کنم که تو، به‌راستی مسیح هستی، پسر خدای زنده، کسی که به دنیا آمدی تا گناهکاران را که من سر دسته‌ی آن‌ها هستم، نجات دهی. علاوه بر آن، من ایمان دارم که این به‌راستی بدن

پاک‌ترینِ تو و به‌راستی خونِ بارزشِ توسِت، بنابراین
به تو التماس می‌کنم: بر من رحم فرما و خطاهای مرا
در کلام و عمل، ارادی و غیرارادی، آگاهانه و ناآگاهانه،
بخش. و به من عطا کن تا بدون محکومیت، برای
پاک شدن گناهانم و زندگیِ جاودانه در اسرار پاک‌ترینِ
تو شریک شوم. آمین.

زمانی که برای آیین شراکت می‌آیید با خود این استعاره‌ها را بگویید:

بنگر که من برای دریافت شراکت الهی نزدیک می‌شوم
ای خالق، نگذار که من با این شراکت، بسوزم
چرا که تو آتشی هستی که نالایقان را می‌سوزانی
بلکه مرا از تمام ناپاکی‌ها پاک کن.

سپس دوباره بگویید:

ای پسرِ خدا، بپذیر که من امروز در شام رازآلود تو
شریک شوم، چرا که من در مورد این راز با دشمنان
تو صحبت نمی‌کنم؛ و نیز مانند یهودا بر تو بوسه
نمی‌زنم، بلکه همچون دزد اعتراف می‌کنم: پروردگارا،
مرا، در پادشاهیِ خود به یاد بیاور.

سپس این خط‌ها:

حیرت‌زده شو، ای فانی، از دیدن خون الهی
چرا که این آتشی است که نالایقان را از بین می‌برد
بدن الهی که مرا خداگونه و تغذیه می‌کند

روح مرا خداگونه و ذهن مرا به طرز شگفت‌انگیزی تغذیه می‌کند.

تروپاریا:

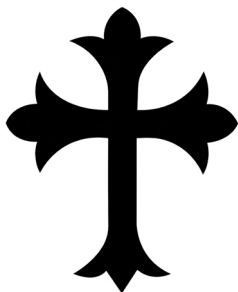
تو با عشق خود، دل مرا به دست آوردی، ای مسیح و با شوق الهی خود، مرا تغییر دادی. گناهان مرا با آتش معنوی از بین ببر و به من عطا کن تا با شادی از تو پر شوم. ای نیکو، جست‌وخیزکنان از شوق، هر دو بار آمدن تو را ستایش می‌کنم.

منِ نالایق، چگونه می‌توانم همراه با قدیسین پرجلال تو، وارد شوم؟ که اگر جرات کنم و وارد تالار داماد شوم، ردایم مرا رسوا می‌کند، چرا که ردای عروسی نیست و من توسط فرشتگان تو به بیرون افکنده خواهم شد. پروردگارا، روحم را، از آلودگی پاک کن و مرا نجات ده، چرا که تو دوستدار نوع بشر هستی.

سپس این دعا:

ای استاد، دوستدار نوع بشر، پروردگار عیسی مسیح خدای من، مبادا عطایای مقدس تو، به‌خاطر نالایق بودنم، برای قضاوت من باشد، بلکه برای پاکسازی و تقدیس روح و بدن من، و برای توشه‌ای برای زندگی و پادشاهی که می‌آید. چرا که برای من خوب است که به خدا بپیوندم و برای نجات به پروردگار امید داشته باشم.

ای پسرِ خدا، بپذیر که من امروز در شام رازآلود تو
شریک شوم، چرا که من در مورد این راز با دشمنان
تو صحبت نمی‌کنم؛ و نیز مانند یهودا بر تو بوسه
نمی‌زنم، بلکه همچون دزد اعتراف می‌کنم: پروردگارا،
مرا، در پادشاهیِ خود به یاد بیاور.





نمای شکرگزاری پس از

شراکت مقدس

وقتی در هدایای حیات بخش و عرفانی شریک شدی، بی درنگ خدا را ستایش کن، عمیقاً تشکر کن، و با تمام روح مشتاقانه بگو:

جلال بر تو، ای خدا. (سه مرتبه)

پروردگارا، خدای من، تو را سپاس می گویم، که من گناهکار را رد نکردی، بلکه به من عطا کردی تا در مقدسات تو شریک شوم. تو را سپاس می گویم، که به من نالایق، عطا کردی که از پاک ترین و بهشتی ترین عطایای تو بهره مند شوم. لیکن ای استاد، دوستدار نوع بشر، که به خاطر ما مردی و دوباره زنده شدی، و این اسرار هولناک و حیات بخش را برای بهروزی و تقدیس روح و جسممان، به ما ارزانی داشتی، به من هم عطا کن که این ها برای شفای روح و جسم من، برای دفع

شرارت، برای روشن شدن چشمان دلم، برای آرامش
 قوای روحم، برای ایمانی بی‌شرم، برای عشقی بی‌ادعا،
 برای پرشدن از حکمت، برای انجام اوامر تو، برای
 افزایش فیض الهی تو و برای دستیابی به پادشاهی
 تو باشد؛ تا به واسطه‌ی آن‌ها، در قدوسیت تو محفوظ
 بمانم، فیض تو را همیشه، به یاد داشته باشم و دیگر
 نه برای خودم، بلکه برای تو، سرور و خیرخواه ما، زندگی
 کنم. و بدین‌سان هنگامی که این زندگی را به امید
 زندگی جاودانی ترک کنم، می‌توانم به آرامش ابدی
 برسم، جایی که صدای آنان که شادی می‌کنند بی‌وقفه
 است، و لذت برای آنانی که زیبایی وصف‌ناپذیر چهره‌ی
 تو را می‌بینند، بی‌پایان است. زیرا تو آرزوی راستین و
 شادمانی غیرقابل بیان آنانی هستی که تو را دوست
 دارند، ای مسیح خدای ما، و تمامی خلقت تا ابد برای
 تو می‌خوانند. آمین

دعای دوم، از قدیس باسیل بزرگ

ای استاد خداوند مسیح، پادشاه اعصار و آفریدگار
 همه چیز، تو را سپاس می‌گویم برای همه‌ی چیزهای
 خوبی که به من عطا کردی و برای شرکت در پاک‌ترین
 و حیات‌بخش‌ترین اسرار. از این رو، ای نیکوکار و
 دوستدار نوع بشر، به تو التماس می‌کنم: مرا در پناه

خود و در سایه‌ی بال‌هایت نگهدار و به من عطا کن که حتی تا آخرین نفسم، با وجدانی پاک، برای آمرزش گناهان و حیات جاودانی، شایسته‌ی شرکت در مقدسات تو شوم. زیرا تو نانِ حیات، سرچشمه‌ی قدوسیت، بخشنده‌ی چیزهای خوب هستی. و به‌سوی تو جلال می‌فرستیم، همراه با پدر و روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

دعای سوم، آیات متافراست

ای که گوشتت را با میل و رغبت به عنوان خوراک به من می‌دهی، ای که آتشی هستی که نالایقان را می‌سوزانی، ای آفریدگار من، مرا مسوزان؛ بلکه در تمام اندام، مفاصل، جوارح و قلب من وارد شو. خس و خاشاکِ گناهانم را بسوزان. روحم را پاک کن، افکارم را تقدیس کن. عضلاتم را همراه با استخوان‌هایم تقویت کن. حواس پنج‌گانه‌ی من را آگاه کن. تمام وجودم را با ترس از خود، میخکوب کن. مرا همواره، از هر عمل و گفتار گمراه‌کننده‌ی روح، محافظت، نگهبانی و نگهداری کن. مرا پاک، تمیز و منزّه کن، مرا بیارای، به من فهم ببخش و آگاه کن. به من یاد بده که تنها مسکنِ روحِ باشم و دیگر مسکنِ عاداتِ گناه‌آلود نباشم. تا از من که از طریق دریافت اشتراک الهی منزلگاه تو می‌شوم، هر بدکار و هر هوسی

بگریزد، چنان که از آتش می‌گریزد. همه‌ی قدیسین، فرماندهان لشکریان بی‌جسم، پیشروی تو، رسولان حکیم، و بالاتر از آن‌ها، مادر پاک و بی‌آلایش تو را، که التماس‌های او را می‌پذیری، به عنوان شفاعت‌کننده به حضورت تقدیم می‌کنم، ای مسیح مهربانم، تا بنده‌ی خود را، فرزند نور گردانی. زیرا که تنها تو، تقدیس ما هستی ای نیکو و درخشندگی جان ما؛ همه‌ی ما هر روز به‌سوی تو به عنوان خدا و استاد جلال می‌فرستیم.

دعای دیگر

پروردگارا، عیسی مسیح، خدای ما، باشد که بدن مقدس تو، برای زندگی جاودان، و خون گران‌بهای تو، برای آمرزش گناهان من باشد؛ و باشد که این شراکت مقدس برای لذت، سلامتی و شادی من باشد. و در دوباره آمدن ترسناکت، به من، گناهکار، عطا کن تا با شفاعت مادر پاک‌ترینت و همه‌ی قدیسین، در دست راستِ جلال تو بایستم.

دعای دیگر، به تئوتکس مقدس‌ترین

ای مقدس‌ترین بانو تئوتکس، نورِ روحِ تاریک من، امید من، حافظ من، پناه من، تسلی من، شادی من: از تو سپاسگزارم که به من، که شایسته نیستم، عطا کردی

که در دریافت بدن پاک‌ترین و خون‌گران‌بهای پسر
شرکت کنم. ای که نور حقیقی را به دنیا آوردی، چشمان
روحانی قلبم را روشن کن. ای که سرچشمه‌ی جاودانگی
را به دنیا آوردی، مرا که در گناه مرده‌ام، زنده کن. ای که
مادرِ مهربانِ خدای رحیم هستی، بر من رحم کن و به
من توبه، پشیمانی در قلبم، فروتنی در افکارم و آزادی
ذهنم از اسارت را، عطا فرما. و عطا کن که برای شفای
روح و جسمم، تا آخرین نفس، تقدیس پاک‌ترین اسرار
را، بدون محکومیت دریافت کنم. و اشک توبه و اعتراف
به من عطا فرما، تا در تمام روزهای عمرم تو را سرود و
تسبیح گویم، زیرا تا ابد متبارک و باشکوه هستی. آمین

دعای دیگر از قدیس سیمون

در زمان ملاقات با مسیح نوزاد

حال مطابق وعده‌ات، بگذار بنده‌ات، در آرامش، روانه
شود، ای استاد، زیرا چشمان من نجات را که تو برای همه
فراهم کرده‌ای، دیده است؛ نورِ وحی برای غیریهودیان
و جلال برای قومت، اسرائیل.

خداوند مقدس، مقتدر مقدس، جاودان مقدس، بر ما
رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه

و تا ابد. آمین

ای سه‌گانه‌ی مقدس، بر ما رحم فرما، پروردگارا، گناهان ما را پاک کن. ای استاد، خطاهای ما را عفو فرما، ای مقدس، به‌خاطر نامت، ضعف‌ها و ناتوانی‌های ما را ببین و درمان کن.

پروردگارا، رحم فرما. (سه مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. پادشاهی تو بیايد، اراده‌ی تو همانگونه که در آسمان است بر زمین نیز انجام شود، نان حیات روزانه‌ی ما را، امروز به ما عطا فرما، تقصیرهای ما را ببخش، همانگونه که ما تقصیرکاران به خود را می‌بخشیم، ما را از وسوسه‌ها دور کن و از آن شریر در امان بدار.

پس از پایان این دعاها یکی از سه بند زیر را که دعای تقدیمی به قدیس یوحنا‌ی زرین‌دهان، باسیل بزرگ و گیورگی دیالوگیست هست، مناسب با نوع لیتورگی روز (لیتورگی قدیس یوحنا، لیتورگی قدیس باسیل و یا لیتورگی قدیس گیورگی که همان لیتورگی هدایای از پیش تقدیس شده است) را میخوانیم.

در لیتورگی قدیس یوحنا‌ی زرین‌دهان:

تروپارین تن هشتم: فیض از دهان تو، چون مشعلی درخشنده، عالم را روشن ساخته است، گنجینه‌های

قناعت را بر جهان آشکار ساخته، و اوج فروتنی را به ما نشان داده است. اما ای پدر یوحنا ی زرین‌دهان، در حالی که با کلام خود به ما تعلیم می‌دهی، به کلام، خدای ما مسیح، شفاعت کن، تا روح ما را نجات دهد. جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛

کونتاکیون، تن ششم:

فیض، الهی را از آسمانها دریافت کرده‌ای و با لبانت آن را به همه می‌آموزی، که خدای یکتای سه‌گانه را پرستش کنند، ای یوحنا ی زرین‌دهان، نیکوکار متبارک. شایسته است که تو را تحسین کنیم، زیرا تو معلمی هستی که روشن‌گرانه مسایل الهی را آشکار می‌کنی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای حامی مسیحیان که هرگز شرمنده نمی‌شوی، ای که شفاعت در پیشگاه آفریدگار هرگز رد نمی‌شود، صدای ملت‌مسانه‌ی ما گناهکاران را، نشنیده مگیر. بلکه ای نیکوکار، بی‌درنگ، به ما که باایمان به‌سوی تو فریاد می‌زنیم، کمک کن. بشتاب برای شفاعت و رساندن تمنای ما. ای تئوتکس، ای که همیشه از آنانی که تو را گرامی می‌دارند محافظت می‌کنی.

پروردگارا، رحم فرما. (دوازده مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه

و تا ابد. آمین

والا مرتبه‌تر از کروبیان و فرای قیاس، باشکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین تو را می‌ستاییم.

در لیتورگی قدیس باسیل بزرگ:

تروپارین: شهرت تو، در تمام زمین که کلام تو را شنیده است، منتشر شده. بدین‌سان تو ایمان را به‌گونه‌ای الهی تعلیم دادی و ماهیت مخلوقات را آشکار ساختی. تو زندگی معنوی انسان را به کهنات پادشاهی تبدیل کرده‌ای. ای باسیل، پدر نیکوکار ما، نزد مسیح خدا شفاعت کن، تا جان ما نجات یابد.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛

کونتاکیون، تن چهارم: تو اثبات بنیانِ تزلزل‌ناپذیرِ کلیسا هستی، به همه‌ی انسان‌های فانی، مقام و شوکتی بخشیده‌ای که هیچ‌چیز نمی‌تواند خدش‌های به آن وارد کند و آن را با تعالیم خود تضمین کرده‌ای، ای باسیل عادل، ای آشکارکننده‌ی نعمت‌های بهشتی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای حامی مسیحیان که هرگز شرم‌نده نمی‌شوی، ای که شفاعت در پیشگاه آفریدگار هرگز رد نمی‌شود، صدای ملت‌مسانه‌ی ما گناهکاران را، نشنیده مگیر. بلکه ای نیکوکار،

بی‌درنگ، به ما که باایمان به‌سوی تو فریاد می‌زنیم، کمک کن. بشتاب برای شفاعت و رساندن تمنای ما. ای تئوتکس، ای که همیشه از آنانی که تو را گرمی می‌دارند محافظت می‌کنی. پروردگارا، رحم فرما. (دوازده مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

والا مرتبه‌تر از کروبیان و فرای قیاس، باشکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین تو را می‌ستاییم.

در لیتورگی قدیس گئورگی دیالوگیست:

تروپارین: ای گریگوری شکوهمند، که از خدا، فیض الهی را از عرش اعلی دریافت کردی و با قدرت او استوار گشتی، اراده کردی که بر طبق انجیل گام برداری؛ از این‌رو، ای متبارک، پاداش زحمات را از مسیح دریافت کرده‌ای. به او التماس کن که جان‌هایمان را نجات دهد.

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس؛

کونتاکیون، تن سوم: ای پدر گریگوری، تو نشان دادی که مانند مسیح، شبان اعظم، پیشوایی هستی، که گله‌های راهبان را به سوی آغل آسمانی هدایت می‌کنی، و از این طریق فرمان‌های مسیح را تعلیم دادی و اکنون با آن‌ها در عمارت‌های آسمانی شادی می‌کنی و پایکوبی

می‌نمایی.

اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

ای حامی مسیحیان که هرگز شرمنده نمی‌شوی، ای که شفاعت در پیشگاه آفریدگار هرگز رد نمی‌شود، صدای ملت‌مسانه‌ی ما گناهکاران را، نشنیده مگیر. بلکه ای نیکوکار، بی‌درنگ، به ما که باایمان به‌سوی تو فریاد می‌زنیم، کمک کن. بشتاب برای شفاعت و رساندن تمنای ما. ای تئوتکس، ای که همیشه از آنانی که تو را گرامی می‌دارند محافظت می‌کنی.

پروردگارا، رحم فرما. (دوازده مرتبه)

جلال بر پدر و بر پسر و بر روح مقدس، اکنون و همیشه و تا ابد. آمین

والا مرتبه‌تر از کروبیان و فرای قیاس، باشکوه‌تر از سرافیان، که بدون زوال، خدای ما، کلام، را به دنیا آوردی. تئوتکس راستین تو را می‌ستاییم.



